

فَلِمَنْ نَهَرَعْ بِهِ حَرَقَ لِبْصَرَ طَغْيَانٍ

مکارم اخلاق حضرت زہرا سلام اللہ علیہا

تأیین دانشنیش مظہم
مروم شیخ احمد رحمانی ہمدانی

سرشناسه: رحمانی همدانی، احمد - ۱۳۶۸ - ۱۳۸۳ .

عنوان قراردادی: فاطمه زهرا  بهجة قلب المصطفی  .

فارسی، برگزیده.

عنوان و نام پدیدآور: مکارم اخلاق حضرت زهرا  / احمد رحمانی همدانی.

مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۹۰ .

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.

فروضت: فاطمه زهرا  سرور دل پیامبر  .

شابک: ۷ - ۳۱۹ - ۵۴۴ - ۵۷۸ - ۹۷۸ .

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: فاطمه زهرا ، ۱۳، قبل از هجرت، ۱۱ ق. اخلاق، دعا.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ BP ۲۷ / ۲ / ۳ / ر ۲۰۴۲۱۷۴۷۵

رده‌بندی دویی: ۹۷۳ / ۹۷۷ .

شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۲۶۳۶۸



شابک ۷-۳۱۹-۹۶۴-۵۳۹-۹۷۸-۷ ISBN 978 - 964 - 539 - 319 - 7

مکارم اخلاق حضرت زهرا

مرحوم شیخ احمد رحمانی همدانی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

حروفچینی و صفحه‌آرایی: شیر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۱

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ: زنبق

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبرسدار، ساختمان پژوهشگاه، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (۶ خط)
فروشگاه: خیابان ایوان، خیابان مهدوی‌یور، پلاک ۶۴ تلفن: ۰۹۳۵ (۳۳۵۶۸۰۱) همراه ۷۵۲۱۸۳۶

http://www.monir.com وب سایت:

info@monir.com پست الکترونیک:

دیگر مرکز پخش: تبریز (صحیفه ۵۵۵۱۸۴۸ - ۰۴۱۱ - ۰۶۱۱ - ۰۲۲۱۷۰۰۱) * مشهد (رشد ۵۵۷۲۵۷ - ۰۵۱۱ - ۰۲۲۵۷۲۵۷) * شیراز (شاھرجان) (مهر قائم) ۰۳۱۱ - ۰۲۲۱۱۹۹۵ - ۰۷۱۱ * زفول (معراج) ۰۶۴۱ - ۰۲۲۶۱۸۲۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۱	مکارم اخلاق حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
۱۳	۱ - اخلاق
۱۴	۲ - عبادت
۱۷	۳ - تسبیح زهراء <small>علیها السلام</small> و سبب تشریع آن
۲۴	تحقیق و بررسی
۲۸	دانه‌های تسبیح و فضیلت تربت سید الشهداء <small>علیهم السلام</small>
۳۰	۴ - نماز فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>
۴۲	۵ - سایر أدعیه، تسبیحات و تعقیبات حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
۴۳	دعا برای ادائی قرض
۴۴	دعا برای برطرف شدن تب
۴۵	دعا برای مهمات
۴۹	دعا در حواچ
۵۰	دعا برای خلاصی از حبس و تنگدستی
۵۱	از جمله تسبیحات حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>

۵۱	دعای حضرت در مکارم
۵۳	دعای حریق
۷۱	تعقیب نماز ظهر
۷۷	تعقیب نماز عصر
۸۶	تعقیب نماز مغرب
۹۴	تعقیب نماز عشاء
۱۰۲	دعای توسل به حضرت علیها السلام
۱۰۳	۶ - ایشار و فداکاری
۱۱۳	۷ - راستگوئی
۱۱۳	۸ - حجاب و عفاف
۱۱۵	۹ - عصمت و دوری از گناه و اشتباه

پیش‌گفتار

شخصیت بانوی بانوان جهان، دخت گرامی پیامبر اسلام فاطمه[ؑ] زهرا[ؑ] چنان گسترده است که هیچ پژوهنده توانا و نویسنده زبردستی هر اندازه با مهارت باشد قادر نیست حتی به مختصه از ابعاد روحی و جایگاه و مقامات آن حضرت دست یابد و فضایل آن بانوی بزرگ را چنان که هست به تصویر کشد و برتری‌های والای را که خداوند به حضرتش مبذول داشته است ترسیم نماید، و بی‌گمان شأن همه اهل بیت[ؑ] چنین است، که خود فرموده‌اند:

إِجْعَلُونَا مَحْلُوقِينَ، وَ قُولُوا فِينَا مَا شِئْتُمْ فَلَنْ تَبْلُغُوا.

ما را آفریده و بنده خدا بدانید، آن‌گاه هرچه خواستید در فضل ما بگویید که به کنه معرفت ما نخواهید رسید.

و آن مقدار هم که می‌سور گردیده تنها با استمداد از بیانات پدر بزرگوار و فرزندان گرامی ایشان امکان‌پذیر گشته است. از این‌رو هرکس درباره مناقب آن حضرت سخنی گفته یا چیزی نگاشته، به میزان شناخت خویش توسعن زبان و قلم رانده و به اندازهٔ پیمانهٔ خویش از این دریای ناپیدا کرانه

آب برداشته است، و کتابهای فراوانی که در ذکر مناقب و تاریخ زندگانی آن حضرت فراهم آمده نیز حکایت از همین نکته دارد.

در میان نویسندهای حیات حضرت زهرا علیها السلام لطف و عنایت ویژه الهی بر سر مردی سایه افکند که عمری را در این زمینه سیری نمود و اساس مطالعات خود را پژوهش درباره مقامات شامخ اهل بیت عصمت و طهارت علیها السلام قرار داد و در این راستا به توفیقات بلندی دست یافت. دانشمند گرانمایه و محقق فرهیخته، مرحوم حجۃالاسلام و المسلمین علامه حاج شیخ احمد رحمانی همدانی از نادر مردانی بود که در این باب گوی سبقت را ربود و کتاب گرانسنج فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفی علیه السلام را فراهم آورد، کتابی که زبانزد خاص و عام شد و از سوی عالمان بزرگ دینی مورد تشویق قرار گرفت و در عرض چند سال، نه تنها متن عربی کتاب بلکه ترجمه‌های متعددی که به زبان‌های مختلف شده بود، مکرراً به طبع رسید.

مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر با توجه به علاقه وافری که جهت نشر آثار اهل بیت علیها السلام دارد، از ابتدا در مقام ترجمه فارسی کتاب مذکور برآمد و کتاب در اختیار شخصیت گرامی حجۃالاسلام و المسلمین جناب آقای حاج شیخ مهدی جعفری دام عزّه‌العالی که خود از خاندان علم و فضیلت‌اند قرار گرفت و ایشان با پشتکاری شگرف ترجمة کتاب را به پایان رسانید.

ترجمه حاضر با این که در ردیف نخستین آثار قلمی و علمی مترجم گرامی به شمار می‌آید، مقدم بردیگر ترجمه‌های کتاب بوده و ناظر به هیچ ترجمه دیگری انجام نگرفته است، ترجمه‌ای روان و خوشخوان بوده، به طوری که شیوایی آن مورد پسند مؤلف کتاب و بزرگان دیگری قرار گرفته

بود. با این وجود برای تکمیل کار، از استاد گرامی و فاضل محترم جناب آقای حسین استادولی - زید مجده - تقاضا کردیم کتاب را بازبینی نموده اگر سهو و خطای در آن رخ داده باشد به اصلاح آورند که این مهم نیز انجام پذیرفت.

در خاتمه، به پاس فداقاری‌هایی که والدین عزیزم در تربیت دینی من مبذول داشتند، زبانم را به خواندن این شعر مترنم می‌سازم:

لَا عَذَّبَ اللَّهُ أُمَّى إِنَّهَا شَرِبَتْ
حُبَّ الْوَصَّىٰ وَ غَدْنَتْنِي بِاللَّبِّ
وَ كَانَ لِي وَالِدٌ يَهُوَى أَبَا حَسَنَ
فَصِرْتُ مِنْ ذِي وَ ذَا أَهُوَى أَبَا حَسَنِ

خدا مادرم را عذاب ندهد که شهد دوستی مرتضی علی علیہ السلام را نوشید و آن را با شیر به کام من ریخت.

پدرم نیز هوای عشق علی علیہ السلام در سر داشت، و من عشق آن حضرت را از این دو بزرگوار به ارت بردهام.

و ثواب این اثر گرانبها را به روح پرفتوح ایشان اهدا می‌کنم و خشنودی آن دو عزیز را از درگاه ایزد متعال خواستارم و از خوانندگان گرامی نیز التماس دعای خیر و مغفرت در حق آنان دارم.

سید محمد سبط

۱۴۳۳ / ۱۱ / ۲۱ - هفدهم ربیع الاول ۱۳۹۰

هم‌زمان با ولادت با سعادت

پیامبر اکرم صلوات الله علیه و سلام و امام جعفر صادق علیہما السلام

مکارم اخلاق حضرت زہرا سلام اللہ علیہا

۱ - اخلاص

۱ - بُزْل هروی از حسین بن روح^۱ پرسید که: دختران پیامبر خدا ﷺ چند نفر بودند؟ فرمود: چهار تا، گفت: کدامیک افضل بودند؟ فرمود: فاطمه [علیها السلام]. گفت: به چه دلیل افضل از دیگران بود در حالیکه مشاهده می‌کنیم از همه کوچکتر بوده و کمتر هم صحبت با رسول خدا ﷺ بوده است؟ فرمود: به وجود دو خصلت از دیگران برتر است: وارث رسول خدا بود و نسل رسول اکرم از ناحیت او بود، که این دو امر به او مخصوص نگردیده مگر به سبب فضیلت اخلاصش که از قصد و نیت حضرتش شناخته و پیداست.^۲

۲ - حضرتش صرف اینکه دختر رسول خدا ﷺ می‌باشد به این مرتبه بلند و ارجمند نرسیده چون برای رسول اکرم ﷺ چهار دختر بود و همسران متعددی را دارا بود، لیکن تنها او بود که بدین درجه و

۱- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی سومین نائب خاص حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه - بود که پس از محمد بن عثمان از ۳۰۵ تا ۳۲۶ق. نیابت حضرت را به عهد داشت. مترجم.

۲- بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۷

مقام نائل شد آنهم به سبب اخلاص، پارسایی، بندگی کردن به درگاه حق تعالی، بخشش در راه خدا، جهاد فی سبیل الله و صبری که در راه باری تعالی بر خود هموار نمود. او مسیر زندگی خود را به میل و اراده خود برگزید؛^۱ در نتیجه برای او مقرر شد که بانوی بانوان جهانیان قرار گیرد... و از این رو در مجمع اسلامی هسته اساسی است که خداوند مقام «ام الائمه» ای را بدو ارزانی داشته است و شرافت حلقة اتصال میان نبوت و امامت را از آن او ساخته.^۲

۲ - عبادت

- ۱ - علامه ابن فهد حلبی چنین می‌گوید: نفسهای فاطمه علیها السلام در گاه نماز از خوف خدا به شماره می‌افتد.^۳
- ۲ - از حسن بن علی علیها السلام نقل است که: مادرم، فاطمه علیها السلام را در شب جمعه دیدم که در محراب عبادتش به پا ایستاده و رکوع و سجود از او دور نشد تا این که فجر صادق سر رسید. صدای او را می‌شنیدم که مؤمنین و مؤمنات را دعا می‌نمود و نام هریک را بر زبان جاری می‌کرد و بر آنها فراوان دعای نمود لیکن دعایی برای خودش نمی‌کرد. پس به او گفتم: يا امّاه، لم لا تدعين لنفسك كما تدعين لغيرك؟ فقالت: يا بُنِيَّ، الجار ثم الدار. ای مادر! چرا برای خود دعانکرده‌یگران را دعا می‌کنید؟ فرمود: پسرکم! اوّل همسایه بعد خود.^۴

۱ - یعنی سختی‌ها، رنجها و مصائبی که بر او وارد شد همه از روی آگاهی حضرت - به اینکه اگر در این مسیر قدم نهاد با آنها مواجه خواهد شد - بود. مترجم.

۲ - یومیات فاطمة الزهراء، احمد کاتب، ص ۲۱.

۳ - عُدَّةُ الدّاعِي، باب چهارم، ص ۱۳۹.

۴ - بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۸۱-۸۲.

۳ - محمد بن علی بن الحسین بن علی، امام باقر علیهم السلام می فرماید: رسول خدا صلوات الله عليه وآله وسلام سلمان فارسی را به نزد فاطمه زهرا فرستاد. سلمان گوید: بر درب سرای فاطمه توّقف نمودم تا اینکه حضرت را مشاهده کرده سلام نمودم. شنیدم فاطمه علیها السلام در خانه به تلاوت قرآن و در بیرون خانه به گرداندن آسیاب مشغول بودند و هم صحبتی در نزدشان نبود.

در خبر دیگری چنین آمده است: چون رسول الله صلوات الله عليه وآله وسلام و ضعیت فاطمه علیها السلام را مشاهده نمودند تبسّمی کرده به سلمان فرمودند: ای سلمان! خداوند قلب و جوارح فاطمه دخترم را از ایمان مالامال نموده است؛ چون (فاطمه زهرا) از طاعت خدا فراغت یافت خداوند ملکی به نام «زوقائل» - در خبر دیگری «جبرئیل» ذکر شده است - را مأمور چرخاندن دسته آسیاب (به جای او) نمود که خداوند مؤونه دنیا را به همراه مؤونه آخرتش کفایت کند.^۱

۴ - روایت شده که چون حضرت زهرا علیها السلام به نماز و عبادت مشغول می شد، به کرات دیده شد که فرزندش چون گریه می کرد، گاهواره اش به حرکت می آمد و ملکی مأمور حرکت دادن آن بود.^۲

۵ - در حدیثی آمده است: پیامبر صلوات الله عليه وآله وسلام علی علیها السلام را پرسیدند: خانوادهات را چگونه یافته؟ فرمود: بهترین یاور برای بندگی و فرمانبری از خدا. و چون همین سوال را حضرت از فاطمه پرسیدند؛ فاطمه علیها السلام فرمودند: او را بهترین شوهر یافتم.^۳

۶ - حسن بصری گوید: در این امت، عابدتر از فاطمه کس نیست. او

۱- ابن شهرآشوب: المناقب، ج ۳، ص ۳۳۷-۳۳۸.

۲- ابن شهرآشوب: المناقب، ج ۳، ص ۳۳۷.

۳- ابن شهرآشوب: المناقب، ج ۳، ص ۳۵۶.

آنقدر ایستاد (در حین عبادت) که پاها یش آماس کرد.^۱

۷ - در فرازی از یک حدیث از پیامبر خدا صلی الله علیہ وسّل اللہ علیہ وسّلۃ الرّحیم الرّحیم چنین آمده است که:

وَأَمَّا أُبْتِي فاطِمَةَ عليها السلام فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَئِينَ وَالآخَرِينَ، وَهِيَ بِضَعْفِ مَنِي، وَهِيَ نُورٌ عَيْنِي، وَهِيَ ثُمَرَةُ فَوَادِي، وَهِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي، وَهِيَ الْحُورَاءُ الْإِنْسِيَّةُ، مَتَى قَامَتْ فِي مُحَرَّابِهَا بَيْنَ يَدِي رَبِّهَا جَلَّ جَلَالَهُ زَهْرَ نُورِهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهُرُ نُورُ الْكَوَافِكَ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، وَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ: يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى أُمَّتِي فاطِمَةَ سَيِّدَةِ إِمَانِي قَائِمَةً بَيْنَ يَدِيِّي، تَرْتَدُ فَرَائِصَهَا مِنْ خِيفَتِي، وَقَدْ أَقْبَلَتْ بِقَلْبِهَا عَلَى عَبَادَتِي، أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ آمَّتْ شَيْعَتِهَا مِنَ النَّارِ.

وَأَمَّا دِخْرُمُ فاطِمَةَ عليها السلام بَانُوِي بَانُوَانِ جَهَانِيَانِ اسْتَ از آغَاز تا پایان، او جگرگوهش، فروغ دیدگان، میوه قلب، روح و روانم و حوریهای در قالب انسانی است. چون در محراب عبادت نزد پروردگارش به پای می ایستد؛ نورش ملائکه آسمان را پرتوافشان می نماید، همچون کواکب که زمین را برای ساکنانش به نور خود روشن می کنند. خداوند عزوجل در این هنگام به ملائکه خود می فرماید: ای ملائکه من! به فاطمه، بانوی کنیز کانم که در پیشگاه من به عبادت ایستاده نظر کنید که پهلوهایش از ترس من می لرزد و با قلبش در عبادت من متوجه من است، شما را به شهادت می گیرم که شیعیانش را از آتش مصون می دارم.^۲

۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۰.

۲- صدوق: الامالی، مجلس ۲۴، ص ۱۰۰.

۳- تسبیح زهرا علیها السلام و سبب تشریع آن

پیامبر اکرم ﷺ دختر خود فاطمه علیها السلام را اذکاری تعلیم داده بود که حضرت در موقع خواب و پس از هر نماز آن را می‌خواندند که به تسبیح فاطمه علیها السلام مشهور گردیده است.

علامه مولی محمد باقر مجلسی رحمۃ اللہ علیہ گوید: سبب تشریع این تسبیح بنابر آنچه علمای امامیه و غیر ایشان نقل می‌کنند آنست که علی علیها السلام فرمود: چون رنج و تعبی را که به فاطمه علیها السلام در انجام کار منزل می‌رسید مشاهده نمودم به فاطمه عرض کردم: اسیری را نزد پدرت، رسول خدا علیهم السلام آورده‌اند، از ایشان بخواه که خادم را به شما دهد تا در امر منزل و مشقت آن شمارا یاور باشد. چون فاطمه علیها السلام نزد پیامبر آمدند جماعتی را در حضور پدرشان مشاهده نمودند لذا از عرض حال خود منصرف شدند. پدر گرامشان دانستند که فاطمه علیها السلام برای امر مهمی آمده است لذا خود فردای آن روز، هنگام صبح به نزد آنان رفتند و علت آمدن فاطمه علیها السلام در روز گذشته را جویا شدند. فاطمه علیها السلام بر اثر شرم نتوانست مطلب را بگوید. پس امیر المؤمنین علیهم السلام به حضرت ختمی مرتبت عرض کردند: شما می‌دانید که در کارهای خانه همچون آب از چاه کشیدن، آسیاب کردن و جاروب نمودن به فاطمه علیها السلام چه می‌رسد و چه اثری بر جسم او گذارد است؛ لذا من به او گفتم: اگر پدرت از تو سؤال کرد از او بخواه که خدمتکاری که در کارها تو را یاور باشد به تو عطا کند. پیامبر خدا علیهم السلام فرمودند: ای فاطمه! آیا می‌خواهی تو را بر چیزی بهتر از خادم در دنیا آگاه کنم؟^۱ فاطمه علیها السلام فرمود: بلی، ای رسول

۱- ابن حجر عسقلانی در «إرشاد الساری فی شرح صحيح البخاری»، ج ۷، ص ۱۱۷ گوید:
۲۲

خدا! پس رسول خدابه فاطمه این تسبیح را تعليم داد که معروف اوقات آن موقع خواب و بعد از هر نماز است.

و آنچه از اخبار خاندان رسول خدا علیهم السلام بدست می‌آید کوشش بر بجای آوردن این تسبیح است کما اینکه امام باقر العلوم علیهم السلام می‌فرماید: در نزد خدا پرستشی بهتر از تسبیح فاطمه در هر روز بعد از هر نماز نمی‌باشد که هر آینه اگر چیزی افضل از آن وجود می‌داشت رسول خدا آن را به فاطمه علیهم السلام می‌بخشید. و امام جعفر صادق علیهم السلام می‌فرماید: تسبیح فاطمه هر روز در پس هر نمازی محبوبتر است نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز^۱ و ما فرزندان خود را همچنان که امر به نماز می‌کنیم امر به آن می‌کنیم.

علامه عبدالرزاق مقرم الله علیه السلام گوید: در تعبیر از رسیدن این تسبیح به مرتبه‌ای از فضل به گونه‌ای سخن رفته که بر مولی صحیح است که اگر بنده‌ای^۲ آن را ترک کرد عبادتش را به او بازگرداند و از او قبول نکندا اگر چه عبادت از نظر اجزاء و شرائط تمام باشد. که ائمه علیهم السلام فرموده‌اند: «نمازی که از این تسبیحات خالی است به صاحبش برگردانید» چون عبادت قرین با تسبیح زهرا می‌باشد و این عبادت همچون لباس رنگ‌آمیزی شده‌ای می‌ماند که قابل قیاس با لباس بدون رنگ‌آمیزی و

^۱ ابن تیمیه در این باره چنین گوید: هر کس در هنگام خواب بر این ذکر مواظبت داشته باشد به او سختی نمی‌رسد. چون فاطمه (رضی الله عنہ) شکایت از سختی کار نمود و رسول خدا علیهم السلام او را به این ذکر احاله داد. عیاض گوید: معنی بهتر بودن در این جمله «تو را بر چیزی بهتر از خادم در دنیا آگاه کنم» می‌رساند که عمل آخرت برتر از امور دنیوی است.

۱ - مرآۃ العقول، ج ۱۵، ص ۱۷۶.

۲ - مولی در اینجا بنابر اصطلاح فقهاء و علمای اصول است که مراد شارع مقدس و بندۀ مخلوقاتند - مترجم.

گلدوزی نیست.

اختلاف این اخبار فراوان، در اینکه این تسبیحات باید هنگام خواب باشد یا پس از هر نماز، ضرری به اصل مطلب نمی‌رساند چون نفس این تسبیحات ثابت است و چگونگی این تسبیحات که باید سی و چهار مرتبه «الله اکبر» و سی و سه مرتبه «الحمد لله» و سی و سه مرتبه «سبحان الله» گفت؛ در نزد علمای اعلام مشهور است،^۱ بلکه علمای امامیه بنابر آنچه در «جواهر الكلام» آمده طبق آن فتوا داده‌اند و طبق نقل علامه حلی علیه السلام در «المتنهی» مشهور همین است و عمل طائفه امامیه هم بر همین کیفیت است.^۲....

۱ - از محمدبن عذایر نقل است که: به همراه پدرم بر امام جعفر صادق علیه السلام وارد شدم. آنگاه از کیفیت تسبیح فاطمه علیها السلام پرسش نمودم که فرمودند: «الله اکبر» و سی و چهار بار شمردند، سپس فرمودند: «الحمد لله» و تا شصت و هفت شمردند و سپس فرمودند: «سبحان الله» و تا صد شمارش کردند که حضرت شمارش این تسبیحات را در یکجا، با دستان خودنگاه می‌داشتند.^۳

علامه مجلسی علیه السلام گوید: این گفتار که: «در یک جا... شاید برساند که حضرت پس از اینکه سی و چهار مرتبه «الله اکبر» گفتند، «الحمد لله» را از سی و پنج تا شصت و هفت شمردند [که سی و سه مرتبه می‌شود] و در آخر، «سبحان الله» را از شصت و هشت تا صد [که این هم سی و سه

۱- برای بحث وافی پیرامون این مطلب به «مفتاح الفلاح» مرحوم شیخ بهائی، باب پنجم، مراجعه شود.

۲- علامه مقرم: وفاة صديقه الزهراء، ص ۴۱.

۳- الفروع من الكافي - در حاشیه - مرآة العقول، ج ۱۵، ص ۱۷۴.

مرتبه می شود] شمارش کردن و هر کدام را که می خواستند شمارش کنند از یک شروع نمی کردند بلکه تعداد قبل را ادامه می دادند تا صد رسید.

۲ - ابو بصیر، از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده که در مورد تسبيح فاطمه علیها السلام فرمودند: به تکبير ابتدا کن آن هم سی و چهار مرتبه، سپس تحميد^۱ حق راسی و سه بار بجا آر و در آخر تسبيح خدای راسی و سه بار بازگوی.

علامه مجلسی رضی الله عنه گوید: «به تکبير ابتدا کن» ردی است بر قول کسانی که ابتدا به تسبيح سپس تحميد و آخر تکبير کرده اند.^۲

۳ - روایت شده است که امیر المؤمنین علیه السلام به مردی از بنی سعد گفت: آیا می خواهی ماجرائی از خود و فاطمه برایت نقل کنم؟ فاطمة زهرا یعنی عزیزترین عزیزان رسول خدا در خانه من بودند. این بانو آنقدر آب از چاه بیرون کشیدند که اثر آن بر سینه شان باقی مانده بود و آنقدر با آسیاب، آرد کردنده تا ینکه دستهایشان پینه بست و به اندازهای خانه را رو بیدند و زیر دیگ، آتش برافروختند تا لباسهایشان کثیف و خاک آلوهه گردید به همین علت در سختی و رنج فراوان افتادند. به ایشان گفتم: وقتی به سراغ پدر خود رفتید از وی خادمی طلب کنید تا در کارهای منزل مددکار تان باشد در این صورت از این همه رنج و محنت آسوده خواهید شد.

پس فاطمه زهرا به خدمت رسول خدا شرفیاب شدند اما مشاهده کردن که رسول خدا با گروهی سرگرم گفتگو هستند، شرم نمودند و

۱- تکبير، تسبيح، و تحميد از الله اكبير، سبحان الله والحمد لله - مترجم.

۲- الفروع من الكافي - در حاشیه - مرآة العقول، ج ۱۵ ، ص ۱۷۳ .

بدون آنکه با پدر خود سخنی رد و بدل کنند به خانه خود بازگشتند. رسول خدا که از جریان آمدن دختر خود مطلع بودند به منزل ما آمدند و ورود ایشان در حالی بود که ما در بستر و فراش خود بودیم. رسول خدا بر ما سلام کردند لیکن ما به خاطر وضع خاصی که از نظر مکان داشتیم، شرم نموده پاسخ ندادیم. برای مرتبه دوم رسول خدا سلام کردند باز چون مرتبه نخست از پاسخ دادن طفره رفیم. حضرت برای بار سوم سلام خود را تکرار فرمودند، از خوف آنکه پیامبر اگر جوابی از جانب ما نشنود بازگردد پاسخ دادیم: «علیک السلام يا رسول الله» بفرمایید.

پیامبر آمدند و بالای سر ما جای گرفتند و فرمودند: فاطمه جان! دیروز برای چه نیاز و خواسته‌ای نزدم آمدی؟ من ترسیدم اگر فاطمه پاسخ حضرت را ندهد، حضرت از نزد ما بروند، لذا سر از لحاف درآورده عرض کردم: ای پیامبر خدا! من سبب را برای شما ذکر خواهم نمود. فاطمه زهرا آنقدر دلو آب از چاه بالا کشیده که اثر آن بر سینه‌اش باقیمانده، آنقدر سنگ آسیاب را به چرخش درآورده که دستانش پینه بسته، آنقدر خانه را رُفت و جاروب کرده که لباسش خاک آلوده شده و آنقدر آتش در زیر دیگ و اجاق برافروخته که پیراهنش بوی دود گرفته لذا من به وی گفتم که اگر به محضر شما شرفیاب شد از شما خدمتکاری طلب کند تا خدمتکار او را در کارهایش یاری رساند.

رسول خدا فرمودند: آیا شمارا از مطلبی آگاه گردانم که از خادم به مراتب بالارز شتر و بهتر باشد؟ و آن این است که چون خواستید برای خواب به بستر روید، سی و چهار مرتبه تکبیر و سی و سه بار تسبیح و سی و سه بار تحمید بگوئید. در این هنگام فاطمه سر از لحاف بیرون

آورده‌گفت: از خدا و رسولش خشنودم، از خدا و رسولش خشنودم.^۱
 مؤلف گوید: پیامبر خدا علیه السلام قصد دارد که جگر گوش و فروغ
 دیدگان و پاره پاک تَنَسْ الْكَوْئِی کامل از نفس شریفش در پارسائی و
 زهد از دنیا و تحمل مشقات و دوری از لذت‌ها باشد به‌گونه‌ای که
 سزاوار گفتار حضرتش باشد که فرمود: «فاطمه، جگر گوش‌ام می‌باشد»
 یا «تو - فاطمه - از من هستی» و پر واضح است که حضرت با بیان
 این‌گونه کلمات قصد ندارند به این مطلب اشاره کنند که او - فاطمه - از
 من بوجود آمده چون این امر بسیار روشی است و حکمتی در درونش
 نهفته نیست که پیامبر نیازی به بیان آن داشته باشد، بلکه قصدشان این
 بوده که بگویند روح دخترم فاطمه، همچون روح من و نفس او چون
 نفس من و طینت و نهادش همچون نهاد من است.

نظیر قضیه فوق [که پیامبر برای مصالحی به اطرافیان خود چیزی را
 تعلیم دهد - مترجم] در مورد جعفر بن ابی طالب علیهم السلام ذکر شده
 است.

علی علیهم السلام روایت می‌کنند که: چون جعفر بن ابی طالب از حبسه
 بازگشت پیامبر برخاسته با برداشتن دوازده گام به استقبال او رفتند و او
 را در آغوش گرفته میان چشمانش را بوسیده آنگاه گریستند و فرمودند:
 نمی‌دانم به کدامیک از این دو واقعه مسرور و خوشحال‌تر باشم؛ به
 قدم تو، ای جعفر! یا به فتحی که خدا نصیب برادرت در خیر
 نمود... آنگاه او را نمازی که به نام نماز جعفر شهرت دارد،
 بیامو ختند.

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۲۰ - ۳۲۱.

۲- بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۴.

ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کند که حضرت فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه وساته به جعفر فرمودند: ای جعفر! آیا چیزی به تو بیخشم؟ آیا هدیه‌ای به تو بدhem؟ آیا چیزی ارزانیت دارم؟ جعفر به حضرت فرمود: بله، ای رسول خدا! حضرت صادق علیه السلام فرمودند: مردم پنداشتند که رسول خدا قصد دادن طلا یا نقره‌ای به او را دارند. لذا منتظر دادن آن عطیه از جانب رسول خدا صلی الله علیه وساته بودند. پس پیامبر بدو فرمودند: من به تو چیزی می‌دهم که اگر هر روز آن را بجای آوری خیر دنیا و آخرت تو در آن نهفته است. سپس حضرت او را نماز جعفر بیاموختند.^۱

اما آنچه که معروف است این است که فاطمه علیها السلام را خدمتکاری «فضّه» نام بود. [که شاید اشکال پیش آید که چگونه این مطلب با تعلیلی که در تسبیح حضرت زهرا علیها السلام آمده قابل جمع است؟ - مترجم] این امر بعد از آنکه اولاد فاطمه زهرا زیاد شدند و کار حضرت زیاد شد و از آن طرف فتوح و غنایم معتبره‌ی از خیر، بنی قريظه و بنی نضیر بدست آمده بود و فقر و نداری و رنج از مسلمین رخت بربرسته بود؛ به وقوع پیوست که پیامبر خدا صلی الله علیه وساته «فضّه» را به حضرتش عطا نمود تا گشادگی در کار دختر گرامش پدید آید.

از امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت شده که: برخی از ملوک عجم کنیزی را به پیامبر خدا صلی الله علیه وساته پیشکش نمودند. من به فاطمه علیها السلام گفتم: به نزد رسول خدا برو و خدمی را به استخدام خود درآور؛ پس فاطمه علیها السلام به نزد رسول خدا شد و مطلب را با حضرت در میان نهاد... رسول خدا

بدوگفت: ای فاطمه! آیا تو را چیزی عطا کنم که از خادم و دنیا و آنچه که در اوست بهتر به تو نفع برساند؟ بعد هر نماز خداراسی و چهار بار تکبیرگوی، سی و سه بار حمدش را به جای آور و سی و سه مرتبه تسبیحش کن و باگفتن «لا اله الا الله» ذکر خود را به پایان ببر که این امر تو را از دنیا و آنچه که در اوست بهتر نفع می‌رساند.

که حضرت زهرا علیها السلام به این تسبیح مقید بودند که بعد هر نمازی بجا آورند.^۱

تحقيق و بررسی

شیخ بهائی علیه السلام در «مفتاح الفلاح» گوید: بدان، همانا آنچه مشهور است استحباب تسبیح حضرت زهرا علیها السلام در دو وقت است: یکی پس هر نماز واجب و دیگر هنگام خواب. که از روایتی که وارد شده تسبیح حضرت زهرا در هنگام خواب است ظاهر می‌شود که تسبیح گفتن پیش از تحمید است اماً ظاهر روایت صحیحی که در مورد تسبیح حضرت زهرا علیها السلام، به طور مطلق وارد شده است؛ اقتضا می‌کند که تسبیح را به تأخیر انداخته و تحمید را مقدم کنیم (و پس از نقل این کلام مرحوم شیخ می‌افزاید): من گویم: قائلی برای فرق نهادن میان تسبیح زهرا در دو حالت - فوق - نیافته ام، بلکه آنچه که بعد از تحقیق و تبیّن برایم رخ نمود و آشکار شد این است که هر دو فرقه در این باب چه آنان که قائل به تقدیم تحمیدند و چه آنان که قائل به تأخیرش می‌باشند؛ قائل به این تسبیح می‌باشند، آن هم به نحو مطلق چه بعد از نماز و چه در هنگام خواب. پس قول به تفصیل و بنای نظری سوم [در مقابل دو نظر سابق

- مترجم] در مقابل إجماع مرکب واقع می شود...^۱

علامه آیة الله العظمى مرحوم شیخ محمد حسن نجفی صاحب کتاب ارزشمند «جواهر الكلام» چنین گوید: و ممکن است که میان آن دو دسته روایات جمع کرده، میان تسبیح موقع خواب و تسبیح در تعقیب نماز قائل به فرق شویم. به این صورت که در موقع خواب، تسبیح را بر تحمید مقدم داریم و در گاه تعقیب نماز بر عکس صورت نخست عمل کنیم. که این وجه خود یک شقّ دیگر در این مورد است و کسی قائل به آن نشده است و ظاهر یا قطع، حکم به اتحاد تسبیح زهرا علیها السلام دارد آن هم به خاطر ضرورتی که مأمور به آن باید همان عملی را در تعقیب نماز بجا آورده که پیامبر صلی اللہ علیہ وسالہ و علیہ السلام، زهرا علیها السلام را مربّه آن در هنگام خواب نمود.^۲

محمد و فقیه بزرگ، مرحوم محمد حسن حزّ عاملی مؤلف کتاب شریف «وسائل الشیعه» گوید: از امام جعفر بن محمد علیهم السلام (در حدیث نافلۀ ماه رمضان) روایت شده است که: خدارا به تسبیح فاطمه علیها السلام تسبیح گوی که تسبیح حضرت سی و چهار بار «الله اکبر» و سی و سه بار «سبحان الله» و سی و سه بار «الحمد لله» است که سو گندبه خدا اگر چیزی افضل از این امر بود هر آینه رسول الله صلی اللہ علیہ وسالہ و علیہ السلام به فاطمه علیها السلام می آموختند. من - صاحب وسائل - گویم: «واو» میان اجزاء تسبیح برای مطلق جمع است ^۳ کما اینکه در جای خود مسطور است. پس هیچ مانعی ندارد که تقدیم تحمید بر تسبیح را، بنابر آنچه گذشت، واجب بدانیم که بر این

۱- مفتاح الفلاح، ص ۳۳۹.

۲- جواهر الكلام، ج ۱۰، ص ۴۰۲.

۳- یعنی «واو» عاطفه فقط میان اجزاء رابطه برقرار می کند و دو کلمه یا چند کلمه را به هم عطف می کند و در این کار رعایت ترتیب و تقدیم و تأخیر در نظر نیست. (مفňی البیب) - مترجم.

مطلوب عمل طائفه هم مؤیدی دیگر است.

در کتاب «علل الشرایع» از احمد بن حسن قطّان، از حسن بن علی سُکّری، از حکم بن اسلم، از ابن علیه، از حریری، از ابوالورد تمامه، از علی علیها السلام مانند این حدیث را نقل می‌کند فقط در روایت این افزوده وجود دارد که حضرت فرمودند: زمانی که بستر خود را گسترانیدید سی و سه مرتبه تسبیح و سی و سه مرتبه تحمید و سی و چهار مرتبه تکبیر گویید.

من گویم: این مطلب، با آنچه سابقاً گذشت و شما آن را دانستید صراحت در منافات ندارد و شاید احتمال دارد که مطالب مقدم بر خودش را نسخ نموده باشد و یا این مطلب تخصیصی باشد برای موقع خواب و یا از جهت تقدیم در روایت بوده است...^۱

در «جواهر الکلام» چنین آمده است: اما کیفیت تسبیح میان اصحاب شهرتی به سزا دارد، بلکه در «وسائل الشیعه» ادعای عمل طائفه به سی و چهار مرتبه تکبیر، سی و سه مرتبه تحمید و سی و سه بار تسبیح گفتن شده است، بلکه بالاتر از این، در فتاوی و نصوص خلافی وجود ندارد غیر از خبری که در «علل الشرایع» آمده که به زودی به سمع و نظر شما خواهد رسید؛ و گفته شده که اکثر رجالی که در این حدیث وجود دارد از عامه هستند.^۲

همچنین صاحب جواهر الکلام در افضلیت تسبیح حضرت زهرا علیها السلام گوید: تسبیح حضرت زهرا که خداوند را به چیزی نمی‌توان حمد نمود که افضل از آن باشد، و هر آینه اگر چیزی از آن برتر بود به تحقیق پیامبر

۱- وسائل الشیعه، باب ۱۰ و ۱۱ از ابواب تعقیب.

۲- جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۳۹۹.

خداد عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ آن را به دخترش ارزانی می‌داشت.^۱ این تسبیحات به گونه‌ای است که در هر روز در پس هر نماز به نزد امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از هزار رکعت نماز در هر روز محبوبتر است و بندهای که شقی باشد ملزم به آن نمی‌گردد لذا فرزندان را برای بجا آوردن آن همچون که به نماز امر می‌کردند؛ فرمان می‌دادند چون اگرچه این تسبیح صد بار به زبان جاری می‌شود ولی در حقیقت هزار است در میزان عمل که شیطان را ز آدمی دور می‌سازد و رضایت خداوند را جلب می‌کند و سنگینی گوش را دفع می‌کند و بنده پای خود را بعد از خواندن نماز تکان نمی‌دهد مگر اینکه آمر زیده می‌شود و خداوند بهشت را برا او واجب می‌گردد، بالاخص بامدادان و خصوصاً اینکه بعد از آن «لا اله الا الله» گوید و سپس استغفار کند و به سبب این تسبیح عبد را در زمرة ذا کرین کثیر الذکر خدا می‌نویسد و او مستحق آنست که خداوند هم از او یاد کند چون خدای وعده کرده: «فاذکروني أذكريكم».^۲

و برای من از «مکارم الأخلاق» حکایت شده است که روایت شده، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام یکی از پنج علامت مؤمن است...^۳

أفضله بمستفيض النقل تسبية الزهراء ذات الفضل

- برترین آنها بنا بر نقل فراوان تسبیح حضرت زهرا است که دارای فضیلت می‌باشد.

و از شیخ بهائی الله نقل است که: افضلیت تسبیح حضرت زهرا علیها السلام موجبی است برای تخصیص زدن حدیث «أفضل الأعمال أحمزها»^۴ اگر

۱- وسائل الشیعه، باب ۹، از بواب تعقیب.

۲- جواهر الكلام، ج ۱۰، ص ۲۹۶.

۳- برترین اعمال مشقت بارترین آنهاست.

تفسیر بشود به اینکه افضل هر نوعی از انواع اعمال مشقت بارترین آن نوع است.^۱

دانه‌های تسبیح و فضیلت تربت سید الشهداء علیهم السلام

ابراهیم بن محمد ثقیفی روایت می‌کند که: تسبیح [= مُسْبَحَه]^۲ فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا علیه السلام از نخ پشمین بافته شده گره خورده بود که به تعداد تکبیرات دانه داشت که با چرخاندن به وسیله انجشتان تکبیر و تسبیح می‌گفتند تا اینکه حمزه بن عبدالمطلب به شهادت رسیدند که حضرت، دانه‌های تسبیح خود را از خاک قبر حمزه تهییه کردند و مردم به تبع حضرتش چنین نمودند. چون حسین علیه السلام به شهادت رسیدند؛ مردم از تربت حمزه به تربت حسین علیه السلام عدول کردند چون هم فضیلت داشت و هم مزیت.^۳

در کتاب حسن بن محبوب آمده است: از امام صادق علیه السلام درباره استعمال تربت قبر حمزه و حسین علیه السلام و فرق و تفاوت میان آن دو سؤال شد؛ حضرت فرمودند:

السُّبْحَةُ الَّتِي مِنْ طِينٍ قَبْرُ الْحَسِينِ عَلِيهِ السَّلَامُ تُسْبِحُ يَدُ الرَّجُلِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُسْبِحَ.

دانه‌های تسبیحی که از خاک قبر حسین علیه السلام باشد اگر در دست کسی باشد تسبیح خدا می‌کند اگر چه خود آن شخص به تسبیح حق تعالی

۱- جواهر الكلام، ج ۱۰، ص ۳۹۷-۳۹۸.

۲- چون در فارسی برای تسبیح وسیله‌ای که با آن تسبیح می‌گویند دو اسم مشخص وضع نشده، لذا در مقابل وسیله تسبیح، برای عدم اشتباه، نام عربی آن را در درون کروشه ([]) ذکر کرده‌ایم - مترجم.

۳- مکارم الاخلاق، ص ۲۸۱.

مشغول نباشد.^۱

و همچنین روایت شده است که: همانا حور العین زمانی که به یکی از فرشتگان می‌نگرند که برای انجام فرمانی به زمین فرود می‌آید از او می‌خواهند که تسبیح تربت قبر حسین علیه السلام را برایشان هدیه آورد.^۲

امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند:

المؤمن لا يخلو من خمسة: مسواك، و مشط و سجادة، و سبحةٍ فيها أربع و ثلاثون حبة، و خاتم عقیق.

مؤمن از پنج چیز خالی نمی‌باشد: مسواک، شانه، سجاده، تسبیحی که سی و چهار دانه دارد و انگشتتری عقیق.^۳

و روایت شده است که: هنگامی که علی بن الحسین علیهم السلام را به سوی یزید لعنة الله عليه برداشت، یزید اهتمام داشت که سر از بدن حضرت جدا کند. پس حضرت را در نزد خود قرار داد و با حضرت سخن گفت و استنطاق نمود تا بادین و سیله حضرت سخنی گوید که با آن مستمسکی به وجود آید تا حضرت را به قتل برساند. حضرت هم بر طبق سؤالاتی که او می‌نمود جواب می‌دادند و در عین حال تسبیح کوچکی در دست داشتند که بالانگشتان خود آن را می‌چرخاندند. پس یزید به حضرت گفت: من با تو سخن می‌گوییم و تو جوابم را می‌دهی و در همان حال تسبیحی در دستت می‌گردد! این امر چگونه ممکن است؟

حضرت فرمودند: مرا پدرم حدیث کرد، از جدم علیهم السلام که همو زمانی که نماز بامدادان را بجای می‌آورد و نافله را برپا می‌داشت سخنی

۱- مکارم الأخلاق، ص ۲۸۱.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۲۸۱.

۳- مکارم الأخلاق، ص ۲۸۱.

بر زبان نمی‌راند تا اینکه تسبیح را میان دستانش قرار می‌داد و می‌گفت:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَسْبَحُكَ وَ أَحْمَدُكَ وَ أَهْلَكَ وَ أُكَبَّرَكَ وَ
أَمْجَدُكَ بَعْدِ مَا أُدِيرُ بِهِ سُبْحَتِي.

وآنگاه تسبیح را در دست می‌گرفت و می‌چرخانید و تکلم به غیر آنچه که به تسبیح تکلم می‌نمود، می‌کرد و ذکر شده که این عمل برای او (به عنوان ثواب) به حساب می‌آمد و این عمل حرزی بود تا اینکه دوباره به بستر خود می‌رفتند. پس آنگاه در بستر خود قرار می‌گرفتند همانند قبل عمل می‌کردند و بعد تسبیح را به زیر سر می‌گذاشتند. در نتیجه در تمامی اوقات این عمل برای حضرتش به حساب می‌آمد، حال من هم اقتدا به جدم نمودم. پس یزید علیه اللعنة گفت: احدی از شما نیست که من با او سخن بگوییم و او جواب مرا به آنچه مایه فوز و برتریش می‌گردد ندهد. پس حضرت را عفو کرد و امر به آزادی داد.^۱

۴ - نماز فاطمه زهرا عليها السلام

۱ - شیخ الطائفه طوسی رحمه الله فرماید: نماز فاطمه زهرا عليها السلام دو رکعت است که در رکعت اول سوره حمد را با صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم سوره حمد را با یکصد مرتبه سوره اخلاص تلاوت می‌کنی و چون سلام نماز را دادی تسبیح حضرتش را بجا آورده و سپس می‌گویی:

سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّ الشَّامِخَ الْمُنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَلِ الْبَاذِخِ
الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ مَنْ لِيَسْ

الْبَهْجَةَ وَ الْجَمَالِ، سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَ الْوَقَارِ، سُبْحَانَ
مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي
الْهَوَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا لَا هَكَذَا غَيْرُهُ.

پاک و منزه است خداوند باعترضت و سربلند و سرافراز. پاک و منزه
است خداوند با جلال و بزرگ. پاک و منزه است خداوند دارای
فرمانروایی بالفتحار و دیرینه. پاک و منزه است آن که لباس شادابی
و زیبایی بر خود پوشانیده است. پاک و منزه است آن که خود را با
نور و وقار مستور ساخته است. پاک و منزه است آن که جای پای
مورچه را روی سنگ سخت می‌بیند. پاک و منزه است آن که گذر
پرنده را در هوا می‌نگرد. پاک و منزه است آن که این چنین است و
کسی همانند او نیست.

و سزاوار است کسی که این نماز را بجامی آورد چون از تسبيح فارغ
شود زانوها و ساقها را برهنه نماید و تمامی مواضع سجود خود را به
زمین بچسباند آن هم بدون حاجز و حایلی. آنگاه حاجت خود را
بخواهد و دعا کند آنچه می‌خواهد و در همان حال سجده بگوید:

يَا مَنْ لَيْسَ عَيْرُهُ رَبُّ يُدْعَى، يَا مَنْ لَيْسَ فَوْهَهُ إِلَهٌ يُخْشَى، يَا
مَنْ لَيْسَ دُونَهُ مَلِكٌ يُتَّقَى، يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتَى، يَا مَنْ
لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشَى، يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوَابٌ يُغْشَى، يَا مَنْ
لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ السُّؤَالِ إِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا وَ عَلَى كَثْرَةِ
الذُّنُوبِ إِلَّا عَفْوًا وَ صَفْحًا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
وَ آفْعُلْ بِي كَذَا وَ كَذَا.^۱

ای کسی که نیست پروردگاری جز او که خوانده شود. ای کسی که نیست بالاتر از او معبدی که ترسیده شود. ای کسی که نیست پایین‌تر از او پادشاهی که از او واهمه داشته باشند. ای کسی که برای او وزیری نباشد که نزد او روند ای کسی که نیست برای او پرده داری که رشوه‌اش دهند. ای کسی که نیست برای او دربانی که پنهانی نزد او روند. ای کسی که بر اثر کثرت درخواست فزوئی نمی‌یابد مگر جود و کرمش. و بر فراوانی گناه مگر بخشش و چشم‌پوشیش. بر محمد و آلس درود فرست و فلان خواسته‌ام را برآور.

۲ - همچنین نماز دیگری برای حضرتش وجود دارد که در گاه رخ نمودن امر ترسناک خوانده می‌شود و آن بدین شرح است:
 ابراهیم بن عمر صنعاوی از امام صادق علیه السلام روایت کند: برای هر امر ترسناک و بزرگی دو رکعت نماز بجای آور. که این دو رکعت را حضرت صدیقه کبری هم بجای می‌آورده است. در هر رکعت سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره اخلاص راقرائت می‌کنی و چون نماز راسلام دادی بر پیامبر اکرم ﷺ درود بفرست آنگاه دسته‌ارابه جانب آسمان بلند کن و بگوی:

اللَّهُمَّ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمْ، وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِحَقِّهِمْ [بِحَقِّكِ]
 الْعَظِيمِ الَّذِي لَا يَعْلَمُ كُنْهُهُ سِوَاكَ، وَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ
 عَظِيمٌ، وَ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَاتِ الَّتِي أَمْرَتَنِي
 أَنْ أَدْعُوكَ بِهَا، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي أَمْرَتَ إِبْرَاهِيمَ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَدْعُو بِهِ الطَّيْرَ فَاجْبَأْتَهُ، وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ

الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ: 『كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ』 فَكَانَتْ،
 وَ يَا حَبِّ أَسْمَائِكَ إِلَيْكَ وَ أَشْرَفْهَا عِنْدَكَ، وَ أَعْظَمْهَا لَدَيْكَ، وَ
 أَسْرَعْهَا إِجْاْبَةً، وَ أَنْجَحْهَا طَلْبَةً، وَ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ مُسْتَحْفَهُ وَ
 مُسْتَوْجِبُهُ؛ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ، وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَ أَتَصَدَّقُ مِنْكَ، وَ
 أَسْتَغْفِرُكَ، وَ أَسْتَمْنِحُكَ، وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ، وَ أَخْضَعُ بَيْنَ
 يَدَيْكَ، وَ أَخْشَعُ لَكَ، وَ أَقْرُّ لَكَ بِسُوءِ صَنْعِيَّتِي، وَ أَتَمَلَّقُ وَ
 الْحُجُّ عَلَيْكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِكُتُّبِكَ الَّتِي أَنْزَلْتَهَا عَلَى أَنْسِيَائِكَ وَ
 رُسْلِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ
 الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ مِنْ أَوْلَاهَا إِلَى آخِرِهَا، فَإِنَّ فِيهَا أَسْمَكَ الْأَعْظَمِ،
 وَ بِمَا فِيهَا مِنْ أَسْمَائِكَ الْعَظِيمِيِّ، أَتَقْرَبُ إِلَيْكَ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ
 تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنْ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ
 تَجْعَلَ فَرَجِي مَفْرُونًا بِفَرَجِهِمْ، وَ تَبْدِأَ بِهِمْ فِيهِ، وَ تَفْتَحَ أَبْوَابَ
 السَّمَاءِ لِدُعَائِي فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَ تَأْذَنَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ هَذِهِ
 الْلَّيْلَةِ بِفَرَجِي وَ إِعْطَاءِ سُولِي وَ أَمْلِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، فَقَدْ
 مَسَّنِيَ الْفَقْرُ وَ نَالَنِي الضُّرُّ وَ شَمَلَنِي الْخَاصَّةَ، وَ الْجَاتِنِي
 الْحَاجَةُ، وَ تَوَسَّمْتُ بِالذَّلَّةِ، وَ غَلَبَتِي الْمَسْكَنَةُ، وَ حَقَّتْ عَلَيَّ
 الْكَلِمَةُ، وَ أَحاطَتْ بِي الْخَطِيئَةُ، وَ هَذَا الْوَقْتُ الَّذِي وَعَدْتَ
 أُولِيَاءَكَ فِيهِ الْإِجَابَةَ.

فَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ آمَسَحَ مَا بِي بِيَمِينِكَ الشَّافِيَّةِ، وَ
 أَنْظَرَ إِلَيَّ بِعِينِكَ الرَّاحِمَةِ، وَ أَدْخَلَنِي فِي رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ،

وَ أَقْبِلَ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ الَّذِي إِذَا أَقْبَلْتَ بِهِ عَلَى أَسِيرٍ فَكَكْتُهُ، وَ عَلَى ضَالٌّ هَدَيْتُهُ، وَ عَلَى حَائِرٍ أَدَيْتُهُ، وَ عَلَى فَقِيرٍ أَغْنَيْتُهُ، وَ عَلَى ضَعِيفٍ فَوَّيَّتُهُ، وَ عَلَى خَائِفٍ آمَتْتُهُ؛ وَ لَا تُخَلِّنِي لَقًا لِعَدُوكَ وَ عَدُوّي، يَا ذَالْجَلَلِ وَ الْإِكْرَامِ.

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ، وَ حَيْثُ هُوَ، وَ قُدْرَتَهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ سَدَ الْهَوَاءِ بِالسَّمَاءِ، وَ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَ آخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ، يَا مَنْ سَمَّى نَفْسَهُ بِالْإِسْمِ الَّذِي بِهِ يَقْضِي حَاجَةَ كُلِّ طَالِبٍ يَدْعُوهُ بِهِ، وَ أَسْأَلَكَ بِذَلِكَ الْإِسْمِ، فَلَا شَفِيعَ أَقْوَى لِي مِنْهُ، وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُتَضَّضِي لِي حَوَائِجِي، وَ تُسْمِعَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةً وَ الْحَسَنَ وَ الْحَسِينَ وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُجَّةَ -صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَ بَرَكَاتُهُ وَ رَحْمَتُهُ- صَوْتِي، فَيَشْفَعُونَا لِي إِلَيْكَ، وَ تُشَفَّعُهُمْ فِيَّ، وَ لَا تَرَدَّنِي خَائِبًا، بِحَقِّ لِإِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ، وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ آفَعْلُ بِي كَذَا وَ كَذَا يَا كَرِيمُ.^۱

پروردگار!! با نام آنان به تو روی می‌آوردم، و به حق آنان، که جز تو کسی از ژرفای آن آگاه نیست، به تو درمی‌آوریم. به حق کسی که حق او نزد تو بسیار بزرگ است، و به نامهای نیکویت، و موجودات کاملت، که مرا امر فرمودی با نام آنان تو را بخوانم، به تو توسل می‌جوییم. و به نام بزرگت، که به ابراهیم امر فرمودی که با آن پرنده

را ندا دهد و پرنده او را پاسخ گفت. و به نام بزرگت، که به آتش فرمان دادی که بر ابراهیم سرد و سلامت باشد، و آتش چنین شد. به محبوبترین نامهایت، و شریفترین آنها در پیشگاهت، و بزرگترین آنها نزد تو، و به نامهایت که اجابت دعا با آنها سریعتر انجام می‌پذیرد و به مقصود بهتری نائل می‌شویم. و به آنچه تو شایسته آنی، تو را می‌خوانم، و به تو توسّل جسته، و به تو روی می‌آورم، و از تو کمک خواسته، و طلب بخشش گناه و احسان و فضل تو را دارم، و در پیشگاهت زاری کرده و خضوع و خشوع می‌نمایم، و به کردار زشتم اقرار کرده، و بر تو اصرار می‌نمایم. و به حق کتابهای که بر پیامبران و رسولان - که درود تو بر تمامی آنان باد - فرستادی، از تورات و انجیل و قرآن بزرگ و دیگر کتب، که اسم اعظم تو در آنهاست، و به حق نامهای بزرگ تو که در آنست، به تو نزدیکی می‌جویم.

و از تو می‌خواهم، که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و بر آنان گشايش عطا فرمایی، و گشايش کار مرا مقرون به گشايش کار آنان قرار دهی، و آنان را در هر کار نیکی مقدم کرده و از ایشان آغاز نمایی. و در این روز درهای آسمان را برای دعایم بگشایی، و در این روز و این شب به گشايش کارم و دادن حاجتم در دنیا و آخرت، اجازه صادر فرمایی. به راستی که فقر و بیچارگی مرا در خود فروبرده، و پریشان حالی بر من غالب آمده، و نیاز و حاجت مرا به تو پناهنده ساخته، و ذلت و مسکنت بر چهره‌ام نقش بسته، و درماندگی بر من چیره شده، و رأفت و رحمت بر من لازم گردیده، و گناه مرا احاطه نموده است، و این زمان، زمانی است که به دوستانت وعده اجابت دعا را داده‌ام. پس بر محمد و خاندانش درود فرست،

و آنچه از فقر و بیچارگی که مرا در خود گرفته، با قدرت از من دور
دار، و با چشم رحمت بر من نظر افکن، و مرا در رحمت واسعه خود
داخل ساز، و به من توجه در نماز عطا فرما. توجهی که هرگاه بر
اسیری افتاد او را آزاد سازد، و آنگاه که بر گمراهی افتاد هدایت شود،
و آن هنگام که بر حیران و سرگردانی افتاد او را از حیرت رها سازد،
و وقتی بر فقیری افتاد او را بی نیاز گرداند، و آن زمان که بر ناتوانی
افتاد نیرومند گردد، و هرگاه بر خائنانی افتاد او را اینمی دهد. مرا در
عرض دشمنان خود و دشمنانم قرار مده، ای صاحب جلالت و
بزرگواری. ای کسی که هیچکس جز تو به کیفیت و جایگاه و
قدرتت آگاه نیست. ای کسی که [راه] هوا را با آسمان بست، و زمین
را بر روی آب گستراند، و بهترین نامها را برای خود برگزید. ای
کسی که خود را به نامی نامید، که حاجت هر که با آن نام او را
بخواند مستجاب می شود. از تو می خواهم به آن نام، که برای من
شفیعی نیرومندتر از او وجود ندارد، حاجتم را برآوری. و به حق
محمد و خاندانش، از تو می خواهم که بر محمد درود فرستی، و
حاجتهايم را روا فرمای، و صدایم را به گوش محمد، علی، فاطمه،
حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی،
حسن، حجت - که درود تو و برکات و رحمت بر آنان باد - برسانی،
تا برایم نزد تو شفاعت کنند و آنان را شفیعی گردانی، و مرا نامید
نمایی. به حق آنکه خدایی جز تو نیست، و به حق محمد و
خاندانش، حاجتم را روا ساز، ای بخشندۀ.

زاہد عابد سید بن طاووس حلى علیه السلام گوید: صفوان روایت کرده است
که: محمد بن علی حلبی بر امام صادق علیه السلام در روز جمعه داخل شد و به
حضرت عرضه داشت: مرا افضل آنچه که در چنین روزی انجام

می دهند بیاموزید؟ حضرت فرمود: ای محمد! احده را بزرگتر و جلیل القدر تر از فاطمه علیها السلام در نزد پیامبر خدا صلوات الله علیه و سلام سراغ ندارم و عملی با فضیلت تر از آنچه که پدرش، محمد بن عبدالله صلوات الله علیه و سلام بدو آموخت نمی شناسم. آنگاه حضرت افزودند: هر که داخل صبحگاهان جمعه شد پس غسل کند و بر پا بایستد آنگاه چهار رکعت نماز را با دو سلام بجای آورده بین صورت که در رکعت اول بعد از حمد، سوره اخلاص را پنجاه مرتبه و در رکعت دوم پس از سوره فاتحة الکتاب، سوره والعادیات را پنجاه مرتبه و در رکعت سیم پس از سوره حمد، سوره زلزلت را پنجاه مرتبه و در رکعت چهارم بعد از حمد، سوره نصر را پنجاه مرتبه - که این سوره نصر آخرین سوره ایست که نازل شده است - تلاوت کند و چون از نماز فارغ شود این دعا را بخواند:

إِلَهِي وَ سَيِّدِي، مَنْ تَهِيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَوْ أَسْتَعَدَ لِوُفَادَةِ إِلَيْكَ
مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رَفْدِهِ وَ فَوَائِدِهِ وَ نَاثِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ وَ جَوَابِزِهِ
فَالْئِيْكَ يَا إِلَهِيْ كَانَتْ تَهْيَيَتِيْ وَ تَعْيَيَتِيْ وَ إِعْدَادِيْ وَ
آسْتَعْدَادِيْ رَجَاءَ رَفْدِكَ وَ مَعْرُوفِكَ وَ نَاثِلِكَ وَ جَوَائِزِكَ
فَلَا تَهْرُمْنِيْ ذَلِكَ، يَا مَنْ لَا يَخِبُّ عَلَيْهِ مَسَالَةُ السَّائِلِ وَ
لَا تَنْفُصْهُ عَطَيَّةً نَاثِلِ فَلَّا يَلْمَعُكَ بِعَمَلِ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَ لَا
شَفَاعَةً مَخْلُوقٍ رَجَوْنَهُ، اتَّقَرَبْ إِلَيْكَ بِشَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ
بَيْتِهِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي
عَفَوْتَ بِهِ عَلَى الْخَاطِئِينَ عِنْدَ عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحَارِمِ
فَلَمْ يَمْنَعْكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلَى الْمَحَارِمِ أَنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ

بِالْمَغْفِرَةِ وَ أَنْتَ سَيِّدِ الْعَوَادِ بِالنَّعْمَاءِ وَ أَنَا الْعَوَادُ بِالْحَطَاءِ،
أَسْئِلُكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ،
فَإِنَّهُ لَا يُغْفِرُ ذَنْبَيِ الْعَظِيمِ إِلَّا الْعَظِيمُ، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ
يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ.

ای معبدم و ای آقايم! هر کسی مهیا و مجھز و آماده و توشه برگرفته است، تا به اميد صله و عطا و بهره و عطيه و بخشش و جایزه‌ای نزد مخلوقی برود، اما مهیا شدنم، و مجھز بودنم، و آمادگیم، و توشه برگرفتم، به اميد بهره‌هایت و نیکی شناخته شدهات، و عطيه مطلوبت و جایزه‌هایت، به سوی توست، ای معبدم! پس مرا از لطف خود محروم مساز ای آنکه درخواست درخواست کننده‌ای نزد او ضایع نشود، و بخشش بخشش خواهندهای در او کاستی پدید نیاورد، چرا که من با عمل صالحی که قبلًا انجام داده‌ام، و یا شفاعت مخلوقی که اميد بدو بسته‌ام، و تقرب بدو جسته‌ام، نزد تو نیامده‌ام، بلکه به شفاعت محمد و خاندانش - که درود تو بر او و خاندان پاکش باد - به درگاه تو آمده‌ام، و امیدوار به عفو و بخشش بزرگت، که بر خطاکارانی که محرامات تو را انجام داده‌اند، وعده داده‌ای می‌باشم. آنگونه که پافشاری طولانی آنان در انجام امور حرام، تو را از بخشش وجود به آنان بازنداشت. و تو ای آقا! من! بسیار نعمت دهنده‌ای و من بسیار خطاکارم، به حق محمد و خاندان پاکش از تو می‌خواهم، که گناه بزرگم را ببخشای؛ چرا که گناه بزرگ را جز بزرگ نمی‌بخشد. ای بزرگ، ای بزرگ.

شیخ صدوق رحمه اللہ علیہ (با حذف إسناد) از هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام

نقل کند که:

هر کس چهار رکعت نماز گزارد و در هر رکعت پنجاه مرتبه «قل هو الله أحد» بخواند، نماز فاطمه علیها السلام را بجای آورده که این نماز، نماز توبه کنندگانست.

شیخ ما محمد بن حسن بن ولید (رضی الله عنہ) این نماز و ثوابش را روایت نموده است إلا ينكه فرموده: من این نماز را به نماز فاطمه علیها السلام نمی شناسم، اما اهل کوفه آن را به نماز فاطمه علیها السلام می شناسند.^۱

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کند که: هر کس وضو سازد و چهار رکعت نماز گزارد و میان این چهار رکعت با سلام فاصله اندازد و در هر رکعت سوره فاتحة الكتاب را با پنجاه بار سوره «قل هو الله أحد» تلاوت کند، نافله را به پایان می برد در حالی که میان او و خدایش گناهی باقی نمی ماند مگر که آن را می آمرزد.^۲

از ابو بصیر نقل شده که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: هر کس چهار رکعت نماز [بادو سلام] به همراه دویست بار «قل هو الله أحد» - یعنی در هر رکعت پنجاه مرتبه - گزارد نافله را به پایان می برد در حالی که میان او و خداوند عز و جل گناهی باقی نمی ماند مگر که آن را می آمرزد.^۳

سید بن طاووس گوید: از آقای ما، رسول الله صلی اللہ علیہ وسَلَّمَ روایت شده است که به امیر المؤمنین و به دخترشان، فاطمه فرمودند: سر آن دارم که

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۶۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۴۳، باب «استحباب صلاة فاطمه علیها السلام و کیفیتها».

۳- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۲۴، باب «استحباب صلاة فاطمه علیها السلام و کیفیتها».

چیزی را از خیر و برکت به شما دهم از آن چیزهایی که خداوند عزّ و جلّ مرا تعلیم نمود و بر آن آگاهم ساخت، پس آن را حافظ و نگاهدار باشید. آن دو گفتند: بله، ای رسول خدا، پس آن چیست؟ حضرت فرمود: هر کدام تان دور کعت نماز می‌گزارید که در هر رکعت آن فاتحة الکتاب را به همراهی سه بار آیة الکرسی و سه مرتبه سوره اخلاص و سه مرتبه آخر سوره حشر از «**لَوْ أَنَّزَلْنَا هَذَا الْقُرْءَانَ عَلَىٰ جَبَلٍ**» تا به آخر سوره تلاوت می‌کنید. پس آنگاه که نشستید تشهد می‌خوانید و ثنا بر خدای عزّ و جلّ و صلوات و درود بر پیامبر و دعا برای مؤمنین و مؤمنات می‌فرستید و سپس براین اسلوب دعا می‌خوانید:

**اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ كُلِّ آسْمٍ هُوَ لَكَ يَحْقُّ عَلَيْكَ فِيهِ إِجَابَةٌ
الدُّعَاءِ إِذَا دُعِيَتِ بِهِ وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ كُلِّ ذِي حَقٍّ عَلَيْكَ وَ
أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَىٰ جَمِيعِ مَا هُوَ دُونَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ
كَذَا.^۱**

خداؤند! به حق هر اسمی که از اسمی توست از تو می‌خواهم، بر خود فرض بدانی که دعایی را که با آن تو را می‌خوانم اجابت نمایی. و از تو می‌خواهم به حق هر صاحب حقی، و حق تو بر تمامی آنان که زیردست تو هستند که فلاں حاجتم را برآورده به خیر سازی.

همو علیها السلام در کتاب «زواید الفوائد» پس از ذکر زیارت مختصه برای حضرتش علیها السلام که معروف هم می‌باشد؛ گوید: این مختصه به چنین روزی است - یعنی روز سوم جمادی الآخر که روز وفات حضرتش باشد - و

نماز زیارت یا نماز حضرتش را بجای آور که بدین منوال است: دو رکعت می خوانی که در هر رکعت می باشد فاتحة الكتاب و شصت بار سوره اخلاص را تلاوت کنی.^۱

شیخ جلیل، حسن بن فضل طبرسی علیه السلام گوید: نماز یاری جستن از بتول علیه السلام بدین صورت است: دو رکعت نماز می گزاری سپس سربه سجده نهاده، یکصد مرتبه می گویی «یا فاطمه». آنگاه طرف راست صورت را بر زمین (یا مهر) قرار داده همان ذکر را با همان تعداد تکرار می کنی، پس از آن جانب چپ صورت را بر زمین می نهی و ذکر را تکرار می کنی و در آخر الامر سربه سجده قرار داده و یکصد و ده بار «یا فاطمه» را تکرار کرده می گوئی:

يَا أَمِنًا مِنْ كُلٌّ شَيْءٍ وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذْرٌ، أَسْأَلُكَ
بِأَمْنِكَ مِنْ كُلٌّ شَيْءٍ وَ خَوْفٍ كُلٌّ شَيْءٍ مِنْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ
مُحَمَّدٍ وَ أَلِي مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْطِينِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي
وَ وُلْدِي حَتَّىٰ لَا يَخَافَ أَهْدًا وَ لَا يَحْذَرَ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا، إِنَّكَ
عَلَىٰ كُلٌّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۲

ای کسی که از هر چیزی ایمن هستی و هر چیزی از تو ترسان و برحدر است. از تو می خواهم که به امنیت خودت از هر چیز و ترس همه چیز از تو، بر محمد و آلس درود فرستی و به من امنیت جان و خانواده و مال و فرزندان عطا فرمایی بدان گونه که از کسی نترسم و از چیزی برحدر نباشم که تو بر آنچه خواهی توانایی.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۶۰.

۲- مکارم الاخلاق، ص ۳۳۰، باب «نوادر الصلوات».

از امام صادق عليه السلام منقول است: هر یک از شما حاجتی به درگاه خدای تعالی دارد، دو رکعت نماز بجای آورد پس از آن به سجده رفته بگوید:

يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَا عَلِيًّا يَا سَيِّدَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ!
بِكُمَا أَسْتَغْيِثُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيًّا! أَسْتَغْيِثُ بِكُمَا،
يَا غَوْثَاهُ بِاللَّهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ -نام ائمه را بر زیان
جاری کن- بِكُمْ أَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ.

که إن شاء الله تعالى در همان ساعت حاجت برآورده می‌شود.^۱
 محدث قمی رحمه الله گوید: زمانی که حاجتی به درگاه رب العالمین داشتی که سینه‌ات از آن به تنگ آمده بود پس دورکعت نماز گزار، چون سلام نماز را دادی سه بار تکبیر گفته تسبیح حضرت فاطمه عليها السلام را بجا آور. پس از آن به سجده رفته یک‌صد بار «یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی» بازگو، سپس جانب راست صورت و بعد جانب چپ را بر خاک نه و هر بار این ذکر را صد مرتبه تکرار کن و در آخر به سجده رفته یک‌صد و ده مرتبه ذکر یاد شده را تکرار کن که اگر خدا بخواهد حاجتت برآورده به خیر خواهد شد.^۲

۵ - سایر أدعية، تسبیحات و تعقیبات حضرت زهرا عليها السلام

۱ - پیامبر خدا صلوات الله عليه وآله وسلام بر فاطمه عليها السلام وارد شدند، و مشاهده فرمودند که حسن عليه السلام در بستر بیماری افتاده است. این منظره برای پیامبر سخت

۱- مکارم الاخلاق، ص ۳۳۰، باب «نوادر الصلوات».

۲- در حاشیه «مفاتیح الجنان».

و جانکاه بود که جبرئیل عليه السلام از آسمان فرود آمد و گفت: ای محمد! آیا می خواهی تعویذی تو را بیاموزم که چون آن را بخوانی بیماری وی بر طرف گردد؟ حضرت فرمودند: بلی، جبرئیل امین گفت: پس بگو:

اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، ذُو السُّلْطَانِ الْقَدِيمِ وَ الْمُنْعَظِيمِ وَ الْوَجْهِ الْكَرِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، وَلِيُ الْكَلِمَاتِ التَّامَّاتِ وَ الدَّعَوَاتِ الْمُسْتَجَابَاتِ، حُلُّ مَا أَصْبَحَ بِفُلَانٍ.^۱

خداؤندا، خدایی جز تو نیست که والا و بزرگ، دارای قدرت دیرینه و بخشش فراوان و ذات گرامی هستی. خدایی جز تو نیست که والا و بزرگ، صاحب کلمات تامه و دعاهای مستجاب هستی، بیماری فلانی را برطرف فرما.

حضرت این دعا را خواند و بعد دستش را برابر پیشانی امام حسن گذاشت، که به یاری خداوند بهبود یافت.

دعای برای ادائی قرض

۲ - روایت شده که فاطمه عليها السلام به زیارت رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم رفتند، پیامبر خدا بدو فرمودند: آیا تو را توشهای دهم؟ فاطمه عليها السلام عرض کردند: بلی، حضرت فرمودند: با من بگو:

اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ مُنْزَلَ التَّوْرَةِ وَ الْأَنْجِيلِ وَ الْفُرْقَانِ، فَالِّقَ الْحَبَّ وَ النَّوْى، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ أَخْذُ بِنَا صِيَّهَا، أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَ أَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ

بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَ أَنْتَ الْبَاطِنُ
 فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، صَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ
 عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ أَقْسِطْ عَنِ الدَّيْنِ وَ أَغْنِنِي مِنَ الْفَقْرِ وَ يَسِّرْ
 لِي كُلَّ الْأَمْرِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱

خداؤند! پروردگار ما و پروردگار هر چیز، -ای- فرو فرستنده تورات و
 انجیل و قرآن، -ای- شکافنده دانه و هسته، از شر هر جنبدهای که
 زندگیش به دست توست، به تو پناه می‌برم.

تو سر آغازی که پیش از تو چیزی نبوده، و ختمی که در پس تو
 چیزی نخواهد بود. ظاهری هستی که برتر و آشکارتر از تو چیزی
 نیست، و باطنی هستی که فروتر و نهان‌تر از تو چیزی وجود ندارد.
 بر محمد و خاندانش درود فرست و قرحم را ادا کن، و مرا از
 نیازمندی رهایی بخش، و تمامی کارها را برایم آسان فرما، ای
 مهریان ترین مهریانان.

دعا برای برطرف شدن تب

۳ - سلمان فارسی رضی الله عنہ در فرازی از یک حدیث بلند گوید: به
 حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد: ای بانوی من! مرا کلامی بیاموزید. پس
 حضرت فرمودند: اگر مسرورت می‌کند تازمانی که در این دنیا زندگی
 می‌کنی تب تو را نیازارد بر این مواظبت کن. سلمان می‌گوید: حضرت
 این حرز را به من آموختند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ التُّوْرِ، بِسْمِ اللَّهِ نُورِ التُّوْرِ،

بِسْمِ اللَّهِ نُورٍ عَلَى نُورٍ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بِسْمِ اللَّهِ
الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ
النُّورِ وَأَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ، فِي رَقٍ
مَشْبُورٍ، بِقَدْرٍ مَقْدُورٍ، عَلَى نَبِيٍّ مَجْبُورٍ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ
بِالْعِزَّ مَدْكُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ
مَشْكُورٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.^۱

به نام خداوند بخشنده و مهریان، به نام خداوند نور، به نام خداوندی
که نور در نور است، به نام خداوندی که نور بر نور است، به نام
خداوندی که تدبیر امور به دست اوست، به نام خداوندی که نور را از
نور آفرید.

سپاس خداوندی را سجاز است که نور را از نور آفریده، و نور را بر کوه
طور نازل فرمود، در کتابی نوشته شده، در کاغذی گشوده شده، به
اندازه‌ای معین، بر پیامبری بزرگ.

سپاس شایسته خداوندی است که به ارجمندی یاد شده، و به فخر و
افتخار شهرت یافته، و در حال رنج و سرور مورد شکرگزاری است.
و درود خدا بر آقای ما محمد و خاندان پاکش باد.

دعا برای مهمات

۴ - از حسن بن علی، از مادرش فاطمه دخت رسول رب العالمین نقل
است که حضرتش فرمود: رسول خدا به من فرمودند: ای فاطمه! آیا
می‌خواهی دعائی به تو بیاموزم که هیچ کس آن را نخوانده مگر دعايش

به هدف اجابت رسیده و سمّ و سحر در صاحب آن مؤثر نمی‌افتد و شیطان هیچ زیانی به او نمی‌رساند و دعای صاحب آن ردنمی‌گردد و حوائج او که رنگ الهی دارد به تمامی خواه دور خواه نزدیک برآورده می‌شود؟ فاطمه عليها السلام فرمودند: بله، ای پدرم! این به خدا قسم از دنیا و آنچه در اوست به نزد من محبوبتر است. حضرت آنگاه فرمودند: پس بگو:

يَا اللَّهُ، يَا أَعَزَّ مَذْكُورٍ وَ أَقْدَمَهُ قِدْمًا فِي الْعِزَّةِ وَ الْجَبَرُوتِ ! يَا
اللَّهُ، يَا رَحِيمَ كُلِّ مُسْتَرِّحِمِ، وَ مَفْزَعَ كُلِّ مَأْهُوفِ ! يَا اللَّهُ، يَا
رَاحِمَ كُلِّ حَزِينٍ يَشْكُو بَثَّهُ وَ حُزْنَهُ إِلَيْهِ ! يَا اللَّهُ، يَا خَيْرَ مَنْ
طُلِبَ الْمَعْرُوفُ مِنْهُ وَ أَسْرَرَ فِي الْعَطَاءِ ! يَا اللَّهُ يَا مَنْ تَخَافُ
الْمَلَائِكَةُ الْمُتَوَقَّدَةُ بِالنُّورِ مِنْهُ، أَسْأَلُكَ بِالْأَسْمَاءِ التَّيْ تَدْعُو
بِهَا حَمَلَةُ عَرْشِكَ، وَ مَنْ حَوْلَ عَرْشِكَ يُسَبِّحُونَ بِهَا شَفَقَةً مِنْ
خَوْفِ عَذَابِكَ، وَ بِالْأَسْمَاءِ التَّيْ يَدْعُوكَ بِهَا جِبْرِيلُ وَ
مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ إِلَّا أَجَبَنِي وَ كَشَفْتَ يَا إِلَهِي كُرْبَتِي، وَ
سَرَّتَ ذُنُوبِي، يَا مَنْ يَأْمُرُ بِالصَّيْحَةِ فِي خَلْقِهِ فَإِذَا هُمْ
بِالسَّاهِرَةِ، أَسْأَلُكَ بِذِلِّكَ الْإِسْمِ الَّذِي تُحْيِي بِهِ الْعِظَامَ وَ هِيَ
رَمِيمٌ أَنْ تُحْيِي قَلْبِي، وَ تَشْرَحَ صَدْرِي وَ تُصْلِحَ شَأْنِي.

يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالْبَقَاءِ، وَ خَلَقَ لِبَرِيَّتِهِ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ، يَا
مَنْ فِعْلُهُ قَوْلُ، وَ قَوْلُهُ أَمْرُ، وَ أَمْرُهُ مَاضٍ عَلَى مَا يَشَاءُ، أَسْأَلُكَ
بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ خَلِيلُكَ حَيْنَ الْقِيَمِي فِي النَّارِ، فَاسْتَجَبْتَ

لَهُ وَ قُلْتَ: «يَا نَارُ كُوْنِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ»،^۱ وَ
بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ
فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَائِهِ، وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي كَشَفْتَ بِهِ عَنْ
أَيُوبَ الْفُرَّ، وَ تَبَيَّنَتْ بِهِ عَلَى دَاوُودَ، وَ سَخَرْتَ بِهِ لِسُلَيْمَانَ
الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ، وَ الشَّيَاطِينَ، وَ عَلَمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ، وَ
بِالْإِسْمِ الَّذِي وَهَبْتَ بِهِ لِزَكَرِيَا يَحْيَى وَ خَلَقْتَ عِيسَى مِنْ
رُوحِ الْقَدْسِ مِنْ غَيْرِ أَبٍ، وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْعَرْشَ وَ
الْكُرْسِيَّ وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الرُّوحَانِيَّينَ وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي
خَلَقْتَ بِهِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ، وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ جَمِيعَ
الْخَلْقِ وَ جَمِيعَ مَا أَرْدَتَ مِنْ شَيْءٍ، وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي قَدَرْتَ بِهِ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ لَمَا أَعْطَيْتَنِي سُؤْلِي، وَ
قَضَيْتَ بِهَا حَوَائِجي.^۲

ای خدا، ای گرامیترین نامی که یاد شده، و دیرینه‌ترین نام در
شکوه و فرمانروایی. ای دلسوز بر هر که از او طلب شفقت کند، و
پناه هر که به او پناه برد. ای دلسوز بر هر اندوهگینی که شکوه و
شکایت بسوی او برد. ای بهترین کسی که از او خوبی درخواست
می‌شود و او به سرعت آن را برآورده می‌سازد. ای کسی که
فرشتگان نورانی - هم - از - خوف - او در هراسند.

به حق نامهایی که حاملان عرشت، و آنان که در اطراف آن قرار
دارند، و از هراس عقاب تو تسبیح و تنزیه تو را می‌گویند و تو را

۱- انبیاء، ۶۹:۲۱.

۲- دلائل الامامة، ص ۶۰ و مهج الدعوات، ص ۲۰۷.

بدان نامها می‌خوانند، و به حق نامهایی که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل تو را بدان نامها می‌خوانند، از تو می‌خواهم دعایم را اجابت کنی و مشکلم را برطرف کرده، گناهم را پیوشانی.

ای کسی که به فرمان او نفخه صور در میان موجودات دمیده شود تا آنان در اجتماع بزرگ رستخیز گرد هم آیند، به حق آن نامی که بدان استخوانهای پوسیده را حیاتی دوباره می‌بخشی از تو می‌خواهم که قلبم را زنده، سینه‌ام را گشاده، و امورم را اصلاح فرمایی.

ای کسی که بقا و جاودانگی را ویژه خود قرار داد، و مرگ و زندگی و فنا را حصه و سهم موجوداتش. ای کسی که دانشمند منطبق بر گفتارش، و گفتارش همانند فرمانش، و فرمانش بر هرچه خواهد جاری است. به حق آن نام که خلیلت - آنگاه که در آتش انداخته می‌شد - تو را بدان خواند و تو دعايش را اجابت نمودی و گفتی: «ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت شو»، و به آن نامت که موسی از کنار کوه طور ایمن تو را بدان خواند و تو او را اجابت فرمودی، و به نامی که عیسی را از روح القدس آفریدی، و به نامی که یحیی را به ذکریا بخشیدی، و به نامی که رنج و مشقت را از ایوب مرتفع ساختی و به نامی که توبه داود را پذیرا گشتی و بادها را برای همچنین گروه جتیان را برای او مسخر کردی، و زبان پرنده‌گان را به او آموختی، و به نامی که عرش را با آن برافراشتی، و جهان را آفریدی، و فرشتگان را ایجاد کردی، و جن و انس را لباس وجود پوشانیدی، و به نامی که تمامی مخلوقات را پدید آوردی، و به نامی

که آنچه خواستی خلق فرمودی، و به نامی که بر هر چیز قادر شدی.
به حق این نامها از تو می‌خواهم که حاجتم را برآوری، و
درخواستهایم را اجابت فرمایی.

که پس از خواندن این دعا پاسخ مثبت خواهی شنید.

دعا در حوائج

۵ -

اللَّهُمَّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتُنِي، وَ آسْتُرْنِي وَ عَافِنِي أَبَدًا مَا أَبْغَيْنِي،
وَ آغْفِرْلِي وَ آرْحَمْنِي إِذَا تَوَفَّيْنِي. اللَّهُمَّ لَا تُعَذِّبْنِي فِي طَلْبِ مَا
لَمْ تَنْدِرْهُ لِي، وَ مَا قَدَرْتُهُ عَلَيَّ فَاجْعَلْهُ مُسِرًّا سَهْلًا. اللَّهُمَّ
كَافِ عَنْ وَالِدَيَّ وَ كُلِّ مَنْ نِعَمْتُ عَلَيَّ خَيْرٌ مُكَافَةٌ. اللَّهُمَّ
فَرَغْنِي لِمَا خَلَقْتَنِي لَهُ، وَ لَا تَشْغَلْنِي بِمَا تَكْفُلْتَ لِي بِهِ، وَ
لَا تُعَذِّبْنِي وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ، وَ لَا تَحْرِمْنِي وَ أَنَا أَسْأَلُكَ. اللَّهُمَّ
ذَلِلْ نَفْسِي فِي نَفْسِي، وَ عَظِيمْ شَأْنَكَ فِي نَفْسِي، وَ أَلْهَمْنِي
طَاعَتَكَ، وَ الْعَمَلُ بِمَا يُرْضِيكَ، وَ التَّجْنُبُ مِمَّا يُسْخِطُكَ، يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۱

خداؤند! مرا بدانچه دادهای قانع گردان، و عیوبم را بپوشان، و مرا
سلامت دار، و مرا بیامرز، و مشمول رحمت قرار ده. خداوند! مرا
برآنچه برایم مقدر ساختهای به زحمت میفکن، و آنچه را برایم
مقدار نمودهای سهل و آسان گردان. بپوردگار! پدر و مادر و هر که را
بر من حقی دارد به بهترین وجه پاداش ده. خداوند! مرا تنها در آن
هدفی که خلق کردهای مشغول نما، و در آنچه خود متکفل آن

شده‌ای مشغول نساز. بارالها! نفسم را ذلیل، و پایداری را در نفسم افزون گردان، و طاعت و عمل به آنچه مورد رضایت توست، و دوری از آنچه مورد غصب تو می‌باشد، را به من الهام کن، ای بهترین رحم‌کنندگان.

دعا برای خلاصی از حبس و تنگ‌دستی

۶ -

اللَّهُمَّ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَ مَنْ عَلَاهُ، وَ بِحَقِّ الْوَحْيِ وَ مَنْ أُوحِاهُ، وَ
بِحَقِّ النَّبِيِّ وَ مَنْ تَبَاهَ، وَ بِحَقِّ الْبَيْتِ وَ مَنْ بَنَاهُ، يَا سَامِعَ كُلِّ
صَوْتٍ، يَا جَامِعَ كُلِّ فَوْتٍ، يَا بَارِيَةَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ،
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ آتِنَا وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ
الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغارِبِهَا فَرَجًا مِنْ عِنْدِكَ
عَاحِلًا، بِشَهادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ
رَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ
سَلَّمَ تَسْلِيمًا.^۱

بار خدایا! سوگند به عرش و کسی که آن را برافراشت. سوگند به وحی و آن که آن را نازل کرد. و به حق پیامبر و آن که او را به نبوت رسانید، و به حق خانه کعبه و کسی که آن را بساخت. ای شنووندۀ هر آوا، ای جمع کننده هر از دست رفتۀ، ای خالق جانها بعد از مرگ، بر محمد و خاندانش درود فرست، و به ما و تمامی زنان و مردان مؤمن در شرق و غرب زمین، هرچه سریعتر از جانب خود گشايش عنایت فرما. به شهادت آن که خدایی جز تو نیست، و محمد-که درود و سلام خدا بر او و آل پاکش باد- بندۀ و فرستاده توست.

از جمله تسبيحات حضرت زهرا علیها السلام

۷ -

سُبْحَانَ مَنِ اسْتَنَارَ بِالْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ، سُبْحَانَ مَنِ احْتَجَبَ فِي
 سَبْعِ سَمَاوَاتٍ فَلَا عَيْنٌ تَرَاهُ. سُبْحَانَ مَنِ اذَّلَ الْخَلَائِقَ
 بِالْمَوْتِ، وَ أَعَزَّ نَفْسَهُ بِالْحَيَاةِ. سُبْحَانَ مَنِ يَقْنَى وَ يَقْنَى كُلُّ
 شَيْءٍ سِوَاهُ. سُبْحَانَ مَنِ اسْتَخْلَصَ الْحَمْدَ لِنَفْسِهِ وَ آرْتَضَاهُ.
 سُبْحَانَ الْحَيِّ الْعَلِيمِ. سُبْحَانَ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ. سُبْحَانَ الْمَلِكِ
 الْقَدُّوسِ. سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ ۱

پاک و منزه است خدایی که با نیرو و قدرت روشن و آشکار است.
 پاک و منزه است کسی که در آسمانهای هفتگانه پنهان است، و از
 این رو چشمی او را نمی‌بیند. پاک و منزه است کسی که بندگان را با
 مرگ خوار و خفیف ساخت، و با زندگی جاویدان خود را عزیز و
 گرامی نمود. پاک و منزه است کسی که باقی می‌ماند و هر چیز جز
 او فانی می‌گردد. پاک و منزه است کسی که حمد و ستایش را ویژه
 خود قرار داده، و از آن خشنود شده است. پاک و منزه است خداوند
 زنده دانا. پاک و منزه است خداوند بربار و بزرگوار. پاک و منزه
 است خداوند قدرتمند و مقدس. پاک و منزه است خداوند والا و
 بزرگ. پاک و منزه است خداوند و حمد و ستایش مخصوص اوست.

دعای حضرت در مکارم

۸ -

اللَّهُمَّ بِعِلْمِكَ الْغَيْبِ، وَ قُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ، أَحْسِنِي مَا
 عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي، وَ تَوَفَّنِي إِذَا كَانَتِ الْوَفَاءُ خَيْرًا لِي.

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ كَلِمَةَ الْإِخْلَاصِ، وَ خَشِيَّتَكَ فِي الرِّضا وَ
الْغَضَبِ، وَالْقُصْدَ فِي الْغُنْيٍ وَالْفَقْرِ، وَ أَسْأَلُكَ نَعِيْمًا لَا يُنْفَدُ، وَ
أَسْأَلُكَ قُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ، وَ أَسْأَلُكَ الرِّضا بِالْقَضَاءِ، وَ
أَسْأَلُكَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ، وَ أَسْأَلُكَ النَّظَرَ إِلَى وَجْهِكَ
وَ الشَّوْقَ إِلَى لِقَائِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرَاءٍ مُضْرَرَةٍ، وَ لَا فِتْنَةٍ مُظْلَمَةٍ.
اللّٰهُمَّ زَيِّنَا بِزِينَةِ الْإِيمَانِ، وَ آجِّعْنَا هُدَاءً مَهْدِيَّينَ، يَا رَبَّ
الْعَالَمِيْنَ.^۱

خداؤندی! به حق آن که غیبها را می‌دانی، و به توانایی‌ات بر تمامی موجودات مرا زنده بدار تا آن هنگام که می‌دانی زندگی برایم نیکوست، و بمیران آن زمان که خیر و صلاحم را در مرگم می‌دانی. خداوندی! اخلاص و ترس از خودت را در هنگام خشنودی و غصب، و میانه روی را در بی‌نیازی و در نیازمندی از تو خواستارم، و از تو نعمتی را می‌خواهم که پایانی نداشته باشد، و خشنودی‌ی را طلب می‌کنم که پایان نپذیرد. بارالله! خشنودی به قضا و حکم تو را می‌خواهم و از تو زندگی نیکو بعد از مرگ و دیدار رویت و شوق به ملاقات تو را، بدون آن که پریشان حالی و رنجی در آن باشد یا در آشوبی تیره و تار قرار گیرم، خواستارم. پروردگار! ما را به زینت ایمان مزین فرما، و ما را هدایتگرانی قرار ده که مشمول هدایت تو قرار گرفته باشیم، ای پروردگار جهانیان.

۹ - حرز فاطمه علیها السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ، بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغْفِيُ
فَأَعْغَثُنِي، وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةً عَيْنٍ أَبَدًا، وَ أَصْلِحْ لِي
شَأْنِي كُلَّهُ.

به نام خداوند بخشندۀ و مهربان، ای زنده، ای پایدار، به سبب
رحمت پناه می‌جویم، پس به فریادم برس و لحظه‌ای مرا به خودم
وامگذار و تمامی کارهایم را اصلاح گردان.

دعای حریق

۱۰ - شیخ طوسی و کفعمی - رحمهمما الله - گویند: سپس دعا کن به دعای
کامل که به «دعای حریق» مشهور است، ^۲ پس بگو:

۱ - [حاشیه مفاتیح الجنان به نام:] «الباقيات الصالحات»، ص ۴۲۹ - ۴۳۰.

۲ - کفعمی در حاشیه «بلد الانین»، ص ۵۵ گوید: همانا نام‌گذاری این دعا به «دعای حریق» بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام می‌باشد که حضرت فرمود: از پدرم امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: با پدرم، علی بن الحسین علیه السلام در «قبا» به عیادت پیرمردی از انصار رفته بودیم که کسی نزد پدرم آمد و گفت: به خانهات برو که در آتش می‌سوزد. پدرم گفت: به خدا سوگند، خانه من نمی‌سوزد. اورفت و با جماعتی از موالیان ما بازگشت و در حالیکه همه گریه می‌کردند به پدرم گفتند: به خدا سوگند، خانه شما در آتش می‌سوزد، پدرم گفت: نه به خدا نمی‌سوزد، که من به پروردگارم و آنچه که در دستم موجود است مطمئن تر از شمایم. سپس کاشف به عمل آمد که تمامی خانه‌های اطراف سوخته‌اند ولی خانه ما سالم مانده بود. آنگاه پدرم (حضرت باقر) به پدرشان زین العابدین عرض کرد: ای پدر، جریان چیست؟ حضرت فرمود: ای فرزندم، چیزی است که از علم پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم به ما ارث رسیده که برای ما از دنیا و مافیها و مال و جاه عزیزتر و از مردان آماده رزم و سلاحهای مهیا کارسازتر است. آن هدیه‌ای است که جبرئیل علیه السلام به پیامبر عطا نموده است که پیامبر، علی و دخترش فاطمه علیها السلام را بیاموخت و به ما به ارث رسیده است و آن دعای کاملی است که هر کس در هر روز آن را مقدم بدارد [بخواند] خداوند تعالی هزار ملک را وکیل می‌کند که او و اهل و فرزندان و حشم و دوستانش را که به آنها توجه دارد از آتش و غرق و... حفظ کنند....

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أُشْهِدُكَ - وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا - وَأُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ
وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ سَبْعِ سَمَاوَاتِكَ وَأَرْضِيكَ وَأَنْبِياءَكَ وَرُسُلَكَ وَ
وَرَثَةَ أَنْبِياءَكَ وَرُسُلَكَ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَجَمِيعَ خَلْقَكَ، فَأَشْهَدُ
لِي - وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا - أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ،
وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ
مِمَّا دُونَ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعةِ السُّفْلَى بِاطْلُ مُضْمَحِلٌ
مَا خَلَّ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ فَإِنَّهُ أَعْزُزُ وَأَكْرَمُ وَأَجَلُ وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَصِفَ
الْوَاصِفُونَ كُنْهَ جَلَالِهِ أَوْ تَهَتِّي الْقُلُوبُ إِلَى كُنْهِ عَظَمَتِهِ، يَا مَنْ فَاقَ مَدْحَ
الْمَادِحِينَ فَخَرُّ مَدْحُومٍ، وَعَدَى وَصْفَ الْوَاصِفِينَ مَا ثُرِ حَمْدُهُ، وَجَلَّ عَنْ
مَقَالَةِ النَّاطِقِينَ تَعْظِيمُ شَانِهِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَآفَعْلُ بِنَا مَا أَنْتَ
أَهْلُهُ، يَا أَهْلَ التَّقْوَىٰ وَأَهْلَ الْمَغْفِرَةِ.

سے بار و بعد می گویی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ
أَتُوبُ إِلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا قُوَّةٌ إِلَّا بِاللَّهِ، هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَالظَّاهِرُ وَ
الْبَاطِنُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمْبَلِّغُ وَيُحْكِمُ، وَهُوَ
حَقٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

یازده مرتبہ و بعد می گویی:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ
إِلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةٌ إِلَّا بِاللَّهِ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ، الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْمَلِكِ الْقُدُوسِ الْحَقِّ الْمُبِينِ، عَدَدُ خَلْقِهِ، وَزِنَةُ عَرْشِهِ،
وَمِلْءُ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِيهِ، وَعَدَدُ مَا جَرَى بِهِ قَلْمَهُ، وَأَحْصَاءُ كِتَابِهِ، وَ

مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَ رِضَاهُ لِنَفْسِهِ.

يا زاده مرتبه و بعد بگو :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْمَبَارِكَينَ، وَ صَلِّ عَلَى جَبَرِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ حَمَلَةِ عَرْشِكَ أَجْمَعِينَ وَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقْرَبَينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ جَمِيعاً حَتَّى تُبْلِغُهُمُ الرِّضا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ صَلِّ عَلَى مَلَكِ الْمَوْتِ وَ أَعْوَانِهِ، وَ صَلِّ عَلَى رِضْوَانٍ وَ خَزَنَةِ الْحِنَانِ، وَ صَلِّ عَلَى مَالِكٍ وَ خَزَنَةِ النَّيَانِ. اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبْلِغُهُمُ الرِّضا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْكَرِامِ الْكَاتِبِينَ، وَ السَّفَرَةِ الْكَرِامِ الْبُرَّةِ، وَ الْحَفَظَةِ لِبَنِي آدَمَ، وَ صَلِّ عَلَى مَلَائِكَةِ الْهَوَاءِ وَ مَلَائِكَةِ الْأَرْضِينَ السُّفْلَى، وَ مَلَائِكَةِ اللَّيلِ وَ النَّهَارِ، وَ الْأَرْضِ وَ الْأَقْطَارِ، وَ الْبِحَارِ وَ الْأَنْهَارِ، وَ الْبَرَارِي وَ الْفَلَوَاتِ، وَ الْقِفَارِ، وَ الْأَشْجَارِ، وَ صَلِّ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ أَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِسَبِيلِكَ وَ عِبَادَتِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبْلِغُهُمُ الرِّضا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ صَلِّ عَلَى أَبِينَا آدَمَ وَ أَمْنَا حَوَاءَ وَ مَا ولَدَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّدِيقِينَ وَ الشَّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبْلِغُهُمُ الرِّضا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الطَّيِّبِينَ، وَ عَلَى أَصْحَابِهِ الْمُتَّبِعِينَ، وَ عَلَى أَزْوَاجِهِ الْمُطَهَّرَاتِ، وَ عَلَى ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ، وَ عَلَى كُلِّ نَبِيٍّ بَشِيرٍ

بِمُحَمَّدٍ، وَ عَلَى كُلِّ نَبِيٍّ وَلَدَ مُحَمَّداً وَ عَلَى كُلِّ مَنْ فِي صَلَواتِكَ عَلَيْهِ رِضَى لَكَ وَ رِضَى لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبْلِغُهُمُ الرِّضا وَ تَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَامَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَرْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَمْرَتَنَا أَنْ نُصَلِّي (عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ) عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نُصَلِّي عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَنْ صَلَى عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ حَرْفٍ فِي صَلَاةِ صُلُّتْ عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَنْ صَلَى عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ شَعْرَةٍ وَ لَفْظَةٍ وَ لَحْظَةٍ وَ نَفْسٍ وَ صِفَةٍ وَ سُكُونٍ وَ حَرَكَةٍ مِمَّنْ صَلَى عَلَيْهِ وَ مِمَّنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ، وَ بِعَدَدِ سَاعَاتِهِمْ وَ دَقَائِقِهِمْ وَ سُكُونِهِمْ وَ حَرْكَاتِهِمْ وَ حَقَائِقِهِمْ وَ مِيقَاتِهِمْ وَ صِفَاتِهِمْ وَ أَيَّامِهِمْ وَ شُهُورِهِمْ وَ سِنِيهِمْ وَ أَشْعَارِهِمْ وَ أَبْشَارِهِمْ وَ بِعَدَدِ زِنَةٍ ذَرَّ مَا عَمِلُوا أَوْ يَعْمَلُونَ، أَوْ كَانَ مِنْهُمْ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ، وَ كَأَصْعَافِ ذَلِكَ أَصْعَافًا مَضَاعِفَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، يَا أَرْحَامَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَا خَلَقْتَ وَ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، صَلَاةً تُرْضِيهِ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ الشَّاءُ وَ الشُّكْرُ وَ الْمَنْ

وَالْفَضْلُ وَالطَّوْلُ وَالْخَيْرُ وَالْحُسْنِي وَالنِّعْمَةُ وَالْعَظَمَةُ وَالْجَيْرُوتُ وَالْمُلْكُ وَالْمَلْكُوتُ وَالسُّلْطَانُ وَالْفُخْرُ وَالْقَهْرُ وَالسُّودَدُ وَالإِمْتَانُ وَالْكَرْمُ وَالْجَلَالُ وَالْإِكْرَامُ وَالْخَيْرُ وَالتَّوْحِيدُ وَالتَّمْحِيدُ وَالتَّهْلِيلُ (وَالثَّكْبِيرُ) وَالتَّقْدِيسُ وَالرَّحْمَةُ وَالْمَعْفَرَةُ وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْعَظَمَةُ وَلَكَ مَا زَكَا وَ طَابَ وَ طَهَرَ مِنَ الشَّاءِ الطَّيِّبِ وَالْمَدِيْعِ الْفَاخِرِ وَالْقَوْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ الَّذِي تَرْضَى بِهِ عَنْ قَائِلِهِ وَ تُرْضَى بِهِ قَائِلَهُ، وَ هُوَ رَضِيٌّ لَكَ؛ حَتَّى يَتَّصِلَ حَمْدِي بِحَمْدِ أُولِ الْحَامِدِينَ، وَ ثَنَائِي بِثَنَاءِ أُولِ الْمُثْنَيْنَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ مُتَّصِلًا ذَلِكَ بِذَلِكَ، وَ تَهْلِيلِي بِتَهْلِيلِ أُولِ الْمُهَلِّيْنَ، وَ تَكْبِيرِي بِتَكْبِيرِ أُولِ الْمُكَبِّرِيْنَ، وَ قَوْلِي الْحَسَنِ (الْجَمِيلُ) بِقَوْلِ أُولِ الْقَائِلِيْنَ الْمُجْمِلِيْنَ الْمُثْنَيْنَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ مُتَّصِلًا ذَلِكَ بِذَلِكَ مِنْ أُولِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ، وَ بِعَدَدِ زِنَةِ ذَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِيْنَ وَ الرِّمَالِ وَ التَّلَالِ وَالْجِبَالِ وَ عَدَدِ جَرْعِ مَاءِ الْبِحَارِ وَ عَدَدِ قَطْرِ الْأَمْطَارِ وَ وَرَقِ الْأَشْجَارِ وَ عَدَدِ النُّجُومِ وَ عَدَدِ الشَّرَى وَالْحَصْنِي وَالثَّوْيِ وَالْمَدَرِ وَ عَدَدِ زِنَةِ ذَلِكَ (كُلِّهِ) وَ عَدَدِ زِنَةِ ذَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِيْنَ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ مَا بَيْنَ ذَلِكَ وَ مَا فَوْقَهُنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ، مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعَةِ السُّفْلَى، وَ بِعَدَدِ حُرُوفِ الْفَاظِ أَهْلِهِنَّ وَ عَدَدِ أَرْمَاقِهِمْ وَ دَقَائِقِهِمْ وَ شَعَاعِرِهِمْ وَ سَاعَاتِهِمْ وَ أَيَامِهِمْ وَ شُهُورِهِمْ وَ سِنِيهِمْ وَ سُكُونِهِمْ وَ حَرَكَاتِهِمْ وَ أَشْعَارِهِمْ وَ أَبْشَارِهِمْ، وَ عَدَدِ زِنَةِ مَا عَمِلُوا أَوْ يَعْمَلُونَ أَوْ بَلَغَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُوا أَوْ فَطَنُوا أَوْ كَانَ مِنْهُمْ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ عَدَدِ زِنَةِ ذَرَ ذَلِكَ وَ أَضْعافِ ذَلِكَ وَ كَأَضْعافِ ذَلِكَ أَضْعافًا مُضَاعَفَةً لَا يَعْلَمُهَا وَ لَا يُحْصِيَهَا غَيْرُكَ، يَا ذَالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

أَهْلُ ذَلِكَ أَنْتَ وَ مُسْتَحْفَهُ وَ مُسْتَوْجِبُهُ مِنِّي وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقَكَ يَا بَدِيعَ
السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَسْتَ بِرَبِّ أَسْتَحْدَثُنَاكَ وَ لَا مَعَكَ إِلَهٌ فَيَشْرِكَكَ فِي
رُبُوبِيَّتِكَ، وَ لَا مَعَكَ إِلَهٌ أَعْانَكَ عَلَى حَلْقَنَا، أَنْتَ رَبُّنَا كَمَا نَقُولُ وَ فَوْقَ مَا
يَقُولُ الْفَالِئُونَ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْطِي
مُحَمَّداً أَفْضَلَ مَا سَأَلَكَ وَ أَفْضَلَ مَا سُئِلْتَ لَهُ وَ أَفْضَلَ مَا أَنْتَ مَسْؤُلٌ لَهُ
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

أَعِيدُ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَفْسِي وَ دِينِي وَ
دُرِّيَّتِي وَ مَالِي وَ وَلْدِي وَ أَهْلِي وَ قَرَابَاتِي وَ أَهْلَ بَيْتِي وَ كُلُّ ذِي رَحْمٍ
دَخَلَ لِي فِي الْإِسْلَامِ أَوْ يَدْخُلُ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ خُرَانِي وَ خَاصَّتِي وَ
مَنْ قَلَّدَنِي دُعَاءً أَوْ أَسْدَى إِلَيَّ يَدًا أَوْ رَدَّ عَنِّي غَيْبَةً أَوْ قَالَ فِيْ خَيْرًا أَوْ
آتَحَذَّتُ عِنْهُ يَدًا أَوْ ضَيْعَةً وَ جِيرَانِي وَ إِخْوَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ
الْمُؤْمِنَاتِ بِاللَّهِ وَ بِأَسْمَائِهِ التَّامَّةِ الْعَامَّةِ الشَّامِلَةِ الْكَامِلَةِ الطَّاهِرَةِ الْفَاضِلَةِ
الْمُبَارَكَةِ الْمُتَعَالِيَّةِ الزَّاكِيَّةِ الشَّرِيفَةِ الْمَنِيعَةِ الْكَرِيمَةِ الْعَظِيمَةِ الْمَخْرُونَةِ
الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرًّا وَ لَا فَاجِرًّا، وَ بِاِمْكَانِ الْكِتَابِ وَ خَاتِمِهِ وَ مَا بَيْتَهُمَا مِنْ
سُورَةٍ شَرِيفَةٍ وَ آيَةٍ مُحْكَمَةٍ وَ شِفَاءٍ وَ رَحْمَةٍ وَ عَوْذَةً وَ بَرَكَةً، وَ بِالْتُّورَةِ
وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ، وَ بِصُحْفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى، وَ بِكُلِّ كِتَابٍ
أَنْزَلَهُ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلَهُ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ حُجَّةٍ أَفَامَهَا اللَّهُ، وَ بِكُلِّ بُرْهَانٍ
أَظْهَرَهُ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ نُورٍ أَنَارَهُ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ أَلْاءِ اللَّهِ وَ عَظَمَتِهِ.
أَعِيدُ وَ أَسْتَعِيدُ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ، وَ مِنْ
شَرِّ مَا رَأَيْتُ مِنْهُ أَكْبَرُ، وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجمِ، وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ

الْجِنُّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ السَّلَاطِينِ وَ إِلَيْسَ وَ جُنُودِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ أَتْبَاعِهِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي النُّورِ وَ الظُّلْمَةِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا دَهَمَ أَوْ هَجَمَ أَوْ أَمَّ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ غَمٍّ وَ هَمٍّ وَ أَفَةٍ وَ نَدَمٍ وَ نَازِلَةٍ وَ سَقَمٍ، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ تَأْتِي بِهِ الْاَقْدَارِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي النَّارِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي الْأَرْضِ وَ الْأَقْطَارِ وَ الْفَلَوَاتِ وَ الْقِفَارِ وَ الْبِحَارِ وَ الْأَنْهَارِ، وَ مِنْ شَرِّ الْفُسَاقِ وَ الْفَجَارِ وَ الْكَهَانِ وَ السُّحَارِ وَ الْحُسَادِ وَ الدُّعَارِ وَ الْأَشْرَارِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَ مَا يَنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَعْرُجُ فِيهَا إِلَيْهَا، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذُ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. فَإِنْ تَوَلَّوا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

وَ أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ مِنَ الْهَمِّ وَ الْحُرْنِ وَ الْعَجْزِ وَ الْكَسَلِ وَ الْجُبْنِ وَ الْبُخْلِ، وَ مِنْ ضَلَاعِ الدِّينِ وَ غَلَبةِ الرِّجَالِ، وَ مِنْ عَمَلٍ لَا يَنْفَعُ، وَ مِنْ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ، وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَ مِنْ نَصِيحَةٍ لَا تَنْجَعُ، وَ مِنْ صَحَابَةٍ لَا تَرْدَعُ، وَ مِنْ إِجْمَاعٍ عَلَى نُكْرٍ، وَ تَوَدُّدٍ عَلَى خُسْرٍ، أَوْ تَوَاحِذٍ عَلَى خُبْثٍ، وَ مِمَّا آسْتَعَاذَ مِنْهُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْمُرْسَلُونَ وَ الْأَئْمَاءُ الطَّاهِرُونَ الْمُطَهَّرُونَ وَ الشُّهَدَاءُ وَ الصَّالِحُونَ وَ عِبَادُكَ الْمُتَّقُونَ.

وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعَطِّينِي مِنَ الْخَيْرِ مَا سَأَلُوا، وَ أَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ مَا آسْتَعَاذُوا. وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلَهُ وَ آجِلَهُ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ. وَ أَعُوذُ بِكَ يَا رَبَّ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَ أَعُوذُ بِكَ رَبَّ أَنْ يَخْضُرُونِ.

بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِي وَمَالِي، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ أَعْطَانِي رَبِّي، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَحِبَّنِي وَوَلَدِي وَقَرَاباتِي، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى حِيرَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَإِخْرَانِي وَمَنْ قَلَدَنِي دُعَاءً أَوْ أَتَّخَذَ عِنْدِي يَدًا أَوْ آبَتَهَا إِلَيَّ بِرًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَيَرْزُقَنِي، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ آسِمَهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصِلِّنِي بِجَمِيعِ مَا سَأَلَكَ عِبَادُكَ الْمُؤْمِنُونَ أَنْ تَصْلِهِمْ بِهِ مِنَ الْخَيْرِ وَأَصْرِفْ عَنِّي جَمِيعَ مَا سَأَلَكَ عِبَادُكَ الْمُؤْمِنُونَ أَنْ تَصْرِفَهُ عَنْهُمْ مِنَ السُّوءِ وَالرَّدَى، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَوَلِيُّهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ، وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَّهُمْ وَفَرَّجَيِ، وَفَرَّجَ عَنْ كُلِّ مَهْمُومٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآرْزُقْنِي نَصْرَهُمْ، وَأَشْهِدْنِي أَيَّامَهُمْ، وَأَجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَجْعَلْ مِنْكَ عَلَيْهِمْ وَاقِيَّةً حَتَّى لا يَخْلُصَ إِلَيْهِمْ إِلَّا بِسَبِيلِ خَيْرٍ، وَعَلَى مَنْ مَعَهُمْ وَعَلَى شَيْعَتِهِمْ وَمُحِيَّهِمْ وَعَلَى أُولَائِهِمْ وَعَلَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَيَّ اللَّهِ وَلَا غَالِبَ إِلَّا اللَّهُ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، حَسَنِي اللَّهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، وَأَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، وَأَتْحِنُ إِلَى اللَّهِ، وَبِاللَّهِ أَحَاوَلُ وَأَصَابَلُ وَأَكَاثَرُ وَأَفَاقِرُ وَأَعْتَزُ وَأَعْصَمُ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ عَدَدَ الثَّرَى وَالْحَصْنَى وَ

النُّجُومُ وَ الْمَلَائِكَةُ الصُّفُوفُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الْعَلِيُّ
الْعَظِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سَبَّحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

خداؤندا! صبح کردم در حالی که تو را گواه می‌گیرم - و تو برای گواه‌بودن
کافی هستی - فرشتگان و حاملان عرشت و ساکنان هفت آسمان و زمینت و
پیامبران و فرستادگان و وارثان پیامبران و رسولان و بندگان شایسته و تمامی
آفریدگان را گواه می‌گیرم، و تو گواه من باش - و تو برای گواه‌بودن کافی
هستی - که من شهادت می‌دهم جز تو خدایی و جز تو معبدی نیست، تنها
توبی؛ و شریکی برایت نیست، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و رسول توست
و هر موجودی که در زیر عرش تا مرکز هفتمنی زمین پرستیده شود، باطل و
نابود است، به جز وجه بزرگوار و کریم تو که عزیزتر و برتر و بزرگتر و الاتر از آن
است که توصیف‌کنندگان کُنه عظمت و شکوه او را دریابند و یا اندیشه‌ها به
واقعیت بزرگی او راه پیدا کنند. ای کسی که مبهات و افتخار ستایشش بر
ستودن ستایشگران برتری یافته است و حمد و سپاس‌های نمونه‌اش توصیف
توصیف‌کنندگان را پشت سر گذاشته از آنها تجاوز نموده، بزرگداشت مقامش از
گفتار سخنواران فراتر رفته و برتر گشته است. بر محمد و خاندان او درود فرست
و برای ما چنان کُن که تو خود شایسته آنی، ای اهل تقوا و آمرزش.

(سه بار این جمله را تکرار کند). و بعد بگوید:

نیست خدایی جز «الله»، تنها اوست و شریکی برایش نیست، پاک و منزه
است خداوند، او را سپاس می‌گزارم، از خداوند خواهان آمرزش هستم و به
پیشگاه او توبه می‌کنم، هر آنچه که خداوند بخواهد [همان می‌شود]، نیرویی و
توانی جز به واسطه او نیست. او آغاز و پایان و ظاهر و باطن است. فرمانروایی از
آن او و ستایش و پیژه اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند، می‌میراند و زنده می‌کند،
او زنده است و نمی‌میرد، خیر در دست اوست و بر همه چیز تواناست.

(این عبارات را یازده مرتبه بگوید) و بعد این تسبیح را بگوید:
 پاک و منزه است خداوند، سپاس از آن اوست و جز الله خدایی نیست، و الله
 بزرگتر است. از خداوند خواهان آمرزشم و به پیشگاه او توبه می‌کنم، هر آنچه را
 که خداوند بخواهد [همان می‌شود]، و نیرو و توانی جز به وسیله خداوند بردار
 بزرگوار نیست. خداوند والای بزرگ، بخشندۀ و مهربان، فرمانروای منزه، حق
 آشکار کننده را، به تعداد آفریدگان و سنگینی عرش و گنجایش آسمانها و
 زمینش و تعداد هر آنچه که قلمش بر آن جاری و کتابش آن را شمرده و کلماتش
 نویسنده آنند و برای خود پسندیده، تسبیح و ستایش می‌کنم.

(این عبارات را هم یازده مرتبه بگوید) و بعد این کلمات را بخواند:
 خداوندا بر محمد و خاندان با برکت او درود فرست و جبرائیل و میکائيل و
 اسرافیل و همهٔ حاملان عرشت و فرشتگان مقرّبت را نیز مشمول رحمت خود
 قرار بده! خداوندا بر همگی آنان صلوّات و درود فرست تا آنجا که آنان را به مقام
 رضا برسانی و پس از رضایت و خشنودی، به آن اندازه که تو خود شایسته آنی،
 آنان را مشمول رحمت و درود خود قرار ده، ای مهربانترین مهربانان! خداوندا بر
 محمد و خاندان محمد درود فرست و بر فرشته مأمور مرگ و یاران او و بر
 رضوان [فرشته مخصوص بهشت] و نگهبانان بهشت، و بر مالک و مأموران
 دوزخ درود فرست! خداوندا بر آنان درود فرست تا آنجا که آنان را به خشنودی
 رسانی و پس از رضایت و خشنودی بدان اندازه که تو شایسته آنی، آنان را
 مشمول رحمت و درود خود قرار ده، ای مهربانترین مهربانان.

خداوندا، بر نویسنده‌گان بزرگوار نامه اعمال و نمایندگان گرامی نیکوکار، و
 نگهبانان فرزندان آدم درود فرست! و بر فرشتگان آسمان، و طبقات پایین
 زمین، و فرشتگان شب و روز، و فرشتگان زمین و کرانه‌های آن، دریاها و
 رودخانه‌ها، صحراءها و دشتها و دره‌ها و درختان و بر آن گروه از فرشتگان که

به وسیلهٔ پرستش و ستایش است از خوردن غذا و آب بی‌نیازشان ساخته‌ای، درود فرست! خداوندا بر آنان بدان پایه درود فرست که به مقام رضا و خشنودی‌شان برسانی و پس از خشنودی بدان اندازه که تو خود شایسته آنی، آنان را مشمول درود خودگردان، ای مهربانترین مهربانان.

خداوندا، بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و بر پدرمان، حضرت آدم، و مادرمان حوا و آن عده از فرزندانشان که از گروه پیامبران، صدیقان، شهداء و درستکاران و صالحان هستند، درود بفرست! خداوندا، بر آنان بدان اندازه درود بفرست که آنان را به مقام رضا بدان‌گونه که تو شایسته آنی، برسانی، ای مهربانترین مهربانان.

خداوندا، بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه‌اش و بر یاران برگزیده و زنان پاکش و بر فرزندان محمد و بر هر پیامبری که به آمدن محمد نوید داده و بر هر پیامبری که در سلسله اجداد و پدران محمد قرار گرفته و بر آنانی که در فرستادن درود بر ایشان خشنودی تو و پیامبرت حضرت محمد صلی اللہ علیہ وساله حاصل می‌شود درود فرست! خداوندا، بر آنان آن قدر درود و رحمت فرست که خشنودشان سازی و پس از خشنودی بدان اندازه که تو خود شایسته آنی، آنان را مشمول درود و سلام خود بنمای، ای مهربانترین مهربانان.

خداوندا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر محمد و خاندان محمد برکت ده، و بر محمد و خاندان محمد رحمت عنایت کن، به اندازه برترین صلوات و برکات و رحمتی که بر ابراهیم فرستاده‌ای! تو خداوند ستوده و بزرگواری.

خداوندا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، همان‌گونه که به ما دستور داده‌ای بر او درود بفرستیم! خداوندا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست همان‌گونه که سزاوار است ما بر او درود فرستیم! خداوندا، بر محمد و خاندان

محمد درود فرست به مقدار کسانی که بر او درود فرستاده‌اند! خداوندا، به تعداد کسانی که بر او درود نفرستاده‌اند، بر او درود فرست! خداوندا، به تعداد حروفی بر او درود فرست که در صلواتی که بر او فرستاده‌ای، وجود دارد! خداوندا، به تعداد کسانی که بر او صلوات فرستاده و نفرستاده‌اند، بر او درود فرست!
 خداوندا، بر محمد و خاندان محمد به تعداد هر مowie، لفظی، لحظه‌ای، نفسی، نشانه‌ای، آرامشی و هر حرکتی از کسانی که بر او درود فرستاده و یا نفرستاده‌اند، درود فرست! و به تعداد ساعتها، دقیقه‌ها، سکون، حرکتها، حقیقتها، قرارها، ویژگی‌ها، روزها، ماهها، سالها، موها، پوستهای آنها و به تعداد وزن ذرات کارهایی که انجام داده و یا انجام می‌دهند و یا از آنها صادر شده و یا تا روز قیامت صادر خواهد شد و تا روز رستاخیز به تعداد چندین برابر آن بر آنان درود فرست، ای مهربانترین مهربانان.

بار پروردگارا، بر محمد و خاندان محمد به تعداد آفریدگانت و به تعداد تمام آنچه که تا روز رستاخیز می‌آفرینی، درود فرست! درودی که موجب خشنودی و دلخواه او باشد! خداوندا! سپاس، شکر و امتنان، و فضل و بخشش، خوبی و نیکوبی و نعمت، و بزرگی و شکوه و فرمانروایی بر ظاهر و باطن، سلطه و افتخار و برتری، پیروزی و آقایی، کرم و بزرگواری، والای و بزرگی، خوبی و یکتایی، احترام و تهلیل و [تکبیر]، منزه ساختن و رحمت، آمرزش و بزرگمنشی و بزرگی، همه و همه از آن توست، و هر گونه ثنا و ستایش پاک و پاکیزه و مدیحه والا، سخن نیکو و زیبا که از گوینده‌اش خشنود باشی و او را خشنود سازی و موجب پسند تو باشد، به تو اختصاص دارد. تا آنجا که ستایشم به ستایش نخستین ستایشگر، و ثنایم به ثنای نخستین ثناگوی نسبت به پروردگار جهانیان متصل شود، تهلیل من به تهلیل نخستین تهلیل‌کننده و تکبیرم به تکبیر نخستین تکبیر گوینده، گفتار زیبایم به گفتار نخستین گوینده نیکسخن و

شناگوی بر پروردگار جهانیان به طوری پیوند خورد که از آغاز جهان تا فرجام آن پیوستگی داشته باشد و به اندازه و سنگینی ذرات آسمانها و زمینها، سنگریزه‌ها و تپه‌ها و کوهها و جرעה‌های آب دریاها و تعداد قطرات باران و برگهای درختان و تعداد ستارگان و زمینها و ریگها و هسته‌ها و سنگها و وزن همه اینها و وزن ذرات آسمانها و زمینها و آنچه که در اینها و بین اینها و زیر و بالای اینها و در فواصل بین اینها تا روز قیامت وجود خواهد داشت از نزدیکهای عرشت تا مرکز هفتمین زمین و به تعداد حروف الفاظ ساکنان آنها، تعداد پلک به هم‌زدن‌هایشان، دقایق و تفکرات، ساعات، روزها، ماهها، سالها، آرامشها، حرکتها، موها و پوستهایشان و به تعداد وزن کارهایی که کرده و یا خواهند کرد و یا می‌بینند و یا گمان می‌برند و یا می‌فهمند و یا از آن هستند و یا خواهند بود، و تعداد ذرات همه اینها، و چندین برابر آن، و همچون چندین برابر دیگر که جز تو کسی نداند و نتواند بشمارد، بر محمد و خاندان او درود فرست، ای صاحب بزرگی و جلالت و بزرگواری! و شایسته چنین درودی و سزاوار و لائق چنین! صلواتی از من و تمامی آفریدگانت، تنها تو هستی، ای سازنده آسمانها و زمین! پروردگار، تو خداوندگاری نیستی که تازه پیدایت کرده باشیم و به همراه تو خدایی نیست که در ربویت شریک تو باشد، و با تو خدایی دیگر وجود ندارد که در آفرینش ما به تو کمک کرده باشد، تو پروردگار مایی همان‌گونه که می‌گوییم و برتر از آنچه که گویندگان می‌گویند، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و به محمد برترین چیزی را که از تو خواسته است و برترین چیزی را که از تو درخواست کرده‌اند و تا روز قیامت از تو خواسته می‌شود، عطا فرمایی. خاندان پیامبرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خودم و دین و ذریه و اموال و فرزندان و خویشاوندان و افراد خانواده‌ام را و هر یک از وابستگان و ارحامم را که به خاطر من به اسلام داخل شده و یا تا روز قیامت وارد می‌شود و همچنین

نگهبانان و خواص و دوستان مخصوصم را و هر کس که دعایی درباره من کرده و دستی از روی محبت و خدمت به سوی من دراز نموده و یا غیبت و تهمتی را از من زدوده و سخن خیری درباره من گفته و یا کمکی مالی و جانی از او گرفته‌ام، و همسایگانم را و دیگر برادران و خواهران مؤمنم را که به خدا و نامهای تام و شامل و کامل و پاک و والا و بابرکت و تمیز و ارزنده و بلندمرتبه و بزرگوار و نگهداری شده‌ای که هیچ نیکوکار و بدکاری از آنها نگذرد و نیز به ریشه و اساس و پایان و انجام کتاب و آنچه که در بین آنها از سوره‌های شریفه، آیات محکمه، و آنچه که موجب شفا و رحمت و نعمت و برکت است و به تورات و انجیل و زبور و فرقان و به صحف ابراهیم و موسی و به هر کتابی که خداوند آن را نازل فرموده و هر رسولی که فرستاده و هر حجتی که اقامه نموده و هر برهان و دلیلی که آشکار ساخته و هر پرتوی که روشن ساخته و به تمام نعمتها و بزرگی پروردگار ایمان دارند، در پناه خداوند قرار می‌دهم.

از آسیب هر شروری و شرّ هر آنچه که از آن ترسیده و بژدرم و از شرّ هر آنچه که پروردگارم از آن بزرگتر است، و از آسیب تبهکاران عرب و عجم و تبهکاران جنّ و انس، شیاطین و سلاطین، ابلیس و لشکریان و پیروان و رهروانش، و از شرّ هر موجودی که در روشنی و تاریکی است و از شرّ هر آنچه که تاریک گشته و یا هجوم آورده و پافشاری می‌نماید و از شرّ اندوه و غم و آفت و پشیمانی، بلا و بیماری و از شرّ پدیده‌های شبانه و روزانه و ره‌آوردهای مقدرات، و از شرّ آنچه که در آتش و زمین و کرانه‌ها و دره‌ها و صحراها و دریاها و رودخانه‌هاست، و از شرّ تبهکاران و جنایتکاران، کاهنان و جادوگران و حسودان و بدکاران و وحشت انگیزان و از شرّ آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه از آن خارج می‌شود و یا از آسمان فرود می‌آید و یا به‌آن بالا می‌رود، و از شرّ هر شروری و از شرّ هر جنبندهای که اختیارش در دست پروردگار من می‌باشد، به

خدا پناه می‌جویم. همانا پروردگار من بر راه راست است که اگر پشت کرده و اعراض نمودند پس بگو خداوند مرا کفایت خواهد کرد جز او خدایی نیست بر او توکل نمودم و او پروردگار عرش بزرگ است.

بار پروردگارا! به تو پناه می‌برم از غم و اندوه و ناتوانی و کسالت و ترس و بخل و از سستی در دین و چیرگی زورمندان و از عملی که سود نبخشد و چشمی که اشک نریزد و دلی که خاشع نباشد و دعایی که شنیده نشود و نصیحتی که مفید واقع نگردد و همدمی که از کار زشت بازندارد و از تصمیم کامل و اندیشهٔ جامع بر کار زشت و دوستداشتن کار زیانبار و یا مؤاخذهٔ ناشی از خبث و پلیدی باطن و از هر آنچه که محمد صلی الله علیه و آله و سلم و فرشتگان مقرّب و پیامبران و رسولان و امامان پاک و پاکشده و شهیدان و افراد شایسته و بندهان پرهیزکارت از آن به تو پناه برده‌اند.

و از تو درخواست می‌کنم ای خداوند! که بر محمد و آل محمد درود فرستی و از خیر و خیرات هر آنچه که خواسته‌اند، به من ببخشای و از شر هر چه که به تو پناهنه شده‌اند، مرا در پناه خود قرارده، و از تو تمامی خیر را درخواست می‌کنم ای خداوند! خیر زودرس و خیرهای آینده را، آنچه را که می‌دانم و آنچه را که نمی‌دانم نصیبیم فرما! و پناه می‌برم خداوندا به تو از وسوسه‌های شیاطین و از اینکه نزد من حاضر شوند.

بسم الله بر خاندان پیامبر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، بسم الله بر خودم و بر دینم، بسم الله بر خانواده و مالام، بسم الله بر هر آنچه که پروردگارم به من بخشیده، بسم الله بر دوستان و فرزندان و خویشاوندانم، بسم الله بر همسایگان مؤمن و برادران دینی من و هر آن کس که دعایی به من کرده و یا نعمتی به من بخشیده و یا ابتدا به نیکی به من کرده از مؤمنین و مؤمنات، بسم الله بر هر چه که پروردگارم روزی ام فرموده و روزی ام می‌کند، به نام خداوندی که با نام او هیچ

چیز در آسمان و زمین زیان نمی‌رساند و او شنوا و داناست.

خداؤندا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا با تمام خیراتی که بندگان با ایمان از تو درخواست کرده‌اند تا به آنان متعلق نمایی، پیوند ده و هر بدی و پستی را که از تو خواسته‌اند برطرف کنی، از من برطرف کن و بدان‌گونه که تو خود شایسته و سزاوار آنی، از فضل و انعام خود بر من بیفزای، ای مهربانترین مهربانان!

پروردگارا بر محمد و خاندان پاکش درود فرست و فرج آنان و فرج مرا به زودی برسان و غم و اندوه را از هر مرد و زن مؤمنی برطرف ساز. خداوندا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، یاری و کمک آنان را روزی من فرما، مرا شاهد روزگار [پیروزی و کامیابی] آنان قرار ده، در دنیا و آخرت، من و آنها را با هم جمع و همراه گردان، و از سوی خود بر آنان حامی و نگهبانی قرار ده که جز خیر و خوبی به آنان راه پیدا نکند و همچنین این همه را بر کسانی که با آنانند و بر شیعیان و دوستان و دوستداران آنان و بر همگی مؤمنان نصیب فرما! همانا تو بر همه چیز توانایی.

به نام خدا و به وسیله خدا و از خدا و به سوی خداوند، که غالب و پیروزی جز خداوند نیست، آنچه که خداوند خواسته، همان شدنی است و جز به واسطه خداوند نیرویی نیست، خداوند مرا کفایت می‌کند، بر خدا توکل کرده کارم را به او واگذار می‌کنم، به خداوند پناه می‌برم، خود را به او می‌سپارم، به وسیله او روی می‌آورم، می‌افزایم، مبارکات می‌کنم، عزیز و گرامی می‌شوم و چنگ می‌زنم، بر او توکل می‌کنم و بازگشت به سوی اوست، جز خداوند زنده و پاینده خدایی نیست، و به تعداد ذرات خاکها، و تعداد ریگها، ستارگان و فرشتگان صفت کشیده این کلمه را می‌گوییم، جز او خدایی نیست تنها و یکتاست، شریکی برای او نیست، او برتر و بزرگتر است، جز تو خدایی نیست، تو پاک و منزه می‌باشی و من از ستمگران هستم.

از ناحیة مقدس حضرت ولی عصر ارواحنا لتراب مقدمه الفدا برای محمد بن صلت قمی بعد از این دعا این جملات افزوده و فرستاده شد:

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَ رَبَّ الْبَحْرِ
الْمَسْجُورِ، وَ مُنْزَلَ التَّوْرَاةِ وَ الْإِنْجِيلِ، وَ رَبَّ الظَّلَّ وَ الْحَرُورِ،
وَ مُنْزَلَ الزَّبُورِ وَ الْقُرْآنِ وَ الْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ، وَ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ
الْمُقَرَّبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ الْمُرْسَلِينَ، أَنْتَ إِلَهُ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ إِلَهُ
مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا إِلَهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَ أَنْتَ جَبَارٌ مَنْ فِي
السَّمَاءِ وَ جَبَارٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لاجَبَارٌ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَ أَنْتَ
خَالِقٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ خَالِقٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لاخالقٌ فِيهِمَا
غَيْرُكَ، وَ أَنْتَ حَكَمٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ حَكَمٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ،
لاحکمٌ فِيهِمَا غَيْرُكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَ
مُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَسِينَ يَا قَيْوُمُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقْتَ
بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ، وَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ عَلَيْهِ
الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ، يَا حَسِينَ قَبْلَ كُلِّ حَسِينٍ وَ يَا حَسِينَ بَعْدَ كُلِّ
حَسِينٍ، وَ يَا حَسِينَ حِينَ لَاحَى، وَ يَا مُحَمَّدَ الْمُؤْتَمِى، وَ يَا حَسِينَ لَا
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا حَسِينَ يَا قَيْوُمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصْلِىَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَرْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ
لأَحْتَسِبُ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كُلَّ غَمٍّ وَ
هَمٍّ، وَ أَنْ تُعْطِنِي مَا أَرْجُو وَ آمُلُهُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَئٍ قَدِيرٌ.^۱

خداآوندا، ای آفریننده نور بزرگ، و پروردگار کرسی برافراشته، و پروردگار دریای خروشان، و نازل‌کننده تورات و انجیل و پروردگار سایه و آفتاب، و نازل‌کننده زبور و قرآن و فرقان بزرگ، و پروردگار فرشتگان مقرب و پیامبران فرستاده شده! تو خداوند کسانی هستی که در آسمانند و خدای ساکنان زمینی، در آن دو غیر از تو خدایی نیست. تو قاهر و حاکم بر ساکنان زمین و آسمانی، در آن دو قاهر و حاکمی جز تو نیست، تو آفریدگار تمام موجودات زمین و آسمانی و جز تو آفریدگاری در آن دو نیست. تو داور و فرمانروای آفریدگان آسمانها و زمینی، و داور و فرمانروایی جز تو در آنها نیست.

خداآوندا! به وجه بزرگوار و به پرتو روی نورانی و فرمانروایی جاودانهات از تو درخواست می‌کنم، ای زنده و ای برپای دارنده! از تو می‌خواهم به همان نامی که آسمانها و زمینها را بدان روشن ساخته بر آنها تابیده‌ای، ای زنده قبل از هر موجود زنده، و ای زنده پس از هر موجود زنده، و ای کسی که در زمانی که هیچ موجود زنده‌ای نبود، تو حیات داشتی، ای زنده کننده مردگان و ای زنده‌ای که جز تو خدایی نیست، ای حقیقت و ای قیوم! از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و از آنجا که گمان دارم و برای آن حساب باز کرده‌ام و یا برای آن حسابی باز نکرده‌ام و گمان نمی‌کنم و انتظار ندارم به من روزی عنایت فرمایی، روزی ای گسترده و حلال و پاکیزه، و هر غم و اندوه را از من برطرف سازی و هر آنچه را به آن امیدوار و آرزومندم، به من ببخشی، که تو بر همه چیز توانایی.

سُبْحَانَ ذِي الْعَزَّةِ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ. سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَادِخِ الْعَظِيمِ.
سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ. وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ بَلَغْتُ مَا
بَلَغْتُ مِنَ الْعِلْمِ بِهِ وَالْعَمَلِ لَهُ وَ الرَّغْبَةِ إِلَيْهِ وَ الطَّاعَةِ لِأَمْرِهِ. وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي جَاهِدًا لِشَئِءٍ مِنْ كِتَابِهِ، وَ لَا مُتَحِيرًا فِي شَئِءٍ مِنْ أَمْرِهِ.
وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي إِلَى دِينِهِ، وَ لَمْ يَجْعَلْنِي أَعْبُدُ شَيْئًا غَيْرَهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَابِينَ وَ عَمَلَهُمْ، وَ نَجَاهَ الْمُجَاهِدِينَ وَ
ثَوَابَهُمْ، وَ تَصْدِيقَ الْمُؤْمِنِينَ وَ تَوْكِلَهُمْ، وَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَ الْآمِنَةَ
عِنْدَ الْحِسَابِ، وَ آجِلَ الْمَوْتَ خَيْرًا غَایِبٌ انتَطَرْهُ، وَ خَيْرٌ مُطْلَعٌ يَطْلَعُ
عَلَىَّ، وَ أَرْزُقْنِي عِنْدَ حُضُورِ الْمَوْتِ وَ عِنْدَ نُزُولِهِ وَ فِي غَمَرَاتِهِ وَ حِينَ
تَنْزِلُ النَّفْسُ مِنْ بَيْنِ التَّرَاقِيِّ وَ حِينَ تَبْلُغُ الْحُلُقُومَ وَ فِي حَالِ حُرُوجِيِّ
مِنَ الدُّنْيَا وَ تِلْكَ السَّاعَةُ الَّتِي لَا مَلِكٌ لِنَفْسِي فِيهَا ضَرًّا وَ لَا نَفْعاً وَ لَا شَدَّةً
وَ لَا رَخَاءً، رَوْحًا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ حَظًا مِنْ رِضْوَانِكَ، وَ بُشْرَى مِنْ
كَرَامَاتِكَ قَبْلَ أَنْ تَتَوَفَّنِي نَفْسِي، وَ تَقْبَضَ رُوحِي، وَ تُسْلِطَ مَلَكُ الْمَوْتِ
عَلَى إِخْرَاجِ نَفْسِي بِيُشْرِى مِنْكَ. - يَا رَبّ - لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ غَيْرَكَ تَثْلُجُ
بِهَا صَدْرِي، وَ تَسْرُّ بِهَا نَفْسِي، وَ تَقْرُّ بِهَا عَيْني، وَ يَتَهَلَّلُ بِهَا وَجْهِي، وَ
يَسْفَرُ بِهَا لَوْنِي، وَ يَطْمَئِنُ بِهَا قَلِيلِي، وَ يَبْنَاشُرُ بِهَا سَايِرُ جَسَدِي يَغْبِطُنِي
بِهَا مَنْ حَضَرَنِي مِنْ خَلْفِكَ وَ مَنْ سَمَعَ بِي مِنْ عِبَادِكَ، تُهُونُ عَلَيَّ بِهَا
سَكَرَاتِ الْمَوْتِ، وَ تُنَرِّجُ عَنِّي بِهَا كُرْبَتَهُ، وَ تُخَفِّفُ عَنِّي بِهَا شِدَّتَهُ، وَ
تَكْشِفُ عَنِّي بِهَا سُقْمَهُ وَ تُذَهِّبُ عَنِّي بِهَا هَمَهُ وَ حَسْرَتَهُ، وَ تَعْصِمُنِي بِهَا

مِنْ أَسْفِهِ وَ فِتْنَتِهِ، وَ تُحِيرُنِي بِهَا مِنْ شَرِّهِ وَ شَرًّا مَا يَحْضُرُ أَهْلَهُ، وَ تَرْزُقُنِي
بِهَا خَيْرَهُ وَ خَيْرًا مَا يَحْضُرُ عِنْدَهُ وَ خَيْرًا مَا هُوَ كَائِنُ بَعْدَهُ. ثُمَّ إِذَا تَوَفَّيَتْ
نَفْسِي وَ قَبَضَتِ رُوحِي فَأَجْعَلْ رُوحِي فِي الْأَرْوَاحِ الرَّابِحَةِ، وَ آجْعَلْ
نَفْسِي فِي الْأَنْفُسِ الصَّالِحَةِ، وَ آجْعَلْ جَسَدِي فِي الْأَجْسَادِ الْمُطَهَّرَةِ، وَ
آجْعَلْ عَمَلِي فِي الْأَعْمَالِ الْمُتَبَلَّةِ، ثُمَّ آرْزُقُنِي فِي خَطْبَتِي مِنَ الْأَرْضِ
حِصْنَتِي وَ مَوْضِعَ جَبِي حَيْثُ يُرْفَتُ لَحْمِي وَ يُدْفَنُ عَظَمِي وَ أُتَرَكُ
وَحِيدًا لَا حِيلَةَ لِي قَدْ لَفَظَنِي الْبِلَادُ وَ تَخَلَّى مِنِي الْعِبَادُ وَ أَفْتَرَتِ إِلَى
رَحْمَتِكَ وَ أَحْتَجَتِ إِلَى صَالِحِ عَمَلِي، وَ أَلْقَى مَا مَهَدْتُ لِنَفْسِي وَ قَدَّمْتُ
لِأَخْرَتِي وَ عَمِلْتُ فِي أَيَّامِ حَيَاةِي فَوْزاً مِنْ رَحْمَتِكَ وَ ضِيَاءً مِنْ نُورِكَ وَ
تَشْيِتاً مِنْ كَرَامَتِكَ بِالْقُولِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ، إِنَّكَ
تُضِلُّ الظَّالِمِينَ وَ تَغْفِلُ مَا تَشَاءُ.

ثُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْبَعْثِ وَ الْحِسَابِ إِذَا أَنْشَقَتِ الْأَرْضُ عَنِي وَ تَحَلَّى
الْعِبَادُ مِنِي وَ غَشِيشَنِي الصَّيْحَةُ وَ أُفْرَعَتِنِي النَّفْخَةُ وَ نَسَرَتِنِي بَعْدَ الْمَوْتِ
وَ بَعَثَتِنِي لِلْحِسَابِ، فَأَبْعَثْ مَعِي يَا رَبِّ نُورًا مِنْ رَحْمَتِكَ يَسْعَى بَيْنَ
يَدَيَ وَ عَنْ يَمِينِي، تُؤْمِنُنِي بِهِ وَ تَرْبِطُ بِهِ عَلَى قَلْبِي وَ تُظْهِرُ بِهِ عُدُّرِي وَ
تُبَيِّضُ بِهِ وَجْهِي وَ تُصَدِّقُ بِهَا حَدِيثِي وَ تُفْلِجُ بِهِ حُجَّتِي وَ تُبَلَّغُنِي بِهِ
الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى مِنْ رَحْمَتِكَ وَ تُحَلِّنِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا مِنْ جَنِّتِكَ وَ تَرْزُقُنِي
بِهِ مُرَافَقَةَ مُحَمَّدِ النَّبِيِّ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ دَرَجَةً وَ أَبْلَغُهَا
فَضِيلَةً وَ أَبْرُرُهَا عَطِيَّةً وَ أَوْفِقُهَا نَفْسَةً مَعَ الدِّينِ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ
الصَّدِيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ

الْمُرْسَلِينَ وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ أَجْمَعِينَ وَ عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى
إِئْمَانَ الْهُدَى أَجْمَعِينَ، آمِنَ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ وَ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَنَا
بِهِ وَ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا عَزَّزْتَنَا بِهِ وَ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا فَضَّلْتَنَا بِهِ وَ
صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا شَرَفْتَنَا بِهِ وَ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَصَرْتَنَا بِهِ وَ صَلُّ
عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَنْقَذْتَنَا بِهِ مِنْ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ.

اللَّهُمَّ بِيَضْ وَ جَهَهُ وَ أَعْلَى كَعْبَهُ وَ أَفْلَجْ حُجَّتَهُ وَ أَتْمِمْ نُورَهُ وَ ثَقْلُ
مِيزَانَهُ وَ عَظْمُ بُرْهَانَهُ وَ آفَسَحْ لَهُ حَتَّى يَرْضَى وَ بَلَّغَهُ الدَّرَجَةَ وَ الْوَسِيلَةَ
مِنَ الْجَنَّةِ وَ آبَعَهُ الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ الَّذِي وَعَدَتْهُ وَ آجَعَلَهُ أَفْضَلَ النَّبِيِّنَ
وَ الْمُرْسَلِينَ عِنْدَكَ مَنْزَلَةً وَ سِيَلَةً وَ أَقْصَصْ بَنَا أَثْرَهُ وَ آسِقَنَا بِكَاسِهِ وَ
أَوْرِدَنَا حَوْضَهُ وَ أَحْسَرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَ تَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَ آسِلُكْ بِنَا سُبْلَهُ وَ
آسْتَعْمَلُنَا بِسُتْتِهِ غَيْرِ خَزاِيَاً وَ لَا نَادِمِينَ وَ لَا شَاكِينَ وَ لَا مُبَدِّلِينَ، يَا مَنْ بِابِهِ
مَفْتُوحٌ لِدِاعِيهِ وَ حِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِرَاجِيهِ، يَا سَاتِرَ الْأَمْرِ الْقَيْصِعَ وَ مُدَاوِيَ
الْقَلْبِ الْجَرِيعِ لِأَنْفَضْحِنِي فِي مَشَهِدِ الْقِيَامَةِ بِمُوبِقاتِ الْأَثَامِ وَ لَا تَعْرِضْ
بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِي مِنْ بَيْنِ الْأَنَامِ، يَا غَايَةَ الْمُضْطَرِّ الْفَقِيرِ وَ يَا جَاَبِ
الْعَظْمِ الْكَسِيرِ هَبْ لِي مُوبِقاتِ الْجَرَایِرِ، وَ أَعْفُ عَنِي فَاضِحَاتِ السَّرَّايرِ
وَ آغْسِلْ قَلْبِي مِنْ وِزْرِ الْخَطَايَا وَ آرْزُقْنِي حُسْنَ الْأَسْتِعْدَادِ لِلنُّزُولِ
الْمَنَّاِيَا، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَ مُتَهَّمِي أُمْنِيَّةِ السَّائِلِينَ، أَنْتَ مَوْلَايَ، فَتَحَتَ
لِي بَابَ الدُّعَاءِ وَ الْإِنْتَابَةِ فَلَا تُغْلِقْ عَنِي بَابَ الْقَبُولِ وَ الْإِجَابَةِ وَ نَجْحَنِي
بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَ بَوْعَنِي غُرْفَاتِ الْجِنَانِ وَ آجَعَلِنِي مُسْتَمِسِكًا بِالْعُرْوَةِ
الْوُثْقَى وَ آخِتِمْ لِي بِالسَّعَادَةِ وَ أَحْسِنِي بِالسَّلَامَةِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَ الْكَمَالِ وَ

الْعِزَّةُ وَ الْجَلَالُ، لَا تُشْمِتُ بِي عَدُوًا وَ لَا حَاسِدًا وَ لَا تُسْلِطُ عَلَيَ سُلْطَانًا
عَيْدًا وَ لَا شَيْطَانًا مَرِيدًا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً.^۱
پاک و منزه است خدای با عزت و سربلند و سرافراز. منزه است خداوندی که
جلالتی بس بزرگ دارد. منزه است خداوندی که فرمانرواییش آمیخته به افتخار
است و از آغاز بوده است. ستایش خاص خداوندی است که به لطف نعمتهاش
دست یافتم به آنچه که از شناخت به او، و عمل برای او، و رغبت و توجه به
سوی او، و اطاعت اوامر او رسیدم. او را سپاس می‌گوییم که مرا منکر آیات
کتابش، و نیز سرگردان در کارهایش قرار نداد. او را سپاس می‌گوییم که مرا به
دین خود هدایت کرد، و آن‌گونه قرارم داد که چیزی جز او را نپرستم.

خداوند! از تو می‌خواهم که گفتار توبه‌کنندگان و عمل آنان را، و نجات
تلاشگران و ثواب آنان را، و تصدیق مؤمنان و توکل آنان را، و نیز آسودگی در
هنگام مرگ، و در امان بودن به گاه حسابرسی در رستاخیز را به من عنایت
فرمایی. و مرگ را بهترین ناشناخته‌ای که در انتظار اویم، و بهترین چیزی که با
او برخورد می‌کنم، قرار دهی. و هنگام فرا رسیدن مرگ، و آنگاه که مرا در خود
فرو می‌برد، و زمانی که جانم در میان استخوانهای سینه‌ام قرار دارد، و آن هنگام
که به زیر گلویم می‌رسد، و در آن حال که از دنیا رخت بر می‌بندم، و در ساعتی
که هیچ اختیاری از خود نداشته، و هیچ سود و زیان، و سختی و آسایشی را
نمی‌توانم برای خود فراهم سازم، نسیمی از رحمت خود، و بهره‌ای از خشنودی
خود را به من عطا فرمایی. و پیش از آنکه جانم بستانی، و روح را قبض نمایی،
و فرشته مرگ را بر خارج ساختن جانم چیره نمایی، بشارتی از کرامت خود را به
من ارزانی داری. - ای پرورده‌گار من! - بشارتی که از غیر تو نباشد تا سینه‌ام را از

التهاب باز دارد، و جانم را خشنود سازد، و دیدگانم را نورانی کند، و چهره‌ام را مسرور نماید، و رنگ رخسارم را درخشندگی عطا کند، و جانم را آرامش بخشد. بشارتی که سبب آسودگی تمامی اعضا و جوارحм گردد، تا هر مخلوقی از مخلوقات که مرا می‌بیند، و هر بنده‌ای از بندگانت که وصفم می‌شنود، بر آن غبطه خورد. بشارتی که سختیهای مرگ را بر من آسان گرداند، و رنجش را از من دور دارد، و شدت آن را برطرف نماید، و بیماری از آن بزدايد، و مرا از هم و غمّش برکnar دارد، و از بلاهایش دور گرداند، و از شرّش و شرّکسانی که در آن هنگام حضور دارند پناه دهد، و از خیر آن و خیر کسانی که در آن لحظه حاضر هستند، و خیر آنچه بعد از آن واقع می‌گردد، بهره‌مندم نماید.

و آنگاه که جانم گرفته شد، و روحm از کالبدm خارج گردید، روحm را در میان ارواح پاک، و جانم را در بین جانهای صالح، و جسم را در میان جسدhای پاکیزه، و عملm را در بین اعمال مقبول قرار ده. و از جایگاه قبرm، و محل استtar بدنم، آنجا که گوشتهایm کوبیده شده، و استخوانهایm دفن می‌گردد، و تنها و بی‌کس رها شده، و هیچ قدرتی بر خود ندارم، شهرها مرا از خود دور ساخته، و بندگان مرا رها کرده‌اند، و نیازمند رحمت تو و محتاج اعمال صالح خود هستم، و آنچه را برای خود آماده ساخته، و برای سفر آخرت خود پیش فرستاده و در زندگی دنیا انجام داده‌ام می‌بایم، بهره‌ای از رحمتت، و درخششی از نورت را به من ارزانی دار، و مرا از کرامت خود، با سخن درست در زندگانی دنیا و آخرت، ثابت قدم گردان. به درستی که تو ستمکاران را گمراه کرده و بر هر کاری توانایی. پس آنگاه که در قیامت، برای حسابرسی قبرm شکافته شود، و بندگان از من دور گرددند، و صیحه آسمانی مرا فرا گیرد، و نفخه صور مرا به وحشت افکند، و بعد از مرگ که مرا بر می‌انگیزی و برای حساب اعمال آماده‌ام می‌گردانی، بر من مبارک گردان. بارالله! همراه من نوری از بخششت را برانگیز، تا پیش‌پیش و از

طرف راست من حرکت کند، تا مرا در امنیت قرار داده، و قلبم را محکم نموده، و عذرم را ظاهر کرده، و چهره‌ام را درخشان، و گفتارم را تصدیق، و دلیل را قاطع گرداند، و مرا به آخرین درجه رحمت برساند، و به برترین مرتبه بهشت نائل گرداند، و همنشینی محمد ﷺ بندۀ و رسولت را در بالاترین درجه بهشت و با فضیلت‌ترین آن، و نیکوترین مرتبه آن، و ارزشمندترین قسمت آن عطا فرماید. سکونت همراه با کسانی که به آنان نعمت را ارزانی داشته‌ای، از پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحین، که اینان بهترین دوستان هستند.

خداؤندا! بر محمد، خاتم پیامبران، و بر تمامی انبیا و رسولان، و بر تمامی فرشتگان، و بر خاندان پاک و مطهر پیامبرت، و بر تمامی پیشوایان هدایت درود فrust، ای پورددگار جهانیان! خواسته‌ام را اجابت نما.

بارخدایا! بر محمد درود فrust، همان‌گونه که ما را به وسیله او هدایت کردی. بر او درود فrust، آن‌گونه که به وسیله او به ما رحمت را ارزانی داشتی. بر او درود فrust، همانطور که ما را به وسیله او گرامی داشتی. بر او درود فrust، همانطور که ما را به وسیله او شرافت عطا نمودی. بر او درود فrust، آن‌چنان که ما را به وسیله او یاری نمودی. بر او درود فrust، همان‌گونه که ما را به وسیله او از پرتگاه آتش نجات دادی.

خداؤندا! چهره‌اش را درخشان، مقامش را بلند، دلیلش را قاطع، پرتوش را کامل، کفة ترازوی اعمالش را سنگین، برهانش را برتر گردان، و نعمت را بر او بگستر، تا خشنود گردد. و او را به برترین مقام بهشت برسان، و او را به مقام محمودی که او را وعده داده‌ای نائل گردان، و او را در مقام و منزلت برترین پیامبران و رسولان قرار ده. و ما را رهرو راه او نما، و از جام او سیراب گردان، و بر حوض او وارد ساز، و در گروه او محشور نما، و بر دین او بمیران، و ما را در راه

او قرار ده، و عامل به فرامین او بگردان، بدون آنکه تحقیر شده و پشیمان شویم، و مشکوک گردیده و راهش را تغییر دهیم. ای آن که درگاهش برای خوانندگانش گشوده، و حجابش برای امیدواران برکنار است، ای پوشاننده کار زشت و مداوا کننده قلبهای مجروح، در روز قیامت به گناهان هلاکت آور مرا تحقیر نکن، و از من روی مگردان. ای امید بیچارگان فقیر، و ای التیام دهنده استخوان شکسته! گناهان بزرگ را بر من ببخشای، و از کارهای زشتم درگذر، و جانم را از عواقب خطاهای پاک گردان، و آمادگی نیکو برای مرگ را به من ارزانی دار. ای بخشندۀ ترین بخشندگان، و ای منتهای آرزوی خواهندگان! تو مولای من هستی، درگاه دعا و نیایش را بر من گشودی، پس راه قبول و اجابت را بر من نبند، و به رحمت مرا از آتش نجات ده، و در غرفه‌های بهشت ساکن گردان. و مرا چنگ زننده به دستاویز محکم خود قرار ده و کارم را به سعادت پایان ده و مرا در زندگی سلامتی عطا کن، ای کسی که صاحب فضیلت و کمال و عزّت و جلالتی! مرا دشمن شاد مگردان و حاسدان را از من نالمید نما، و پادشاه کینه تو ز و شیطان رانده شده‌ای را بر من مسلط مفرما، به لطف و رحمت، ای بهترین رحم‌کنندگان! توان و نیرویی جز از جانب خداوند برتر و والاتر نمی‌باشد. درود خدا بر محمد و خاندان او باد.

تعقیب نماز عصر

سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ جَوَارِحَ الْقُلُوبِ، سُبْحَانَ مَنْ يُحْصِي عَدَدَ الذُّنُوبِ،
 سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفِي عَلَيْهِ خَافِيَةً فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
 الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي كَافِرًا إِلَّا نَعْمَمِه وَ لَا جَاهِدًا لِفَضْلِهِ، فَالْخَيْرُ مِنْهُ وَ هُوَ
 أَهْلُهُ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حُجَّتِهِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ مِنْ أَطَاعَهُ وَ
 مِنْ عَصَاهُ، فَإِنْ رَحِمَ فَمِنْ مَنِّهِ، وَ إِنْ عَاقَبَ فَبِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَ مَا اللَّهُ

يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَبِيدِ.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْمَكَانُ، الرَّفِيعُ الْبُنْيَانُ، الشَّدِيدُ الْأُمْكَانُ، الْعَزِيزُ
السُّلْطَانُ الْعَظِيمُ الشَّانُ، الْوَاضِحُ الْبُرْهَانُ، الرَّحِيمُ الرَّحْمَنُ الْمُنْعِمُ
الْمَنَانُ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْتَجَ بَعْنَ كُلِّ مَخْلوقٍ يَرَاهُ بِحَقِيقَةِ الْرُّبُوبِيَّةِ وَ
قُدْرَةِ الْوَحْدَانَةِ فَلَمْ تُدْرِكْهُ الْأَبْصَارُ وَ لَمْ تُحْطِبْ بِهِ الْأَخْبَارُ وَ لَمْ يَقُسْهُ مِقْدَارُ
وَ لَمْ يَتَوَهَّمْهُ آعْتِبَارُ لِأَنَّهُ الْمَلِكُ الْجَبَارُ.

اللَّهُمَّ قَدْ تَرَى مَكَانِي، وَ تَسْمَعُ كَلَامِي، وَ تَطَلَّعُ عَلَى أَمْرِي، وَ تَعْلَمُ
مَا فِي نَفْسِي، وَ لَيْسَ يَخْفِي عَلَيَّكَ شَيْءٌ مِّنْ أَمْرِي، وَ قَدْ سَعَيْتُ إِلَيْكَ فِي
طَلَبِتِي، وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ فِي حَاجَتِي، وَ تَضَرَّعْتُ إِلَيْكَ فِي مَسَالَتِي وَ
سَأَلْتُكَ لِفَقْرٍ وَ حَاجَةً وَ ذَلَّةً وَ ضِيقَةً وَ بُؤْسٍ وَ مَسْكَنَةً وَ أَنْتَ الرَّبُّ
الْجَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ، تَحِدُّ مَنْ تُعَذِّبُ غَيْرِي وَ لَا يَجِدُ مَنْ يَغْفِرُ لِي غَيْرِكَ وَ
أَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي وَ أَنَا فَقِيرٌ إِلَيْ رَحْمَتِكَ، فَاسْأَلْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ وَ
غِنَاكَ عَنِّي وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ وَ قِلَّةٌ أَمْتَنَاعِي مِنْكَ أَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي هَذَا
دُعَاءً وَافِقَ مِنْكَ إِجَابَةً، وَ مَجْلِسِي هَذَا مَجْلِسًا وَافِقَ مِنْكَ رَحْمَةً وَ
طَلِبِتِي هَذِهِ طَلِبَةً وَافِقَتْ نَجَاحًا، وَ مَا خِفْتُ عُسْرَةً مِنْ الْأَمْوَرِ فَيَسِّرْهُ، وَ
مَا خِفْتُ عَجْزَةً مِنِ الْأَشْيَاءِ فَوْسَعْهُ، وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسَوْءِ مِنَ الْخَلَاقِ
كُلُّهُمْ فَاعْلَمُهُ، آمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ هَوْنٌ عَلَيَّ مَا خَشِيتُ شِدَّتَهُ، وَ
آكْشِفُ عَنِّي مَا خَشِيتُ كُرْبَتَهُ وَ يَسِّرْ لِي مَا خَشِيتُ عُسْرَتَهُ، آمِينَ يَا رَبَّ
الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ أَنْزِعِ الْعُجْبَ وَ الرَّيَاةَ وَ الْكِبْرَ وَ الْبَغْيَ وَ الْحَسَدَ وَ الْضَّعْفَ
وَالشَّكَ وَ الْوَهْنَ وَ الْضُّرَّ وَ الْأَسْقَامَ وَ الْخِذْلَانَ وَ الْمُكْرَ وَ الْخَدِيْعَةَ وَ

الْبَلِيَّةَ وَ الْفَسَادَ مِنْ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ جَمِيعِ جَوَارِحِي وَ خُذْ بِنَا صِيَّتي
إِلَى مَا تُحِبُّ وَ تَرْضِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَغْفِرْ ذَنْبِي وَأَسْتَرْ عَوْرَتِي وَ
آمِنْ رَوْعَتِي وَأَجْبِرْ مُصِيبَتِي وَأَغْنِ فَقْرِي وَيَسِّرْ حَاجَتِي وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي
وَأَجْمَعْ شَمْلِي وَأَكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي وَمَا غَابَ عَنِي وَمَا حَضَرَنِي وَمَا
أَتَحْوَفَهُ مِنْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ فَوَضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَالْجَاهُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، وَأَسْلَمْتُ نَفْسِي
إِلَيْكَ بِمَا جَنَيْتُ عَلَيْهَا فَرَقًا مِنْكَ وَخَوْفًا وَطَمَعاً وَأَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي
لَا يُقْطِعُ الرَّجَاءَ وَلَا يُخَيِّبُ الدُّعَاءَ، فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَكَ وَ
مُوسَى كَلِيمَكَ وَعِيسَى رُوحَكَ وَمُحَمَّدَ صَفِيفَكَ وَنَبِيَّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ الْآَلَّ تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِي حَتَّى تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَتَغْفِرَ لِي
خَطِيئَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ.

اللَّهُمَّ آجِعْ ثَارِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَآنْصُرْنِي عَلَى مَنْ عَادَنِي.
اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ مُصِيبَتِي فِي دِينِي، وَلَا تَجْعَلْ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّي وَلَا مَبْلَغَ
عِلْمِي. اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ
الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي، وَأَجْعَلْ الْحَيَاةَ
زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَأَجْعَلْ الْمَوْتَ رَاحَةً مِنْ كُلِّ شَرٍّ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌ تُحِبُّ الْعَفْوَ، فَاعْفُ عَنِّي. اللَّهُمَّ أَحِينِي مَا عَلِمْتَ
الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي، وَتَوَفَّنِي إِذَا كَانَتِ الْوَفَاءُ خَيْرًا لِي، وَأَسْأَلُكَ خَشِيتَكَ
فِي الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ، وَالْعَدْلَ فِي الْغَضَبِ وَ الرَّضَا، وَأَسْأَلُكَ الْقَضَادَ
فِي الْفَقْرِ وَ الْغِنَى، وَأَسْأَلُكَ نَعِيْمًا لَا يَبِدُّ وَ قُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ، وَأَسْأَلُكَ

الرّضا بعْدَ القِضا، وَ أَسْأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَهْدِيَكَ لِإِرْشادِ أَمْرِي، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي. اللَّهُمَّ عَمِلْتُ سُوءً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَعْجِيلَ غَافِرِكَ، وَ صَبْرًا عَلَى بَلِيَّكَ، وَ خُرُوجًا مِنَ الدُّنْيَا إِلَى رَحْمَتِكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهُدُكَ وَ أُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ أُشْهِدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ الْحَمْدُ لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، يَا كَائِنَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ شَيْءٌ وَ الْمُكَوَّنُ لِكُلِّ شَيْءٍ وَ الْكَائِنُ بَعْدَ مَا لَا يَكُونُ شَيْءٌ.

اللَّهُمَّ إِلَى رَحْمَتِكَ رَفَعْتُ بَصَرِي، وَ إِلَى جُودِكَ بَسَطْتُ كَفِي، فَلَا تَحْرِمْنِي وَ أَنَا أَسْأَلُكَ، فَلَا تُعَذِّبْنِي وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ. اللَّهُمَّ فَاغْفِرْ لِي إِنَّكَ بِي عَالِمٌ وَ لَا تُعَذِّبْنِي فَإِنَّكَ عَلَىٰ قَادِرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَ الصَّلَاةِ النَّافِعَةِ الرَّاكِيَةِ صَلَّى عَلَىٰ أَكْرَمِ خَلْقِكَ عَلَيْكَ وَ أَحْبَبِهِمْ إِلَيْكَ وَ أَوْجَبَهُمْ لَدِيْكَ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ الْمَخْصُوصِ بِفَضَائِلِ الْوَسَائِلِ أَشْرَفَ وَ أَكْرَمَ وَ أَرْفَعَ وَ أَعْظَمَ وَ أَكْمَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ مُبْلِغٍ عَنْكَ وَ مُؤْتَمِنٍ عَلَىٰ وَحْشِكَ. اللَّهُمَّ كَمَا سَدَّدْتَ بِهِ الْعَمَى وَ فَتَحْتَ بِهِ الْهُدَى فَاجْعَلْ مَنَا هِيَ سُبْلِهِ لَنَا سَنَنًا وَ حُجَّجَ بُرهَانِهِ لَنَا سَبَبًا نَاتِمٌ بِهِ إِلَى الْقُدُومِ عَلَيْكَ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِلْءَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مِلْءَ طِبَاقِهِنَّ وَ مِلْءَ الْأَرْضِ السَّبْعِ وَ مِلْءَ مَا يَئْتِهِمَا وَ مِلْءَ عَرْشِ رَبِّنَا الْكَرِيمِ وَ مِيزَانِ رَبِّنَا

الْغَفَّارِ وَ مِدَادِ كَلِمَاتِ رَبِّنَا الْقَهَّارِ وَ مِلْءِ الْجَنَّةِ وَ مِلْءِ النَّارِ وَ عَدَدَ الشَّرَى
وَ الْمَاءِ وَ عَدَدَ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى.

اللَّهُمَّ وَ آجِعْ صَلَواتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ مَنَّكَ وَ مَغْفِرَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ
رِضْوانِكَ وَ فَضْلِكَ وَ سَلَامَاتِكَ وَ ذِكْرَكَ وَ نُورَكَ وَ شَرْفَكَ وَ نِعْمَاتِكَ وَ
خَيْرَتِكَ عَلَى أَلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ
عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ أَلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ الْعُظْمَى وَ كَرِيمَ جَزَائِكَ فِي الْعُقُبَى حَتَّى
تُشَرِّفَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا إِلَهُ الْهُدَى. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَلِ مُحَمَّدٍ
وَ عَلَى جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ. سَلَامٌ عَلَى جَبَرِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ
إِسْرَافِيلَ وَ حَمْلَةِ الْعَرْشِ وَ مَلَائِكَتِكَ وَ الْكَرَامِ الْكَاتِبِينَ وَ الْكَرَوَبِينَ وَ
سَلَامٌ عَلَى مَلَائِكَتِكَ أَجْمَعِينَ وَ سَلَامٌ عَلَى أَبِينَا آدَمَ وَ عَلَى أُمِّنَا حَوَّاءَ وَ
سَلَامٌ عَلَى النَّبِيِّنَ أَجْمَعِينَ، وَ الصَّدِيقِينَ وَ عَلَى الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، وَ
سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ أَجْمَعِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ أَلِهِ وَ سَلَّمَ كَثِيرًا^۱.

پاک و منزه است پروردگاری که به اندیشه‌های بد دلها آگاهی دارد. پاک و منزه است کسی که شماره گناهان را می‌داند. پاک و منزه است آن که هیچ امری در آسمان و زمین بر او پوشیده نیست. سپاس خداوندی را سزاست که مرا آن‌گونه قرار نداد که نعمتهايش را بپوشانم، و فضل او را انکار نمایم، پس خیر و برکت در اوست و او اهل آنست. سپاس خداوندی را سزاست که دلیل و برهانش

بر تمامی انسانها، خواه فرمانبران و خواه گنهکاران، تمام است. اگر کسی را در سایه رحمت خود قرار دهد از جود و بخشش اوست، و اگر مجازات نماید به سبب اعمالی است که مرتكب گردیده‌اند، که خداوند به بندگانش ستم روانمی‌دارد. سپاس شایسته خداوندی است که مکانش بلند، بنیانش برتر، ارکانش محکم، سلطنتش پایدار، مقامش رفیع و برهانش روشن است و بخشندۀ و مهربان و روزی‌رسان و منان است. ستایش از آن خداوندی است که از هر مخلوقی که او را به حقیقت ربوبی و قدرت خداوندی شناخت، مستور مانده است. دیدگان او را نمی‌یابند، و اخبار او را در برنمی‌گیرد، و مقدار او را تعیین نمی‌نماید، و اعتبار او را به توهّم درنمی‌آورد؛ چرا که او پادشاهی با جلال و جبروت است.

بارخداایا! مکان و جایگاهم را می‌بینی، و کلامم را می‌شنوی، و بر کارهایم اشراف داری، و بر آنچه در جانم می‌گذرد آگاهی، و هیچ یک از کارهایم از تو پوشیده نمی‌باشد. -بدان که - از سر نیاز روی به تو نهاده‌ام. خواسته‌هایم را از تو می‌خواهم، و برای آنها به درگاهت زاری می‌کنم، و با فقر و نیاز و خواری و شدّت و درماندگی از تو یاری می‌جویم. تو پروردگاری هستی که گناهان را می‌بخشی، جز من کسانی را می‌بایی که عذاب کنی؛ لیک من جز تو آمرزندۀ‌ای را نمی‌بایم، و تو از عذاب من بی‌نیازی، و من نیازمند رحمت و احسان توام. پس به سبب نیازی که من به تو دارم، و بی‌نیازی تو از من، و قدرت و چیرگی تو بر من، از تو می‌خواهم که دعايم را در جمله دعاهايی قرار دهی که به هدف اجابت مقرر باشد، و جایگاهم را مکان نزول رحمت قرار دهی، و این درخواست و حاجتم را قرین موفقیت بنمایی. کارهایی را که از سختی آنها در هراسم آسان گردان و برای کارهایی که از انجام آنها ناتوانم به من نیرو ارزانی دار، و هریک از بندگانست را که نسبت به من قصد سوئی دارد مغلوب خود ساز، ای بهترین

رحم‌کنندگان! خواهشم برآور. هرچه را که از شدت آن در هراسم آسان گردان، و رنج آنچه مرا در هراس اندخته بطرف ساز، هرچه را که از سختی آن هراسام آسان فرما، ای پروردگار جهانیان! اجابت فرما.

خداؤندا! خودبینی، ریا، خود بزرگبینی، پا از حریم فراتر نهادن، رشك، ناتوانی، دودلی، سستی، زیان، بیماریهای گوناگون را از من دور دار. و نیز خذلان و فریب و نیرنگ و فساد را، از گوش و چشم و تمامی اندامم دور نما، و مرا به سوی آنچه دوست می‌داری و تو را خشنود می‌سازد راهنمایی کن، ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان!

خداؤندا! بر محمد و خاندان پاکش درود فrst، و گناهم را بیخش، و کمبودم را پوشیده دار، و ترسم را اینمی بخش، و گناهانم را اندک فرما، و فقرم را به بی‌نیازی مبدل ساز. حاجتم را آسان گردان و از لغزشم درگذر، و آنچه را که دربی آن هستم، و نیز هرچه برایم پنهان و آشکار است، و مواردی را که از تو در هراسم کفایت فرما، ای بهترین رحم‌کنندگان!

بارالها! کارهایم را به تو وامی‌گذارم، و خود را در پناه تو قرار می‌دهم، و به سبب گناهانی که انجام داده و بیم و امیدی که به تو دارم، خود را به تو می‌سپارم. تو بزرگواری هستی که امید را نبریده و خواستار را نالمید نمی‌گردانی. به حق دوست ابراهیم، و هم صحبت موسی، و روحت عیسی، و برگزیده و پیامبرت محمد، از تو می‌خواهم که از من روی گردان نشده، و بزرگواریت را از من دریغ نداری، تا آنکه توبه‌ام را قبول فرمایی و از اشتباهم درگذری، ای بهترین رحم‌کنندگان و عادل‌ترین حکم‌کنندگان!

بار خدايا! از کسی که بر من ستم روا می‌دارد انتقام گیر، و مرا بر هر که با من دشمن است نصرت عطا فرما. خداوندا! مصیبت و گرفتاریم را در دینم مقرر مگردن، و دنیا را مهمترین مقصود و نهایت شناختم قرار نده. خداوندا! دینم را

که مهمترین کارم، و دنیاییم را که راه بدست آوردن معاشم، و آخرتم را که سرانجامم به سوی آنست، اصلاح گردان و زندگی ام را راهی به سوی بدست آوردن هر خیر و برکت، و مرگم را راه رهایی از هر شر و بدی قرار ده.

بارخدا! تو امرزنده‌ای و بخشایش را دوست داری، پس از من درگذر. بارالله! مرا زنده‌دار آنگاه که می‌دانی زندگانی برایم خیر و برکت دربر دارد، و مرا بمیران آن هنگام که می‌دانی مرگ برایم نیکو است. از تو می‌خواهم که در آشکار و نهان، ترس و بیم از خودت را به من ارزانی داری، و در خشم و رضامندی، عدل و داد به من عطا فرمای. خداوند! از تو می‌خواهم در فقر و بی‌نیازی میانه‌روی به من عطا کنی، و از تو نعمتی بی‌نهایت و خرسند کننده که قطع نگردد، و نیز خشنودی بعد از قضا و قدر را خواهانم، و از تو لذت دیدارت را جویا هستم.

پروردگارا! برای ارشاد در کارهایم از تو هدایت می‌جوییم، و از خواهش نفس به تو پناه می‌برم. خداوند! کار رشت انجام داده و به خود ستم روا داشته‌ام، پس از من درگذر که جز تو کسی گناهان را نمی‌بخشد. بارالله! از تو تعجیل در سلامتی، و بردباری در سختیها و شدائی، و خروج از دنیا به سوی رحمت را خواستارم.

پروردگارا! تو و فرشتگان و حاملان عرشت، و آنچه در آسمانها و زمین است را شاهد می‌گیرم، که تو خداوندی هستی که جز تو خدایی نیست، و برای تو شریکی وجود ندارد، و محمد بنده و فرستاده توست. از تو برآورده شدن حاجاتم را خواهانم؛ چرا که ستایش مخصوص تو بوده و معبدی جز تو نیست، و آفریننده آسمانها و زمین هستی، ای کسی که قبل از وجود هر موجودی وجود داشته، و هر چیز را ایجاد کرده، و بعد از آنکه هیچ موجودی وجود ندارد، باز وجود داری.

خداؤندا! چشممان را به سوی رحمت دوخته، و دستهایم را به سوی بخششت گشوده‌ام، آنگاه که از تو درخواست می‌کنم مرا محروم مکن، و آن هنگام که از تو طلب بخشایش دارم مرا عذاب منما. بارخدايا! مرا ببخشای، چرا که تو به کارهایم دانایی، و مرا عذاب مکن؛ چرا که تو بر من قادر و توانایی، به رحمت ای بهترین رحمکنندگان!

پروردگارا! ای دارای رحمت گسترده، و درودهای نافع و بالا برنده، بر گرامی‌ترین بندهات و محبوب‌ترین آنان نزد تو، و ارزشمندترین ایشان در مقابل تو، محمد، بnde و فرستادهات، که او را به وسائل و اسباب ارزشمند مخصوص گردانده‌ای، درود فرست شریف‌ترین و کامل‌ترین و برترین و فزوونترین و گرامی‌ترین درودی که بر مبلغین فرامینت، و امینان بر وحیت فرستاده‌ای.

خداؤندا! همچنان که کوری و جهالت را با او برطرف ساخته، و درهای هدایت را به وسیله او گشودی، ما را در راههای هدایت او قرار ده، و براهین روشن او را برای ما اسبابی قرار ده که برای رسیدن به تو از آن پیروی کنیم.

پروردگارا! ستایش برای توتست، به گنجایش آسمانهای هفتگانه و طبقات آن، و به گنجایش زمین‌های هفتگانه و آنچه در بین آنهاست، و به گنجایش عرش پروردگار بزرگ ما، و به تعداد مخلوقات پروردگار ما، و به گنجایش بهشت و دوزخ، و مقدار آب و خاک، و به میزان آنچه دیده شده و آنچه دیده نمی‌شود. خداوندا! درودها و برکات‌ت، و متن و بخشش و رحمت، و خشنودی و فضل و سلامت، و ذکر و نور و شرف و نعمت را، بر محمد و خاندانش مقرر فرما، همچنان که درود و برکت و رحمت خود را بر ابراهیم و خاندان او ارزانی داشتی، به درستی که تو ستوده و بزرگوار می‌باشی.

بارالها! وسیله برتر و بهترین پاداشت را در قیامت، به محمد ارزانی دار تا آن که او را در آن روز شرافت عطا فرمایی، ای خداوند هدایت کننده. پروردگارا! بر

محمد و خاندان او، و بر تمامی فرشتگان و پیامبران و رسولان درود فرست.
 سلام بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، و حاملان عرش و فرشتگان مقرب، و
 فرشتگان بزرگوار نویسنده اعمال مردم، و سلام بر تمامی فرشتگان. سلام بر
 پدر ما آدم، و مادر ما حواء، و سلام بر تمامی پیامبران و راستگویان و شهدا و
 صالحان، و سلام بر تمامی رسولان، و سپاس مخصوص خداوند جهانیان است.
 و هیچ حول و قوهای جز از جانب خدای برتر و الاتر نمی‌باشد، و خداوند مرا
 کفایت می‌کند، و او بهترین نگهبان است، و درود خدا بر محمد و خاندانش باد.

تعقیب نماز مغرب

الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَالِيلُونَ، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي لَا يُحْصَى
 نَعْمَائِهُ الْعَادُونَ، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي لَا يُؤَدِّي حَقَّهُ الْمُجْتَهُدُونَ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا
 اللَّهُ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُحِبِّي
 وَ الْمُمِيتُ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الطَّوْلِ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الْبَقَاءِ الدَّائِمِ، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ
 الَّذِي لَا يَدْرِكُ الْعَالَمُونَ عِلْمَهُ، وَ لَا يَسْتَخِفُ الْجَاهِلُونَ حِلْمَهُ، وَ لَا يَبْلُغُ
 الْمَادِحُونَ مِدْحَتَهُ، وَ لَا يَصِفُ الْوَاصِفُونَ صِفَتَهُ، وَ لَا يُحْسِنُ الْخَلُقُ نَعْتَهُ.
 وَ الْحَمْدُ لِلّهِ ذِي الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ، وَ الْعَظَمَةِ وَ الْجَبَرُوتِ، وَ
 الْكِبْرَيَاءِ وَ الْجَلَلِ، وَ الْبَهَاءِ وَ الْمَهَابَةِ، وَ الْجَمَالِ وَ الْعِزَّةِ، وَ الْقُدْرَةِ وَ
 الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ وَ الْمِنَّةِ، وَ الْغَلَبةِ وَ الْفَضْلِ، وَ الطَّوْلِ وَ الْعَدْلِ، وَ الْحَقِّ وَ
 الْخَلْقِ، وَ الْعَلَا وَ الرَّفْعَةِ، وَ الْمَجْدِ وَ الْفَضْيَلَةِ، وَ الْحِكْمَةِ وَ الْغُنَاءِ، وَ
 السَّعَةِ وَ الْبُسْطِ وَ الْقَبْضِ، وَ الْحِلْمِ وَ الْعِلْمِ، وَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ، وَ النِّعَمَةِ
 السَّابِغَةِ، وَ الشَّيْءَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ، وَ الْأَلَاءِ الْكَرِيمَةِ، مَلِكِ الدُّنْيَا وَ
 الْآخِرَةِ وَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ مَا فِيهِنَّ، تَبَارَكَ اللَّهُ وَ تَعَالَى. الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي

عِلْمَ أَسْرَارِ الْغَيْوِبِ، وَأَطْلَعَ عَلَى مَا تَجْنِي الْقُلُوبُ، فَلَيْسَ عَنْهُ مَذْهَبٌ وَ لَا مَهْرَبٌ.

الْحَمْدُ لِلّهِ الْمُتَكَبِّرِ فِي سُلْطَانِهِ، الْعَزِيزُ فِي مَكَانِهِ، الْمُتَجَبِّرُ فِي مُلْكِهِ، الْقَوِيُّ فِي بَطْشِهِ، الرَّفِيقُ فَوْقَ عَرْشِهِ، الْمُطْلِعُ عَلَى خَلْقِهِ، وَ الْبَالِغُ لِمَا أَرَادَ مِنْ عِلْمِهِ.

الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي بِكَلِمَاتِهِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ الشَّدَادُ، وَ ثَبَتَتِ الْأَرْضُونَ الْمِهَادُ، وَ أَنْتَصَبَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِيُّ الْأَوْتَادُ، وَ جَرَتِ الرِّيَاحُ الْلَّوَاقيْحُ، وَ سَارَتِ فِي جَوِ السَّمَاءِ السَّحَابُ، وَ وَقَفَتِ عَلَى حُدُودِهَا الْبِحَارُ، وَ وَجَلَتِ الْقُلُوبُ عَنْ مَخَافَتِهِ، وَ أَنْقَمَتِ الْأَرْبَابُ لِرُبُوبِيهِ، تَبَارَكْتِ يَا مَحْصِي قِطْرِ الْمَطَرِ، وَ وَرَقِ الشَّجَرِ، وَ مُحْيِي أَجْسَادِ الْمَوْتَى لِلْحَشْرِ. سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْأَكْرَامِ، مَا فَعَلْتَ بِالْغَرِيبِ الْفَقِيرِ إِذَا أَتَاكَ مُسْتَجِيراً مُسْتَغِيشاً؟ مَا فَعَلْتَ بِمَنْ أَنَّا خِيَّبَنَاكَ وَ تَعَرَّضَ لِرِضاكَ وَ غَداَ إِلَيْكَ بَعْثَا بَيْنَ يَدِيْكَ يَشْكُو إِلَيْكَ مَا لَا يُخْفِي عَلَيْكَ؟ فَلَا يُكُونَنَ يَا رَبَّ حَظِيْ منْ دُعَائِي الْحِرْمَانِ، وَ لَا نَصِيبِي مِمَّا أَرْجُو مِنْكَ الْخِذْلَانِ. يَا مَنْ لَمْ يَزِلْ وَ لَا يَزَالُ، وَ لَا يَزُولُ كَمَا لَمْ يَرُلْ قَائِمًا عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ جَعَلَ أَيَّامَ الدُّنْيَا تَرُولُ وَ شُهُورَهَا تَحُولُ وَ سِنِيهَا تَدُورُ وَ أَنْتَ الدَّائِمُ لَا تُبْلِيَكَ الْأَزْمَانُ، وَ لَا تُغَيِّرُكَ الدُّهُورُ. يَا مَنْ كُلُّ يَوْمٍ عِنْدَهُ جَدِيدٌ، وَ كُلُّ رِزْقٍ عِنْدَهُ عَيْدٌ لِلْضَّعِيفِ وَ الْقَوِيِّ وَ الشَّدِيدِ، قَسَمْتَ الْأَرْزَاقَ بَيْنَ الْخَلَاثِقِ فَسَوَّيْتَ بَيْنَ الذَّرَّةِ وَ الْعَصْفُورِ.

اللَّهُمَّ إِذَا ضَاقَ الْمَقَامُ بِالنَّاسِ فَنَعُوذُ بِكَ فِي ضِيقِ الْمَقَامِ. اللَّهُمَّ إِذَا طَالَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ عَلَى الْمُجْرِمِينَ فَقَصِّرْ طُولَ ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَيْنَا كَمَا بَيْنَ

الصَّلَاةِ إِلَى الصَّلَاةِ。 اللَّهُمَّ إِذَا دَنَتِ الشَّمْسُ مِنَ الْجَمَاجِمِ فَكَانَ يَيْنَهَا وَ
بَيْنَ الْجَمَاجِمِ مِقْدَارُ سَبِيلٍ وَ زِيدًا فِي حَرْ هَا حَرُّ عَشْرِ سِينِ فَإِنَا نَسْأَلُكَ أَنْ
تُظِلَّنَا بِالْغَمَامِ وَ تَنْصِبَ لَنَا الْمَنَابِرَ وَ الْكَرَاسِيَّ نَجْلِسُ عَلَيْهَا وَ النَّاسُ
يَنْطَلِقُونَ فِي الْمَقَامِ، أَمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَحْقُّ هَذِهِ الْمَحَامِدِ إِلَّا غَفَرْتَ لِي وَ تَجَاوَزْتَ عَنِي وَ
أَبْسَنْتَنِي الْعَافِيَةَ فِي بَدْنِي، وَ رَزَقْتَنِي السَّلَامَةَ فِي دِينِي، فَإِنِّي أَسْأَلُكَ وَ أَنَا
وَاثِقٌ بِإِجَائِكَ إِيَّاهُ فِي مَسْأَلَتِي وَ أَدْعُوكَ وَ أَنَا عَالَمٌ بِاسْتِمَاعِكَ دَعْوَتِي،
فَاسْتَمِعْ دُعَائِي، وَ لَا تَنْقُطْعَ رَجَائِي وَ لَا تَرْدَ ثَنَاءِي وَ لَا تَخِيَّبْ دُعَائِي، أَنَا
مُحْتَاجٌ إِلَى رِضْوَانِكَ وَ فَقِيرٌ إِلَى عُفْرَانِكَ، أَسْأَلُكَ وَ لَا يَأْمُسُ مِنْ
رَحْمَتِكَ، وَ أَدْعُوكَ وَ أَنَا غَيْرُ مُعْتَرِزٍ مِنْ سَخَطِكَ. رَبُّ فَاسْتَجِبْ لِي
وَ أَمْنِنْ عَلَيَّ بِعْفِوكَ، تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَ الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ. رَبُّ لَا تَمْغَنِي
فَضْلَكَ يَا مَنَانُ، وَ لَا تَكْلِنِي إِلَى نَفْسِي مَخْذُولًا يَا حَنَانُ. رَبُّ أَرْحَمْ عِنْدَ
فِرَاقِ الْأَحِبَّةِ صَرْعَتِي، وَ عِنْدَ سُكُونِ الْقَبْرِ وَ حَدَّتِي، وَ فِي مَفَازَةِ الْقِيَامَةِ
غَرَبَتِي، وَ بَيْنَ يَدِيكَ مُوقَفًا لِلْحِسَابِ فَاقْتَيَ.

رَبُّ أَسْتَجِيرُكَ مِنَ النَّارِ فَأَجِرْنِي. رَبُّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعَدْنِي.
أَفْزَعُ إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ فَأَبْعَدْنِي. رَبُّ أَسْتَرِحْمُكَ مَكْرُوْبًا فَأَرْحَمْنِي. رَبُّ
أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا جَهَلْتُ فَأَغْفِرْلِي. قَدْ أَبْرَزَنِي الدُّعَاءُ لِلْحَاجَةِ إِلَيْكَ
فَلَا تُنْهِيَنِي يَا كَرِيمُ ذَا الْأَلَاءِ وَ الْأَحْسَانِ وَ التَّجَاوِزِ.

يَا سَيِّدِي يَا بَرُّ يَا رَحِيمُ أَسْتَجِبْ بَيْنَ الْمُتَضَرِّعِينَ إِلَيْكَ دَعْوَتِي، وَ
أَرْحَمْ بَيْنَ الْمُتَسْتَجِبِينَ بِالْعَوْيِلِ عَبْرَتِي، وَ آجَعْلُ فِي لِقَائِكَ يَوْمَ الْخُروجِ
مِنَ الدُّنْيَا رَاحِتِي وَ أَسْتُرِيَّنَ الْأَمْوَاتِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ عَوْرَتِي، وَ آعْطِفْ

عَلَى عِنْدِ التَّحَوُّلِ وَحِيداً إِلَى حُفْرَتِي، إِنَّكَ أَمْلَى وَمَوْضِعُ طَلِبَتِي وَالْعَارِفُ بِمَا أُرِيدُ فِي تَوْجِيهِ مَسَأْلَتِي، فَاقْضِ يَا قاضِي الْحَاجَاتِ (حاجَتِي) فَإِنِّي أَمْسِكُ بِمَا أَمْسَكْتُ وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَالْمُرْتَجَى، أَفْرِيلَيَّكَ هارِبًا مِنَ الذُّنُوبِ فَاقْبَلْنِي، وَأَتَجِئُ مِنْ عَدْلِكَ إِلَى مَغْفِرَتِكَ فَأَذْرِكْنِي، وَأَنْتَ ذُ بِعْفُوكَ مِنْ بَطْشِكَ فَامْعَنِي، وَأَسْتَرْوُحُ رَحْمَتَكَ مِنْ عِقَابِكَ فَنَجَّنِي، وَأَطْلُبُ الْفَرِبَةِ مِنْكَ بِالْاسْلَامِ فَقَرَبْنِي، وَمِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فَآمِنِي، وَفِي ظِلِّ عَرْشِكَ فَظَلَلْنِي، وَكَفِلَيْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ فَهَبْ لِي، وَمِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا فَنَجَّنِي، وَمِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ فَأَخْرِجْنِي، وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ فَبَيْضُ وَجْهِي، وَحِسَابًا يَسِيرًا فَحَاسِبْنِي، وَبِسَرَائِرِي فَلَا تَفْضَحْنِي، وَعَلَى بَلَاتِكَ فَصَبَرْنِي، وَكَمَا صَرَفْتَ عَنْ يُوسُفَ السُّوءَ وَالْفُحْشَاءَ فَاصْرَفْهُ عَنِّي، وَمَا لَأَطْاقَةَ لِي بِهِ فَلَا تُحَمِّلْنِي، وَإِلَى دَارِ السَّلَامِ فَاهْدِنِي، وَبِالْقُرْآنِ فَانْعَنِي، وَبِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فَشَبَّنِي، وَمِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَاحْفَظْنِي، وَبِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَجَبْرُوتِكَ فَاعْصِمْنِي، وَبِحَلْمِكَ وَعِلْمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ مِنْ جَهَنَّمَ فَنَجَّنِي، وَجَنَّتِكَ الْفِرْدَوْسَ فَأَسْكِنِي، وَالنَّظَرَ إِلَى وَجْهِكَ فَأَرْزُقْنِي، وَبِنِيَّكَ مُحَمَّدَ فَالْحَقِّيَّ، وَمِنَ الشَّيَاطِينِ وَأُولِيَّاَهُمْ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍ فَاكْفِنِي.

اللَّهُمَّ وَأَعْدَائِي وَمَنْ كَادَنِي بِسُوءٍ إِنْ آتَوْا بَرًّا فَجَبَّنْ شَجَعَهُمْ، فُضَّلْ جَمْعَهُمْ، كُلُّ سِلَاحَهُمْ، عَرْقَبُ دَوَابَهُمْ، سَلْطُ عَلَيْهِمُ الْعَوَاصِفَ وَالْقَوَاصِفَ أَبَدًا حَتَّى تُصْلِيَهُمُ النَّارَ، أَنْزَلْهُمْ مِنْ صَيَاصِيهِمْ، أَمْكِنَنَا مِنْ نَوَاصِيهِمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمَيْنَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَّاً يَشْهُدُ الْأَوَّلُونَ مَعَ الْأَبْرَارِ وَسَيِّدِ الْمُتَّقِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّنَ وَقَائِدِ

الْخَيْرُ وَ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ، وَ الشَّهْرِ الْحَرَامِ، وَ رَبَّ الْمَسْعَرِ الْحَرَامِ، وَ
 رَبَّ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، وَ رَبَّ الْحِلْ وَ الْأَحْرَامِ، أَبْلِغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنَّا
 التَّحْسِيَّةَ وَ السَّلَامَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ،
 سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ،
 فَهُوَ كَمَا وَصَفْتَهُ بِالْمُؤْمِنِينَ رَوْفٌ رَحِيمٌ. اللَّهُمَّ أَعْطِهِ أَفْضَلَ مَا سَأَلَكَ وَ
 أَفْضَلَ مَا سَأَلْتُ لَهُ وَ أَفْضَلَ مَا هُوَ مَسْؤُولٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، أَمِينَ رَبَّ
 الْعَالَمِينَ.^۱

سپاس و ستایش خداوندی را سزاست که ستایش او را گویندگان به شمارش در نیاورند. سپاس و ستایش خداوندی را سزاست که نعمتهايش را شمارندگان نشمارند. سپاس شایسته خداوندی است که حقش را تلاشگران ادا ننمایند. نیست معبدی جز او که هم اول است و هم آخر. نیست معبدی جز او که هم ظاهر است و هم باطن. نیست معبدی جز او که هم زنده کننده است و هم میراننده. او خداوند برتر است و صاحب فضل. او خداوند برتر است و باقی و جاویدان. سپاس مخصوص خداوندی است که دانایان به ژرفای دانشش نمی‌رسند، و نادانان بردباری او را از بین نبرند، و ستایشگران به مدح او دست نیابند. و وصف‌کنندگان در وصف او عاجز، و مخلوقات از دست یافتن به کمالاتش ناتوانند.

سپاس خداوندی را شاید که ملک و ملکوت از اوست. خداوندی که عظمت و جبروت، عزّت و کبریا، بها و جلال، مهابت و جمال، عزّت و قدرت، نیرو و منّت، غلبه و فضل و نعمت، عدل و حق، آفرینش و برتری، رفتت و مجد، فضیلت و

حکمت، بی نیازی و وسعت، بسط و قبض، و حلم و علم جمله از آن اوست. کسی که دارای دلیل روشن، و نعمت گستردگ، و توصیف زیبا، و نعمتهای گرامی است. و پادشاه دنیا و آخرت، و بهشت و جهنم و آنچه در آنهاست، می باشد. سپاس و ستایش شایسته خداوندی است که رازهای پنهانی را می داند، و بر اسرار قلبها آگاه است و راه فراری از او یافت نمی شود.

سپاس خداوندی را سزاست که در سلطنتش متکبر، و در جایگاهش محکم، و در پادشاهیش قدرتمند، و در مجازات نمودنش نیرومند، و در بالای عرش برتر است. خداوندی که آگاه به اعمال مردم است، و توانا بر آنچه می خواهد.

ستایش از آن خداوندی است که به نیروی او آسمانهای محکم بپیا ایستاده، و زمینهای گاهواره مانند بر جای خود ثابت گردیده اند. کوههای استوار که باعث تثییت زمین هستند می خکوب شده، و بادهای بارور کننده جریان می بایند، ابرها در آسمان به حرکت درآمده، و دریاها در محدوده خود متوقف گردیده اند، و قلبها از بیم او به لرزه درمی آیند، و خداوندگاران موهوم در برابر ربویت او خوار و ذلیلند. خجسته باد شمارنده عدد قطره های باران و برگهای درختان، و زنده کننده مردگان برای گرد آمدن در روز قیامت. منزه باد خداوندی که دارای جلالت و کرم است. خداوند! در مقابل غریب و نیازمند، آنگاه که به تو پناهنده شود و از تو یاری جوید، چه می کنی؟ در برابر کسی که به درگاه تو آمد و خشنودیت را می جوید، و در پیشگاه تو بر زمین افتاده، و از آنچه که بدان دانایی شکایت می کند، چه می کنی؟ بارالها! بهره ام را از التجایم نامیدی قرار مده، و نصیبیم را از آنچه که از تو امید دارم بیچارگی مقرر نفرما، ای کسی که همواره بوده و جاودانه خواهد بود و بر اعمال بندگان آگاه است. ای کسی که روزهای دنیا را درگذر، و ماههای آن را در تحول، و سالهای آن را در حال گردش قرار داد. تو همواره خواهی بود و ازمنه تو را نابود نخواهند ساخت، و ادوار در تو تغییر نتوانند داد. ای

کسی که هر روز برای او تازه است، و حضه و روزی هر کس، از ضعیف و قوی و شدید نزد او آماده است. تو روزیها را بین بندگان تقسیم می‌کنی، و بین مخلوقات عدالت را برقرار می‌نمایی. خداوند! آنگاه که میان مردم بودن دشوار می‌باشد از دشواری آن به تو پناه می‌برم. بارالله! آنگاه که روز قیامت بر گنهکاران طولانی می‌گردد، آن روز را مانند فاصله بین دو نماز بر ما کوتاه گردان. بارالله! آنگاه که خورشید در روز قیامت به شدت تابیده و نزدیک مردم می‌گردد، و فاصله بین آن و مردم یک میل می‌شود، و به اندازه ده سال حرارت آن افزایش می‌یابد، از تو می‌خواهم که ما را در سایه رحمت خود قرار داده، و در حالی که مردم برای حسابرسی می‌روند جایگاههایی برای ما مقرر فرمایی که بر آنها قرار گیریم. ای پروردگار جهانیان! خواهانم که اجابت فرمایی.

خداوند! به حق این ستایشها از من درگذر، و مرا مورد غفران خود قرار ده، و سلامتی در بدن و دین را به من عنایت فرما. پروردگار! در حالی که به اجابت خواسته‌ام از جانب تو اطمینان دارم، از تو حاجتم را خواهانم، و در حالی که می‌دانم سخنم را می‌شنوی، تو را می‌خوانم. پس دعايم را بشنو، و اميد را قطع نکن، و مدح و ثنایم را رد ننما، و ناميدم مکن؛ چرا که من نیازمند خشنودی و بخشش تو هستم، و از تو حاجت خواسته و از رحمت مأیوس نیستم، و تو را می‌خوانم در حالی که از غصب تو هراسان می‌باشم. خداوند! دعايم را اجابت فرما، و با بخششت بر من متنگذار، و مرا مسلمان بمیران، و به صالحین ملحق بفرما. ای پروردگار من! ای متن! مرا از فضل خود منع مکن، و در حال بیچارگی به خود و امگذار، ای مهربان! بارالله! رحم کن زمین خوردنم را هنگام مرگ و فراق دوستان، و تنها یم را هنگام جای گرفتن در قبر، و غربتم را در روز قیامت، و نیازم را آن هنگام که برای حسابرسی در پیشگاهت قرار می‌گیرم.

خداوند! از آتش دوزخ به تو پناه می‌برم، پناهم ده. بارالله! از تو نجات از

آتش را خواهانم، نجاتم ده. پروردگارا! از هراس آتش به تو روی می‌آورم، مرا از آتش دور دار. خداوند! با بیچارگی از تو رحمت می‌طلیم، مرا از رحمت خود مأیوس مفرما. پروردگارا! در برابر نادانیهای خود از تو طلب بخشش دارم، مرا مورد بخشش خود قرار ده. خداوند! خواسته‌ام مرا در مقابل تو برای طلب حاجت قرار داد، پس مرا مأیوس مکن، ای بزرگوار و صاحب نعمتها و احسان و گذشت از خطاهای!

مولای من! ای نیکوکار و ای مهربان! در بین زاری کنندگان دعایم را اجابت فرما، و در میان فریاد زنندگان سرشک دیده‌ام را مورد رحمت خود قرار ده، و آسایش مرا هنگام ملاقات تو، آن زمان که از این دنیا رخت می‌بندم، مقرر فرما. ای نهایت امید امیدواران! در میان مردگان عییم را پیوشان، و آنگاه که به تنها‌یی در میان قبر قرار می‌گیرم بر من لطف نما، به درستی که تو آرزوی من، و جایگاه ابراز خواسته‌هایم، و دانا به حاجتها‌یم هستی. ای برآورنده حاجتها! خواسته‌هایم را برآور، شکایتم به درگاه توست، و تو یاور و امید من هستی. از گناهانم به درگاه تو می‌گریزم. پس مرا پذیرا باش، و از عدالت تو به سوی غفران و بخشش پناه می‌برم. خداوند! مرا دریاب، و از خشمت به بخشش پناه می‌جوییم، پناهم ده، و از عقاب تو با دستاویز قرار دادن رحمت آسودگی می‌طلیم، مرا نجات ده. من با دین اسلام خواستار نزدیکی به توأم. مرا به خود نزدیک گردان، و از هراس روز قیامت ایمن دار، و در سایه عرشت جایگاهم ده، و مشمول رحمت گردان، و از قرآن بهره‌مندم ساز و با گفتار صحیح مرا ثابت قدم گردان، و از شیطان رانده شده حفظ فرما، و در بهشت فردوس ساکن گردان، و دیدار رویت را نصیبیم نما. مرا به پیامبرت محمد ملحق کن، و از شیاطین و دوستان آنها و از شرّ هر شروری کفایت فرما.

پروردگارا! دشمنانم و کسانی که نسبت به من کینه در دل دارند، اگر قصد آزار

مرا نمودند، قلب شجاعانشان را ضعیف، لشکریانشان را متفرق، سلاحهایشان را از کار افتاده، و حیواناتشان را ناتوان گردان. پس آنگاه بادهای سخت و طوفانها را بر آنان مسلط فرما، تا ایشان را به آتش وارد سازی. آنان را از آنچه که بدان پناه جسته‌اند فرود آور، و ما را بر نابودیشان قادر فرما. ای پروردگار جهانیان اجبات فرما! خداوند! بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که پیشینیان به همراه نیکان، و پیشوای فرستاده‌شدگان و آخرین پیامبران، و راهبر خیر و کلید رحمت بر آن شاهد باشند.

بارالها! ای پروردگار خانه کعبه و ماه مقدس - ماه ذیحجه - و مشعر محترم. ای پروردگار رکن و مقام! و ای پروردگار حل و حرم! به روح مقدس محمد از جانب ما سلام و درود فرست. سلام بر تو ای فرستاده خدا، و سلام بر تو ای امین خدا، سلام بر تو ای محمد بن عبدالله، سلام و رحمت و برکات الهی بر تو باد. محمد آنچنان که توصیفش فرموده‌ای به مؤمنان مهریان و دلسوز است. خداوند! برتر از آن‌چه از تو خواسته، و برای او تاکنون خواسته شده، و تا روز قیامت برای او خواسته می‌شود، به او عطا کن، ای پروردگار جهانیان! اجبات فرما.

تعقیب نماز عشاء

سُبْحَانَ مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ خَصَّ كُلُّ شَيْءٍ لِأَمْرِهِ وَ مُلْكِهِ، سُبْحَانَ مَنْ آنْقادَتْ لَهُ الْأُمُورُ بِأَزْمَتِهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُنْسِي مَنْ ذَكَرَهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ سَامِكِ السَّمَاءِ، وَ سَاطِحِ الْأَرْضِ، وَ حَاسِرِ الْبَحَارِ، وَ نَاصِدِ الْجَبَالِ، وَ بارِئِ الْحَيْوَانِ، وَ خَالِقِ الشَّجَرِ، وَ فَاتِحِ يَنَابِيعِ الْأَرْضِ وَ مُدَبِّرِ الْأُمُورِ وَ

مُسَيِّرُ السَّحَابِ وَ مُجْرِي الرِّيحِ وَ الْمَاءِ وَ النَّارِ مِنْ أَغْوَارِ الْأَرْضِ
مُتَصَاعِدَاتٍ فِي الْهَوَاءِ، وَ مُهْبِطٌ الْحَرَّ وَ الْبَرْدُ، الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَسْتَعِدُ
الصَّالِحَاتُ، وَ يُشْكُرُهُ تُسْتَوْجَبُ الزِّيَادَاتُ، وَ بِأَمْرِهِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ، وَ
بِعِزَّتِهِ آسْتَقَرَتِ الرَّاسِيَاتُ، وَ سَبَحَتِ الْوُحُوشُ فِي الْفَلَوَاتِ وَ الطَّيْرُ فِي
الْمُوْكَنَاتِ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَفِيع الدَّرَجَاتِ، مُنْزَلُ الْآيَاتِ، وَاسِعُ الْبَرَكَاتِ، سَاطِرُ
الْعَوْرَاتِ، قَابِلُ الْحَسَنَاتِ، مُقْبِلُ الْعَثَرَاتِ، مُسْنَفُ الْكُرُبَاتِ، مُنْزَلُ
الْبَرَكَاتِ، مُحِيبُ الدَّعَوَاتِ، مُحْبِي الْأَمْوَاتِ، إِلَهٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ
السَّمَوَاتِ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ وَ ذِكْرٍ، وَ شُكْرٍ وَ صَبْرٍ، وَ صَلَاةً وَ زَكَاةً، وَ
قِيَامً وَ عِبَادَةً، وَ سَعَادَةً وَ بَرَكَةً، وَ زِيَادَةً وَ رَحْمَةً، وَ نِعْمَةً وَ كَرَامَةً وَ
فَرِيضَةً، وَ سَرَاءً وَ ضَرَاءً، وَ شِدَّةً وَ رَخَاءً، وَ مُصِيبَةً وَ بَلَاءً، وَ عُسْرً وَ
يُسْرً وَ غِنَاءً وَ فَقْرً، وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَ فِي كُلِّ أَوَانٍ وَ زَمَانٍ، وَ كُلُّ مُثُوى
وَ مُنْقَلِبٍ وَ مَقَامٍ.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَايَدُكَ فَأَعَدْنِي، وَ مُسْتَحِيرُكَ فَأَجْرِنِي، وَ مُسْتَعِينٌ بِكَ
فَأَعِنِي، وَ مُسْتَغِيثُ بِكَ فَأَغْشِي، وَ دَاعِيَكَ فَأَجْبِنِي، وَ مَسْتَغْفِرُكَ فَاغْفِرْلِي
وَ مُسْتَنْصِرُكَ فَانْصُرْنِي، وَ مُسْتَهْدِيَكَ فَاهْدِنِي، وَ مُسْتَكْفِيَكَ فَاكْفِنِي، وَ
مَلْتَجِئَكَ فَأَوْنِي، وَ مُتَمَسِّكُ بِحَبْلِكَ فَاعْصِمْنِي، وَ مُتَوَكِّلُ عَلَيْكَ
فَاكْفِنِي، وَ آجْعَلْنِي فِي عِبَادِكَ، وَ جِوارِكَ، وَ حِرْزِكَ، وَ كِنْفِكَ، وَ
حِيَاطِكَ، وَ حَرَاسَتِكَ، وَ كِلَاثَتِكَ وَ حُرْمَتِكَ، وَ أَمَكَ، وَ تَحْتَ ظِلِّكَ، وَ
تَحْتَ جَنَاحِكَ، وَ آجْعَلْ عَلَى جُنَاحَةً وَاقِيَةً مِنْكَ، وَ آجْعَلْ حِفْظَكَ، وَ

حِيَاطَتَكَ وَ حَرَاسَتَكَ، وَ كِلَائِتَكَ مِنْ وَرَائِي، وَ أَمَامِي، وَ عَنْ يَمِينِي، وَ عَنْ شِمَالِي، وَ مِنْ فَوْقِي، وَ مِنْ تَحْتِي، وَ حَوَالَى حَتَّى لَا يَصِلَّ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ إِلَى مَكْرُوهِي وَ أَذَائِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَانُ، بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ذُو الْجَلَلِ وَ الْإِكْرَامِ.

اللَّهُمَّ أَكْفِنِي حَسَدَ الْحَاسِدِينَ، وَ بَغْنِي الْبَاغِينَ، وَ كَيْدَ الْكَايْدِينَ، وَ مَكْرُ الْمَاكِرِينَ، وَ حِيلَةَ الْمُحْتَالِينَ، وَ غِيلَةَ الْمُغْتَالِينَ، وَ غَيْبَةَ الْمُعْتَابِينَ، وَ ظُلْمَ الظَّالِمِينَ، وَ جَوْرَ الْجَائِرِينَ، وَ آعْتِدَاءَ الْمَعْتَدِينَ، وَ سَخَطَ الْمُتَسَخِّطِينَ، وَ تَسْحُبَ الْمُتَسَحِّبِينَ، وَ صَوْلَةَ الصَّائِلِينَ، وَ آقْتِسَارَ الْمُقْسِرِينَ، وَ غَشْمَ الْغَاشِمِينَ، وَ خَبْطَ الْخَابِطِينَ، وَ سِعَايَةَ السَّاعِينَ، وَ نَمَامَةَ النَّمَامِينَ، وَ سِحْرَ السَّحَرَةِ وَ الْمَرَدَةِ وَ الشَّيَاطِينِ، وَ جَوْرَ السَّلَاطِينَ، وَ مَكْرُوهَ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ الَّذِي قَامَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ، وَ أَشْرَقَتْ لَهُ الظُّلْمُ، وَ سَبَحَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ، وَ وَجَلَتْ مِنْهُ الْقُلُوبُ، وَ خَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ، وَ أَحْيَيْتَ بِهِ الْمَوْتَى أَنْ تَغْفِرَ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْبَتُهُ فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ وَ ضَوْءِ النَّهَارِ، عَمْدًا أَوْ خَطَاءً، سِرًا أَوْ عَلَاتِيَّةً، وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً، وَ هَدِيَاً، وَ نُورًا وَ عِلْمًا، وَ فَهْمًا حَتَّى أُقِيمَ كِتَابَكَ، وَ أُحِلَّ حَلَالَكَ، وَ أُحَرِّمَ حَرَامَكَ، وَ أُؤْدِي فَرَائِضَكَ، وَ أُقِيمَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ.

اللَّهُمَّ الْحَقِّيْنِي بِصَالِحٍ مَنْ مَضِيَ، وَ أَجْعَلْنِي مِنْ صَالِحٍ مَنْ بَقَى، وَ آخِتِمْ لِي عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ، إِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ. اللَّهُمَّ إِذَا فَنَى عُمْرِي، وَ تَصَرَّمْتُ أَيَّامَ حَيَايِي، وَ كَانَ لَابِدَّ لِي مِنْ لِقَائِكَ فَأَسْأَلُكَ يَا لَطِيفُ أَنْ

تُوجِّبَ لِي مِنَ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا يَغْطِئُنِي بِهِ الْأَوْلُونَ وَالآخِرُونَ.

اللَّهُمَّ أَقْبِلُ مِدْحَاتِي وَالْتَّهَافِي، وَأَرْحَمْ ضَرَاعَتِي وَهُتَافِي، وَاقْرَارِي
عَلَى نَفْسِي وَأَعْتَرَافِي، فَقَدْ أَسْمَعْتَكَ صَوْتِي فِي الدُّاعِينَ، وَخُشُوعِي
فِي الصَّارِعِينَ، وَمِدْحَاتِي فِي الْقَائِلِينَ وَتَسْبِيحِي فِي الْمَادِحِينَ، وَأَنْتَ
مُحِبُّ الْمُضْطَرِّينَ، وَمُغِيثُ الْمُسْتَغْثِينَ، وَغِياثُ الْمَلْهُوفِينَ، وَحُرْزُ
الْهَارِبِينَ، وَصَرِيخُ الْمُؤْمِنِينَ، وَمُقِيلُ الْمُذْنِبِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى الْبَشِيرِ
النَّذِيرِ، وَالسَّرَّاجِ الْمُنِيرِ، وَعَلَى جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ وَالنِّبِيِّنَ.

اللَّهُمَّ دَاحِي الْمَدْحُوَاتِ، وَبَارِي الْمَسْمُوَكَاتِ، وَجَبَّالَ الْقُلُوبِ عَلَى
فِطْرَتِهَا شَقَّيْهَا وَسَعِيدَهَا، إِجْعَلْ شَرِيفَ صَلَواتِكَ وَنَوَامِيَ بَرَكَاتِكَ وَ
رَوَافِهِ تَحِيَاكَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ، وَرَسُولِكَ، وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ،
الْقَائِمِ بِحَجَّتِكَ، وَالذَّابِّ عَنْ حَرَمِكَ، وَالصَّادِعِ بِأَمْرِكَ، وَالْمُشَيدِ
بِآيَاتِكَ، وَالْمُوْفِي لِنَذْرِكَ.

اللَّهُمَّ فَاعْطِهِ بِكُلِّ فَضْلِهِ مِنْ فَضْلِهِ، وَمُنْقَبَةِ مِنْ مَنْاقِبِهِ، وَحَالِ مِنْ
أَحْوَالِهِ، وَمَنْزِلَةِ مِنْ مَنَازِلِهِ رَأَيْتَ مُحَمَّدًا لَكَ فِيهَا نَاصِرًا، وَعَلَى مَكْرُوهِ
بِلَائِكَ صَابِرًا، وَلِمَنْ عَادَكَ مَعَادِيًّا، وَلِمَنْ وَالَّكَ مُوَالِيًّا، وَعَنْ مَا
كَرِهْتَ نَائِيًّا، وَإِلَى مَا أَحْبَبْتَ داعِيًّا فَضَائِلَ مِنْ جَزَائِكَ، وَخَصَائِصَ مِنْ
عَطَائِكَ وَحَبَائِكَ تُسْنِي بِهَا أَمْرَهُ، وَتُعْلِي بِهَا دَرَجَتَهُ مَعَ الْقَوَامِ يَقْسِطِكَ،
وَالذَّائِبِينَ عَنْ حَرَمِكَ حَتَّى لَا يَقْنِي سَنَاءً وَلَا بَهَاءً، وَلَا رَحْمَةً وَلَا كَرَامَةً
إِلَّا خَصَصْتَ مُحَمَّدًا بِذَلِكَ، وَأَتَيْتَهُ مِنْهُ الذُّرِّيَّ وَبَلَغْتَهُ الْمَقَامَاتِ الْعُلَى،
أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَنَفْسِي وَجَمِيعَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ. وَاجْعَلْنِي

فِي كَنْفِكَ، وَ حِفْظِكَ، وَ عِزُّكَ، وَ مَنْعِكَ. عَزَّ جَارُكَ، وَ جَلَ شَناؤُكَ وَ تَقَدَّسْتُ أَسْماؤُكَ، وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ، حَسْبِي أَنْتَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَاءِ وَ الشَّدَّةِ وَ الرَّحَاءِ، وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ. رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوْكِلْنَا، وَ إِلَيْكَ أَتَبْنَا، وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ. رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلنَّذِينَ كَفَرُوا، وَ آغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. رَبَّنَا آصْرِفْ عَنَا عَذَابَ جَهَنَّمَ، إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَاماً، إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرَّاً وَ مُقَاماً. رَبَّنَا آفْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ، وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ. رَبَّنَا إِنَّا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفْرْ عَنَا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ. رَبَّنَا وَ آتَنَا مَا وَعَدْنَا عَلَى رُسُلِكَ، وَ لَا تَخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تَخْلُفُ الْمِيعَادَ. رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِيْنَا أَوْ أَخْطَأْنَا، رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتُهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا. رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَ آعْفُ عَنْنَا وَ آغْفِرْ لَنَا وَ آرْحَمْنَا، أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. رَبَّنَا آتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ، وَ صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدِ النَّبِيِّ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيْمًاً.

پاک و منزه است پروردگاری که تمامی موجودات در برابر بزرگی و عظمت او سر تعظیم فرود آورده‌اند. پاک و منزه است آن که همه اشیاء در برابر عزت او خوار و ذلیلند. پاک و منزه است ذاتی که هر چیز در حیطه قدرت او قرار دارد. خاضع می‌باشد. پاک و منزه است آن که هر چیز در حیطه قدرت او قرار دارد. سپاس خداوندی را سزاست که هر که او را یاد کند فراموشش نکند. سپاس از آن خداوندی است که هر که او را بخواند، نامیدش ننماید. سپاس شایسته خداوندی است که هر که بر او تکیه و توکل نماید، او را کفایت کند. سپاس و ستایش

مخصوص خداوندی است که آسمانها را برافراشت، و زمین را مسطح گردانید، و دریاها را محدود ساخت، و کوهها را به سان رشته‌های درآورده، و حیوانات را آفرید، و درختان را ایجاد کرد، و چشم‌های سارانی در زمین بگشود، و امور را تدبیر کرد، و ابرها را به گردش درآورده، و بخار و آب و آتش را از اعماق زمین به سوی آسمان بالا برد، و گرما و سرما را در زمین قرار داد. خداوندی که با نعمتها یش کارهای نیک کامل شده، و شکر او موجب افزایش نعمتها می‌گردد، و با فرمانش آسمانها پایدار گردیده، و با عزّتش کوههای سربرافراشته مستقر گردیده‌اند، و حیوانات وحشی در بیابانها و پرندگان در آشیانه‌ها به تسبیح او مشغولند.

سپاس خداوندی را سزاست که بالا برندۀ درجات، و فرو فرستنده آیات، و گستراننده برکتها، و پوشاننده عیبهای، و قبول کننده نیکیهای، و درگذرنده از لغزشها، و برطرف کننده رنجها، و اجابت کننده خواسته‌ها، و زنده کننده مردگان، و پروردگار زمین و آسمانهاست.

سپاس و ستایش خداوند را، بر هر مرح و ذکری، بر هر شکر و صبری، بر هر نماز و زکاتی، بر هر قیام و عبادتی، بر هر سعادتی، بر هر برکت و زیادتی، بر هر رحمت و نعمتی، بر هر کرامت و واجبی، بر هر خوشی و ناراحتی، بر هر شدت و آسایشی، بر هر مصیبت و بلایی، بر هر سختی و راحتی، بر هر بی‌نیازی و فقری، بر هر حالی، و در هر زمان و هنگامی، و در هر مکان و جایگاه توقف و گذری.

پروردگار!! به تو پناه می‌برم، مرا پناه ده. از تو یاری می‌جویم، یاریم کن. از تو فریادرسی می‌طلبم، به فریادم برس. تو را می‌خوانم، مرا اجابت کن. از تو آمرزش می‌طلبم، مرا ببخش. از تو کمک می‌جویم، مرا کمک نما. از تو هدایت می‌خواهم، مرا هدایت کن. از تو کفایت می‌جویم، مرا کفایت نما. و به سوی تو پناه آورده‌ام، مرا پناه ده. و به ریسمان تو چنگ زده‌ام، مرا حفاظت نما. و بر تو

توکل نموده‌ام، مرا کفایت کن. بارالها! مرا در پناه و حفاظت، و حراست و کفایت، و حرمت و امنیت، و در زیر سایه رحمت خود قرار ده. و بر من سپر محکمی از جانب خود مقرر فرما. از پیشاپیش و پشت سر، و سمت چپ و راست، و از بالا و پایین و اطرافم مرا از جانب خودت حفظ و حراست فرما، تا هیچیک از مخلوقات توان صدمه رساندن به من را نداشته باشند، و مرا مورد آزار خود قرار ندهند، به حق آنکه جز تو معبدی نیست. تو منانی، آفریننده آسمانها و زمینی، صاحب جلالت و بزرگواری هستی.

پروردگارا! حسد حسودان، و تجاوز تجاوزگران، و کید مکاران، و نیرنگ نیرنگ بازان، و حیله حیله گران، و ظلم ستمگران، و جور جائزین، و دشمنی دشمنان، و اجبار اجبارکنندگان، و ستم ظالمان، و ساعیت ساعیتگران، و تهمت تهمت‌زنان، و سحر جادوگران و رانده شده‌ها و شیاطین، و بیداد پادشاهان، و کارهای زشت جهانیان را از من دور دار.

خداؤندا! به نام پوشیده و پاک و پاکیزه‌ات، که آسمانها و زمین بدان استوار شده، و تاریکیها بدان درخشان گردیده، و فرشتگان بدان تسبیح گو شده، و قلبها از آن در هراس افتاده، و گردنها به خاطرش کج گردیده، و مردگان بدان زنده می‌شوند، از تو می‌خواهم که هر گناهی را که از روی عمد و خطأ، آشکار و نهان، در تاریکیهای شب و روشنایی روز، انجام داده‌ام ببخشایی و به من یقین و هدایت، و نور و علم و فهمی عنایت کنی، که احکام کتابت را بربپا داشته، و حلالت را حلال، و حرامت را حرام نموده، و واجبات را انجام و سنت پیامبرت محمد را بربپا دارم.

بارالها! مرا به نیکان گذشته ملحق کن، و از درستکاران باقیمانده قرار ده، و اعمالم را به نیکوترين آنها خاتمه بخش، به درستی که تو آمرزنده و مهربانی. پروردگارا! آنگاه که عمرم به پایان رسیده، و روزگار زندگیم خاتمه یافته، و باید به

ملاقات تو آیم، ای مهریان! از تو می‌خواهم که منزلی در بهشت به من عنایت کنی، که تمام مخلوقات از اولین و آخرین بدان حسرت خورند.
خداوند! ستایشم را پذیرا باش، و به تصرّع و زاریم، و نیز اقرار و اعترافم بر علیه نفسم ترّحّم نما. صدایم را همراه خوانندگان تو، و خشوعم را همراه تصرّع کنندگان، و مدحّم را همراه گویندگان، و تسبیحم را همراه ستایشگران، به گوش تو رساندم. تو اجابت کننده بیچارگان و فریادرس فریادخواهان، و دادرس گرفتاران، و پناه فرارکنندگان، و فریادرس مؤمنان، و درگذرنده از گناه گناهکاران می‌باشی. و درود خدا بر بشارت دهنده و بیم‌دهنده و نور درخشان بر فرشتگان و پیامبران باد.

پروردگارا! ای گستراننده زمینهای، و آفریننده آسمانهای، و خالق جانهای بدبخت و خوشبخت بر سرشت خود! شریفترین درودهایت، و بالنده‌ترین برکاتت، و ارزشمندترین تحیاتت را، بر محمد، بنده و فرستاده و امین بر وحیت، برایا دارنده حجتت، و نگاهبان حرمتت، و انجام دهنده اوامرت، و محکم کننده آیات، و انجام دهنده نذرت، نشار کن.

خداوند! در مقابل هر فضیلتی از فضایل او، و هر منقبتی از مناقب او، و هر حالتی از حالات او، و هر منزلتی از منزلتهای او، که محمد را در آن منزلتها یاور خود ساخته‌ای، و بر رنجها صابر، و بر دشمنانت دشمن، و بر دوستانت دوست، و از مکروهات دور، و به سوی آنچه خوانده‌ای خواننده یافته‌ای، پاداش‌های افرون و عطاها ویژهات را به او عطا فرما، که امرش را برتر و درجه‌اش را بلند مرتبه گردانی، همراه با بهپادارندگان عدل تو و مدافعين از حرم تو، تا اینکه برتری و ارزش و رحمت و کرامتی باقی نماند، جز آنکه محمد را بدان مخصوص گردانی، و از جانب خود درجات عالی به او عطا فرمایی، و او را به مقامات بلند برسانی، پروردگار جهانیان اجابت فرما.

بارالها! دین و جان و تمام نعمتهايی را که به من داده‌اي، به تو مى‌سپارم، پس مرا در حفظ و حراست و کفایت خود قرار ده. حفاظت تو پايدار، و مدح تو بلند مرتبه، و نامهايت مقدس است، و جز تو پروردگاري نيسست. تو در خوشحالی و ناراحتی و شدّت و آسايش مرا کافی بوده، و بهترین نگهبانی. پروردگارا! بر تو توکل کرده، و به سوی تو زاري نموده، و بازگشتمان به سوی توست. خداوند! ما را وسیله آزمایش کسانی که کافر شده‌اند قرار مده، و ما را بیامرز، به درستی که تو استوار و پابرجائي. خداوند! عذاب جهنّم را از ما دور گردان چرا که عذاب آن جاودانه می‌باشد. به راستی که جهنّم بد جایگاه و قرارگاهی است. پروردگارا! بین ما و قوم ما به حق حکم نما، که تو بهترین حکم‌کنندگانی. پروردگارا! ما ايمان آورديم، پس گناهان ما را ببخشاي، و خطاهایمان را بپوشان و ما را با نیکان بمیران. خداوند! آنچه به فرستادگانت وعده داده‌اي به ما عطا فرما، و روز قیامت ما را عذاب منما، به درستی که تو خلف وعده نمی‌کنی. بارالها! اگر فراموش کرده يا خطأ نموديم ما را سرزنش منما. پروردگارا! تکليف سخت بر عهده ما قرار مده، همچنانکه بر عهده کسانی که پيش از ما بوده‌اند قرار دادي. خداوند! چيزهایي را که ما بر آنها قدرت نداريم بر دشمنان قرار مده، و از ما درگذر، و ما را ببخشاي، و مورد رحمت خود قرار ده، تو مولاي ما هستي، پس ما را بر گروه کافران ياری کن. خداوند! در دنيا و آخرت به ما نيكى عطا فرما، و به رحمت ما را از عذاب آتش نگاهبان باش؛ و درود خدا بر آقای ما پیامبر و خاندان پاک او.

دعای توسل به حضرت عليها السلام

از شیخ خود آیة الله مرحوم، مولی علی معصومی شنودم که در توسل به بی‌بی دو عالم عليها السلام می‌فرمود: در توسل به حضرتش پانصد و سی مرتبه می‌گوئی:

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى فَاطِمَةَ وَ آبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ
عِلْمُكَ.

خداؤندا، بر فاطمه و پدرش و همسرش و پسرانش به تعداد آنچه
دانشت بر آن احاطه دارد، درود فرست!

همچنین از هموست که فرمود: در توسل به حضرتش می‌گوئی:
إِلٰهِي بِحَقِّ فَاطِمَةَ وَ آبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ السُّرُّ الْمُسْتَوْدَعِ
فِيهَا

خداؤندا، به حق فاطمه و پدرش و همسرش و پسرانش و به آن سر
و رازی که در وی به امانت و ودیعه گذاشته شده است.

که اگر خدا بخواهد حاجت روا خواهی شد.

۶ - ایثار و فدایکاری

۱ - از جابر بن عبد الله انصاری روایت است که گفت: ما با رسول
خدا ﷺ نماز عصر را به جماعت برگزار نمودیم. حضرت پس از
فراغ از نماز در جای خود نشستند و مردم گردانید ایشان حلقه زدند.
در حینی که ما خدمت حضرت بودیم پیر مردی بینوا از راهی دور به
مسجد آمد. بر تن وی لباس کنه و پاره‌ای بود و آنچنان وضعش
ناراحت‌کننده بود که نمی‌توانست خود را از شدت پیری و ضعف
نگهدارد. رسول خدا روی بد و کرده از حال و روزش جویا شدند. مرد
مستمند گفت: ای پیامبر خدا، گرسنه‌ام، سیرم کنید. عریانم، مرا
بپوشانید و فقیر و نادرم، احسانم کنید. رسول خدا ﷺ فرمودند: من
اکنون چیزی ندارم تابه تو دهم ولی از آنجاکه راهنمابه سوی کارنیک

مانند نیکوکار است تو را به منزل دخترم راهنمائی می‌کنم. همان دختری که خدا و رسولش او را دوست داشته، او هم خدا و رسول او را دوست می‌دارد. او کسی است که همواره رضای خدا را بر خواست خویش مقدم می‌شمارد پس به سوی منزل فاطمه رهسپار شو.

خانه فاطمه زهرا جنب منزل پیامبر و چسبیده به آن بود - همان خانه‌ای که رسول خدا برای خود بنا کرده بود - . پیامبر خطاب به بلال کرده فرمودند: ای بلال! از جای برخیز و این مرد را برابر در خانه فاطمه برسان.

اعرابی همراه با بلال شد تا به خانه فاطمه زهرا رسید و با صدائی رسافریاد برآورد: سلام بر شما ای اهل بیت نبیوت و ای کسانی که فرشتگان در خانه شما آمد و شد دارند و ای آنانی که روح الامین، حضرت جبرئیل پیام پروردگار را برای شما می‌آورد! فاطمه زهرا پاسخ دادند: وعلیک السلام، تو کیستی؟ عرض کرد: مردی اعرابی هستم که نزد پدرتان، آقای آدمیان رفتم و گفتم که از راه دور آمده‌ام و مشقت دیده‌ام حال ای دخت پیامبر! بر هنه و گرسنه‌ام مرادستگیری نماید و امیدوارم که خدا یاریتان کند. در آن لحظه که مرد مستمند از فاطمه زهرا در خواست کمک و یاری می‌نمود، سه روز بود که در خانه فاطمه زهرا و امیر المؤمنین طعامی یافت نمی‌شد و رسول خدا بر این مطلب وقوف کامل داشتند.

صدیقه کبری، فاطمه زهرا پوست دباغی شده گوسفندی را که حسن و حسین علیهم السلام بر روی آن می‌آزمیدند برداشتند و به پیر مرد مستمند مرحمت فرمودند و اظهار داشتند: امیدوارم خدا بهتر از این نصیب و روزیت گرداند. مرد عرب گفت: ای دخت خیرالبشر من به شما از

گرسنگی و جوع شکایت کردم شما به من پوست دباغی شده گوسفند عطا می کنید با این پوست چگونه سد جوع کنم؟ جابر گوید: چون صدیقه طاهره این سخن را از آن مستمند نادار شنیدند گردنبندی را که در گردن داشتند - و دختر عمومیشان، فاطمه دخت حمزه به حضرت به رسم هدیه پیشکش نموده بود - از گردن باز کرده و به اعرابی دادند و فرمودند: بگیر، آن را به فروش برسان شاید که خدای تعالی بهتر از آن روزی تو نماید.

اعرابی گردنبند را گرفته راهی مسجد رسول خدا شد و در حالیکه پیامبر میان جمع یاران جلوس فرموده بودند برایشان وارد شد و اینگونه عرضه داشت: ای رسول خدا! دختر شما این گردنبند را به من داده فرمودند آن را به فروش برسانم تا خداوند گره از کارم بگشاید. جابر گوید: رسول اکرم گریستند و فرمودند: چگونه خدا گره از کار تو بازنکند و حال آنکه این گردنبند را دخت محمد، ملکه بانوان عالم به تو بخشیده است؟!

عمّار یاسر برخاسته عرض کرد: ای گرامی فرستاده پروردگار جهانیان! آیا مرا اجازه می فرمایید تا این گردنبند را بخرم. حضرت فرمودند: آری، ای عمار! اگر مردم جهان هم با تو در خریدن این گردنبند شرکت نمایند خدای تعالی هیچ یک از آنان را به آتش دوزخ در نخواهد افکند. عمار از مرد نادار پرسید: گردنبند را به چه قیمتی بفروش می رسانی؟ گفت: به وعده ای طعام که سیرم گرداند و بُردی یمانی که تن پوشم باشد و در آن برای فرمانبرداری از فرمان خدای سبحان نماز گزارم و پولی که مرا به خانواده ام برساند. عمار یاسر سهمیه و غنیمت خویش را که پیامبر در غزوهٔ خیر بد و بخشیده بود

فروخت و به مرد مستمند گفت: به تو بیست دینار طلا و دویست درهم نقره هجری^۱ و بُردی یمانی و ره توشه‌ای که تو را به خانواده‌ات برساند به علاوه یک و عده غذائی که سیرت نماید در مقابل گردن‌بند خواهم داد. که از آن پولی که بابت فروختن سهمیه و غنیمت خویش به دست آورده بود چیزی باقی نماند. پیرمرد گفت: تو عجب مرد سخاوتمند و بخشیده‌ای هستی! عمار با او در راه شد و آنچه را که عهده‌دار شده بود بدو پرداخت.

اعرابی نزد رسول اکرم آمد و پیامبر سؤال فرمودند: آیا سیر و پوشانده شدی؟ پاسخ داد: آری، و بی‌نیاز هم شدم. حضرت فرمودند: پس فاطمه را دعا کن. اعرابی دست به دعا برداشت و گفت: پروردگار! تو خدائی نیستی که ما تو را ساخته باشیم؛ آنچه بر زبان می‌آورم می‌شنوی و غیر تو معبدی وجود ندارد که سزاوار پرستش ما باشد. تو ای پروردگار، روزی دهنده مائی. خداوند! به فاطمه آنچه را که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده عطا و عنایت فرما.

پیامبر خدا علیه السلام بر دعای پیرمرد اعرابی آمین گفتند؛ سپس روی به یاران خود نموده گفتند: خداوند در دنیا اینها را به فاطمه عطا نموده است: من پدر اویم که کسی در جهان همچو من یافت نمی‌شود. علی شوهرش است که اگر علی نبود همتا و همسری برای فاطمه تا ابد یافت نمی‌شد. به او حسن و حسین ارزانی شده است که مثل و مانندی در دنیا نداشته آقای جوانان فرزندان و اسباط انبیاء و آقای جوانان اهل بهشت هستند آنگاه در حالی که مقداد، سلمان و عمار نزدشان شرفیاب بودند

۱ - هجر ناحیه‌ای است در سواحل عربستان و جنوب خلیج فارس که در قدیم الایام از مراکزی بود که به ضرب سکه شهرت داشت - مترجم.

فرمودند: آیا شأن و مقام او را بیشتر برای شما بازگو کنم؟ گفتند: بلی، ای رسول خدا. حضرت فرمودند: آیا می خواهید بیشتر بگویم؟ گفتند: بلی، ای رسول خدا! حضرت فرمودند: روح - جبرئیل - به نزدم آمد و گفت: همانا زمانی که روح از بدن فاطمه زهرا مفارق است می کند و او را دفن می کنند دو ملک در قبر از او می پرسند: پروردگارت کیست؟ گوید: خدا پروردگار من است. گویند: پیامبرت کیست؟ گوید: پدرم، گویند: ولیت کیست؟ گوید: این که بر لبۀ قبرم ایستاده یعنی علی بن ابی طالب. آگاه باشید تا شما را از مقام او بیشتر آگاه کنم. خداوند برای او گروهی از ملائکه را مأمور نموده تا او را از جلو و پشت و چپ و راست حفظ و نگاهبانی کنند که این گروه در هنگام حیات و مرگ و قبر با حضرتش همراهنده و دائمآ درود براو و پدر و شوهر و فرزندانش می فرستند. پس هر کس که بعد از وفات من او را زیارت کند گویا مرا زیارت کرده و هر کس علی را زیارت کند گویا فاطمه را زیارت کرده و هر کس حسن و حسین را زیارت کند گویا علی را زیارت کرده و هر کس ذراري ایشان را زیارت کند مثل این است که حسن و حسین را زیارت کرده باشد.

جابر گوید: عمار گردنبند را گرفته آن را به مشک آلوده و معطر گرداند و در یک برد یمانی پیچید و به دست برده خود که نامش «سهم» بود و از نبرد خیر به وی رسیده بود، سپرد و گفت: این گردنبند را بگیر و آن را به رسول خدا تسليم کن و خودت پس از انجام کار از آن رسول خدا خواهی بود. «سهم» گردنبند را گرفته به نزد پیامبر خدا آورد و حضرت را از گفتار عمار آگاه نمود. پیامبر فرمودند: نزد فاطمه زهرا برو و گردنبند را به وی تسليم کن و تو از این پس متعلق به وی خواهی

بود. غلام‌گردن‌بند را پیش فاطمه زهرا برد و گفتار رسول خدارا به حضرتش عرض نمود. حضرت صدیقه طاهره گردن‌بند را گرفته غلام را آزاد فرمودند. «سهم» را خنده گرفت. فاطمه زهرا از سبب خنده وی جویا شد. پاسخ داد: عظمت و برکت این گردن‌بند مرا به خنده انداخت زیرا گرسنه‌ای را سیر کرد، برنهنه‌ای را پوشاند، ناداری را غنی کرد، بنده‌ای را آزاد نمود و در آخر کار باز به صاحب اصلیش بازگشت.^۱

۲ - از ابن عباس در گفتار باریتعالی که می‌فرماید (یوْفُونَ بِاللَّذِ...)^۲

چنین نقل شده است که: حسن و حسین علیهم السلام در حالیکه دو کودک خردسال بیش نبودند مریض شدند، رسول اکرم همراه با دو نفر از آنان عیادت نموده به علی علیهم السلام فرمودند: چرا برای بهبودی فرزندات نذر نمی‌کنید؟ علی علیهم السلام عرض کردند: نذر می‌کنم اگر خداوند دو فرزندم را بهبودی بخشید سه روز روزه بدارم. پیرو سخن حضرت فاطمه زهرا علیهم السلام نذری بر طریق علی علیهم السلام نمودند و فضله هم در نذر کردن از آنان پیروی نمود. پس از مدتی خدای تعالی به آنان لباس عافیت پوشانید. بنابر نذری که کرده بودند روز اوّل را روزه گرفتند در حالیکه نزد آنان طعامی نبود. پس علی علیهم السلام به منزل همسایه یهودی خود که شمعون بن حاتا نام داشت رفته فرمودند: آیا می‌توانی به من قطعه‌ای پشم دهی تا آن را دختر پیغمبر بریسد و برای تو آورده در ازای آن سه صاع جو بدهی؟^۳ شمعون بدین عمل راضی شد. پشم و سه صاع جو را به حضرت داد. حضرت آن پشم و سه صاع جو را به منزل آوردند و فاطمه

۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۶-۵۸.

۲- انسان (دهر)، ۷: ۷۶.

۳- هر صاع، سه کیلو است - مترجم.

زهرا علیها السلام پشمها را رسیدند. آنگاه یک صاع از جو را آرد کرده خمیر نمودند و از آن پنج قرص نان پختند؛ برای هر یک از اهل خانه یک قرص نان. علی علیها السلام نماز مغرب را با پیامبر به جماعت بجا آورد و به منزل آمدند. سفره گسترده شد و چون خواستند افطار کنند در حالیکه لقمه در میان دستانشان بود، مسکینی بر در سرا آمد و صدا کرد: السلام علیکم یا اهل بیت محمد؛ مسکینی از مساکین مسلمین هستم، از آنچه می خورید به من هم بخورانید که از خدا خواهانم طعامهای بهشتی نصیب شما گردداند. چون علی علیها السلام شنیدند فرمودند:

فاطِمَةُ ذَاتُ الْمَجْدِ وَ الْيَقِينِ يَا بِنْتَ خَيْرِ النَّاسِ أَجْمَعِينِ

- فاطمه ای صاحب مجد و یقین، ای دختر بهترین مردم.

أَمَّا تَرِينَ الْبَائِسَ الْمِسْكِينَ قَدْ قَامَ بِالْبَابِ لَهُ حَنِينٌ

- آیا نمی بینی که بیچاره مستمند بر درب سرا ناله می کند؟

يَشْكُوُ إِلَى اللَّهِ وَ يَسْتَكِينُ يَشْكُوُ إِلَيْنَا جَائِعَ حَزِينَ

- به خدا شکایت و لابه می کند و به سوی ما گرسنه دل غمینی شکایت

آورده.

كُلُّ أَمْرٍ بِكَسْبِهِ رَهِينٌ وَ فَاعِلُ الْخَيْرَاتِ يَسْتَبِينُ

- هر کس آن درود عاقبت کار که کشت و انجام دهنده خیرات، پاداش کارش

را خواهد دید.

مَوْعِدُهُ جَنَّةُ عِلَّيْنِ حَوَّمَهَا اللَّهُ عَلَى الصَّنِيبِينَ

- وعده گاه همچو شخصی بهشت بین است که خداوند آن را بر کسی که

نفعی نمی رساند حرام کرده.

وَ لِلْبَخِيلِ مَوْقُفٌ مَهِيبِينَ تَهْويِ بِهِ النَّازِ إِلَى سِجِينِ

- و برای بخیل و خسیس جایگاهی حقیر و پست است و آتش او را به سوی سجین سرازیر می‌کند.

شَرَابُهُ الْحَمِيمُ وَالْغِسْلِينِ

- و نوشیدنیش آب جوشان و چرک و خون ناریان است.

فاطمه علیها السلام فرمود:

أَطْعِمُهُ وَ لَا يَأْبَى إِلَيَّ السَّاعَةِ أَرْجُو إِذَا أَشْبَعْتُ ذَا مَجَاعَةَ

- هم اکنون او را طعام می‌دهم و ترسی ندارم، و امید آن دارم که با سیر کردن گرسنهای،

أَنَّ الْحِقَّ الْأَخْيَارَ وَالْجَمَاعَةَ وَأَسْكُنَ الْخُلْدَ وَلِي شَفَاعَةَ

- به اخیار و برگزیدگان ملحق شوم و در بهشت ساکن گردم و شفاعت کنم. راوی گوید: پس همگان قرص نان خود را به مسکین بخشیدند و با آب تنها افطار کرده شب را با گرسنگی به صبح آوردند. چون روز دوم شد، فاطمه علیها السلام یک صاع دیگر از جو را آرد و خمیر کردن و پنج نان پختند. آن شب هم علیها السلام نماز مغرب را با پیامبر خدا به جماعت برگزار کردن و به خانه آمدند چون خواستند به قرص نان افطار کنند، یتیمی از ایتمام مسلمین بر در خانه ایستاد و صدا کرد: السلام علیکم یا اهل بیت محمد، من یتیمی از ایتمام مسلمین هستم، از آنچه تناول می‌کنید مرا بخورانید امیدوارم که خداوند از اطعمه بهشتی شمارا بخوراند. پس امیر المؤمنین فرمودند:

فَاطِمَةُ بِنْتُ السَّيِّدِ الْكَرَيمِ بِنْتُ نَبِيٍّ لَيْسَ بِالْمَدِيمِ

- فاطمه دخت آقای باکرامتی است، دخت پیامبری که مذمت شده نیست.

قَدْ جَاءَنَا اللَّهُ بِذَا الْيَتَيمِ قَدْ حَرَمَ الْخُلْدَ عَلَى الَّتَّئِيمِ

- خدا برای ما این یتیم را آورده، و مقام خلد را بر لئیم حرام کرده است.

يُحَمِّلُ فِي الْحَسْرِ إِلَى الْحَجَّمِ شَرَابُهُ الصَّدِيدُ وَالْحَمِيمُ

- لئیم را در حشر به سوی دوزخ می‌برند که آشامیدنیش چرک و خون و آب جوشان است.

وَ مَنْ يَجُودُ الْيَوْمَ فِي النَّعِيمِ شَرَابُهُ الرَّحِيقُ وَ التَّسْنِيمُ

- هر کس که امروز جود و بخشش کند در بهشت نعیم است که آشامیدنیش شراب سر به مهر بهشتی و آب چشممه تسنیم است. پس آنگاه فاطمه زهرا فرمودند:

إِنِّي أَطْعِمُهُ وَ لَا بُتَالٍ وَ أَوْثِرُ اللَّهَ عَلَى عِيَالِي

- همانا من او را غذا می‌دهم و ترسی ندارم و خداوند را بر خانواده خود ترجیح می‌دهم.

آمْسِوا جِنِيَاعًا وَ هُمْ أَسْبَالِي

- امشب گرسنه‌اند در حالیکه اینان شیر بچگان منند.

همگان قرص‌های نان را بدودند، خود گرسنه سربه بالین نهادند و شب روز دوم را مانند روز و شب اول و روز دوم سپری کردند. چون روز سوم رسید جریان همچون دوروز گذشته تکرار شد با این تفاوت که در این شب یک نفر اسیر از خاندان وحی طلب غذانمود و آنان را بر غذائی که می‌دهند دعا نمود تا غذای بهشتی نصیبیشان گردد. چون علی علیها السلام شنید، گفت:

فَاطِمَةُ يَا بِنْتَ النَّبِيِّ أَحْمَدُ بِنْتُ نَبِيِّ سَيِّدِ مُسْوَدَّ

- فاطمه، ای دخت احمد پیامبر، ای دخت پیامبری که آقا و سرور آدمیان است.

مُنِّي عَلَى أَسْرِيرَنَا الْمُقَيَّدِ مَنْ يُطْعِمُ الْيَوْمَ يَجِدُهُ فِي الْغَدِ

- بر اسیر و دریند کشیده ما مت گذار، آن که امروز کسی را اطعام کند فردا آن را می یابد؛

عِنْدَ الْعَالِيِّ الْمَاجِدِ الْمَمْجَدِ

مَنْ يَزْرَعُ الْخَيْرَاتِ سَوْفَ يَحْصَدُ

- در نزد خداوند بلند مرتبه باعظمت ستودنی. هر کس خیری بکارد، آن را درو خواهد کرد.

فاتمه عليها السلام فرمود:

لَمْ يَبْقَ عِنْدِي الْيَوْمَ غَيْرَ صَاعٍ قَدْ مُجْلَتْ كَفَّيِ مَعَ الدَّرَاعِ

- امروز نزد من جز یک صاع جو باقی نمانده. کف دستم به همراه ساق دستم تاول زده است.

إِنَّمَا وَاللهِ مِنَ الْجِيَاعِ أَبُوهُمَّا لِلْخَيْرِ ذُو أَصْطِنَاعِ

- به خدا قسم دو فرزندم گرسنه هستند در حالی که پدرشان همیشه در کارهای خیر پیشقدم بوده است.

آنگاه طعام خود را به اسیر دادند و چون دیگر شبها با گرسنگی سر بر رختخواب گذارند. روز چهارم علی عليها السلام در حالیکه دو فرزند خود را همچون دو جوجه حمل می کردند به نزد رسول خدا آمدند. چون رسول خدا عليه السلام آنان را مشاهده نمودند، فرمودند: دخترم کجاست؟ علی عليها السلام فرمود: در محراب عبادتش جای دارد، پس رسول خدا عليه السلام برخاسته و بر فاطمه زهرا وارد شدند و مشاهده کردند که از شدت گرسنگی شکم حضرت به پشت چسبیده و چشمان او به گودی افتاده است. حضرت رسول فرمودند: به خدا استغاثه می کنم، خاندان محمد

از گرسنگی می‌میرند! پس جبرئیل فرود آمد و این آیه را تلاوت نمود:
 «يُوْفُونَ بِالنَّدْرِ...»^۱

۷- راستگوئی

۱- از عمر بن دینار روایت شده است که: عایشه گفت:
 ما رأيْتَ أَحَدًا قَطُّ أَصْدَقَ مِنْ فَاطِمَةَ غَيْرِ أَبِيهَا...
 کسی را راستگوتر از فاطمه، جز پدرش ﷺ ندیدم...^۲

۸- حجاب و عفاف

۱- آنس گوید: پیامبر خدا ﷺ فرمودند: بهترین چیز برای زنان
 چیست؟ مانفهمیدیم که چه می‌فرمایند. پس علی علیها السلام به نزد فاطمه علیها السلام
 رفته او را از سوال رسول خدا آگاه ساختند. فاطمه علیها السلام فرمودند: چرا
 نگفتی «بهترین چیز برای ایشان آن است که آنان مردان را نبینند و
 مردان هم آنان را نبینند». پس بازگشتند و جواب حضرت رسول را
 دادند، پس پیامبر خدا به علی علیها السلام فرمودند: این مطلب را چه کسی به تو
 آموخت؟ علی علیها السلام عرض کردند: فاطمه، پیامبر فرمودند: همانا او
 جگوگوشه ام می‌باشد.^۳

۲- از جابرین سمره نقل است که: پیامبر خدا ﷺ آمدن و جلوس
 نمودند؛ آنگاه فرمودند: فاطمه زهرا مبتلا به درد است. مردم و

۱- تذكرة سبط ابن جوزی، ص ۳۱۳-۳۱۵. وی در اینجا گفتار جدش ابن جوزی را آورد
 پاسخهای قانونکننده به او داده و نکات ظریفی را این آیه شریف استخراج نموده است.

۲- حلیة الأولیاء، ج ۲، ص ۴۱ [همچنین به]: اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۰۸ [به نقل از:]
 استیعاب.

۳- حلیة الأولیاء، ج ۲، ص ۴۱-۴۲.

جماعت حاضر در مجلس گفتند: خوب است از او دیدن کنیم. پس پیامبر خدا برخاسته و راه را در پیش گرفتند تا به درب منزل فاطمه زهرا سیدند و مشاهده نمودند در باز است. پس پیامبر بانگ برآوردن: ای فاطمه؛ خودت را به لباس بپوشان که جماعتی برای عیادت از تو می‌آیند. فاطمه زهرا فرمودند: ای پیغام آور خدای سبحان، بر من چیزی جز عبا وجود ندارد. پیامبر عبایی را گرفتند و از پشت در به فاطمه دادند و فرمودند: با این سرت را بینند. پس پیامبر خدا داخل شدند و در پشت سر ایشان جماعت عیادت کننده به داخل منزل آمدند؛ ساعتی نشستند و آنگاه از خانه فاطمه زهرا خارج شدند. پس از آن جماعت عیادت کننده گفتند: به خدا قسم، آیا سزاوار است که دخت پیامبر ما بر این حال وضع باشد؟ راوی گوید: پیامبر متوجه سخن آنان شده فرمودند: آگاه باشید او بانوی بانوان به روز جزاست.^۱

۳ - پیامبر خدا صلوات الله عليه و سلام در خطاب به فاطمه زهرا عليها السلام فرمودند: کدام چیز برای زن بهتر است [صلاح زن در کدامیک از امور نهفته است]؟ حضرت فرمود: آن لاتری رجل^۲ و لا یراها رجل، اینکه مردی را بیند و مردی هم او را مشاهده ننماید. ختمی مرتبت او را به خود چسبانیده فرمودند: «ذرِيَّةٌ بعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ».^۳

بَرَّةٌ طَبِيَّةٌ طَاهِرَةٌ مَرْيَمُ الْكُبْرَى عِفَافًاً وَوَرَعًا^۴

- نیکوکار و پاک و پاکیزه است، و در عفاف و ورع مریم کبری است.

۴ - از امام کاظم عليه السلام روایت شده که حضرت از پدران خود روایت

۱- حلیة الاولیاء، ج ۲، ص ۴۱-۴۲.

۲- آل عمران، ۳: ۳۴.

۳- ابن شهر آشوب: المناقب، ج ۳، ص ۳۴۱.

کرده‌اند که: علی عليها السلام فرمود: مردکوری از فاطمه عليها السلام اذن دخول خواست، حضرت روی از او پوشیده داشتند. پیامبر خدا صلوات الله عليه و سلام بدو فرمودند: چرا روی از او می‌پوشانی در حالیکه تو را نمی‌بیند؟ فاطمه عليها السلام عرض کرد: إن لم يكن يراني فإني أراه و هو يشمُ الريح، هر چند که او مرا نمی‌بیند لیکن من او را می‌بینم و او بموی مرا استشمام می‌کند. رسول خدا صلوات الله عليه و سلام فرمودند: أشهد أنك بضعة مني. شهادت می‌دهم که براستی توجگرگوشة من هستی.^۱

۵ - به همان اسناد حدیث گذشته، حضرت مسی فرماید: رسول خدا صلوات الله عليه و سلام از اصحاب خود پرسیدند که حقیقت زن چیست؟ گفتند: عورت است. حضرت فرمودند: چگونه یک زن می‌تواند به پروردگار خود نزدیک گردد؟ اصحاب ندانستند. چون فاطمه عليها السلام این پرسش را شنیدند؛ فرمودند: أدنی ما تكون من ربّها أن تلزم قريبتها، به خدا نزدیک نمی‌گردد مگر اینکه در کنج خانه‌اش باشد. پیامبر خدا صلوات الله عليه و سلام چون این جواب را شنودند فرمودند: إنَّ فاطمة بضعة مني. براستی که فاطمه جگرگوشة منست.^۲

۹ - عصمت و دوری از گناه و اشتباہ

در خلال بحث‌های گذشته به نحو استطرادی مطالبی را که دلالت بر عصمت بانوی بانوان داشت بیان نمودیم و در اینجا به عنوان بحثی مستقل به پاره‌ای دیگر از موارد اشاره می‌کنیم:

۱ - ابن‌ابی الحدید، شارح معترزلی مذهب نهج‌البلاغه، از علم الهدی

۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۱.

۲- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۲.

شریف مرتضی علیہ السلام نقل می کند که: اما آنچه دلالت می کند بر آنچه که ذکر نمودیم عبارت است از اینکه حضرتش معصوم از خطاب و به دور از عمل ناپسند می باشد و کسی که دارای چنین صفتی باشد در ادعای ایش محتاج به شاهد و بینه نمی باشد.

اگر گفته شود: برای ما دو دلیل اقامه کنید تا گفتار تان به اثبات رسد. ما گوئیم: بیان نخست گفتار حق تعالی است که فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الْجِنْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا» ^۱ که این آیه جمعی را که از جمله آن فاطمه علیها السلام می باشد دربر می گیرد آن هم به اخبار متواتری که در این زمینه وارد شده است. و اراده در آیه دلالت بر وقوع فعل مورد نظر دارد.

به علاوه گفتار پیامبر مدنی هم دلالت بر این سخن دارد آن جا که می فرماید:

فَاطِمَةُ بَضْعَةُ مِنِّي، مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ.

این گفتار دلالت بر عصمت حضرت صدیقه دارد چون اگر حضرت از کسانی بود که به گناه [نعمود بالله] [از دیدک می شد، دیگر اذیت رساندن به او سبب آزار و اذیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نمی گردید، بلکه اگر کسی جزای لازم او را از ذم و یا اقامه حد - اگر اقتضای آن را داشت - می داد موجب خشنودی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را فراهم کرده بود.^۲

۲ - علامه امینی علیه السلام گوید: ما را نرسد که در دفاع از خلیفه آنچه را

۱- احزاب، ۳۳:۳۳

۲- شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۷۲

ابن کثیر در تاریخ خود صفحه دویست و چهل و نه از جلد پنجم گفته بر زبان آوریم که: فاطمه از آنجاکه زنی از افراد بشر بود و توقع عصمت از او نباید داشت از کارأبوبکر خشمناک شد، او رانکوهید و با وی سخن نگفت تا در گذشت و در صفحه دویست و هشتاد و نه از کتابش می‌نویسد: او نیز زنی از آدمی زادگان بود و چنانچه همه اندوهگین می‌شوند او هم اندوهگین شد چراکه معصوم بودن او لازم نیست...
 چه بگوئیم درباره این گونه گرافه گوئی‌ها و غلط پرانی‌ها آن هم در برابر آیه تطهیر که درباره او و شوهر و پدر و فرزندانش [=پسرانش] در کتاب خدای عزیز نازل شده؟

چه بگوییم درباره این باآنکه آوای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در برابر خویش می‌یابیم که: فاطمه بضعة منی، فمن أغضبها أغضبني؟ فاطمه پاره‌ای از تن من است پس هر که او را به خشم آورد مرا به خشم آورده؟ و در عبارتی: **فاطِمَةُ بَضْعَةُ مِنِي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا وَ يَغْضِبُنِي مَا أَغْضَبَهَا**^۱

مؤلف گوید: برای مزید در تحقیق این مطالب به فصل فضائل مشترک فاطمه عليها السلام با سایر ائمه در عنوان اشتراک با ایشان در جنگ و صلح رجوع کنید.

۳ - علامه سید عبدالرزاق مقرم الله بعد از نقل آیه تطهیر که دلالت بر عصمت فاطمه زهرا دارد؛ گوید: اگر ما از براهین علمی [در استدلال به معصوم بودن حضرتش] روی گردانیم پس فراموش نمی‌کنیم که صدّیقه طاهره از نور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم جدا گردیده که نور پیامبر، برگزیده‌ای

از پرتو الهی است؛ در نتیجه زهرا عليها السلام شکافته شده از حقیقت محمدی است که از عنصر قداست ساخته شده... و از امور غیر ممکن این که حضرتش در افعال راه اثم و گناه بپیماید و تورابه و حشت نیفکند آنچه به گوشت می‌رسد از طبیعتی که از روی میل و هوابه وجود آمده، چون عصمت برای کسی که در کسا [= عبا] شرکت داشته باشد امری ثابت است (و همه اصحاب کسا را در بر می‌گیرد) آن هم به خاطر تحمل امر رسالت و یا امامت که حضرت زهرا از این دو امر خالیست (نه امر رسالت برگردان دارد و نه امامت) اما خالی از عصمت نیست چون ما نمی‌گوئیم که تحقق عصمت در ائمه عليهم السلام به سبب تبلیغ احکام است تا اینکه شما بگوئید صدیقه طاهره معصوم نیست چون وظیفه تبلیغ احکام را بروش نمی‌کشد؛ ما برای اثبات عصمت ایشان به کتاب خدا تمسک می‌جوئیم به اقتضای اینکه طبیعت آنها از نور الهی تکوین یافته است پس غیر ممکن است که از آنان گناهی سرزند؛ و یا اینکه نور الهی به سبب عدم سنتیت، ملوث با چیزی که سازگار با طبیعت او نیست نمی‌شود، و گناه و حتی ترک اولی از این قبیلند.

و این قدسیه بودن آنان خود دلیلی است که شیطان در خواب به صورت آنان نمی‌تواند درآید لذا بر زهرا عليها السلام واجب است از آن چیزهایی که بر زنان در حالت عادت و زائیدن عارض می‌شود پاک و به دور باشد.

واز اموری که تأکیدی بر عصمت حضرتش محسوب می‌گردد گفتار متواتر پیامبر صلوات الله عليه و سلام است که می‌فرمود: فَاطِمَةُ بَضْعَةُ مِنِي، يُعْضِبُنِي مَنْ أَغْضَبَهَا، وَ يُسْرُنِي مَنْ سَرَّهَا، وَ إِنَّ اللَّهَ يُعْضِبُ لِغَضَبِهَا وَ يَرْضِي لِرِضاها

که این سخن کاشف از این است که رضای او موکول به آن چیزی است که رضا و خشنودی پروردگار جلّ شأنه در آن باشد. همچنین خشم پروردگار به سبب خشم اوست به گونه‌ای که اگر حضرتش بر امری خشم گیرد یا از مطلبی خشنود گردد که آن امر و مطلب از مباحثات باشد به ناچار برای آن یک جهت شرعی باشد که آن را داخل در موارد رجحان کند. در نتیجه حالت رضا و غضب در او برانگیخته شده از جهت نفساتیات نمی‌باشد؛ و این معنای عصمت است که در حضرتش موجود است...^۱

مؤلف گوید: آیه تطهیر به وضوح دلالت دارد براینکه حضرت صدیقۀ طاهره مطهره به طهارت حقیقی است که از هر نقص و عیوب و عار و گناهی مبرّاست و این مطلب تنها از این جهت نمی‌باشد که حضرتش گناه و عمل ناروا انجام نمی‌دهد بلکه فکر گناه هم در مخیله حضرت راه ندارد هر چند که فکر گناه منافاتی با عصمتی که در انبیاء موجود است، ندارد. ما تحقیق این مسأله را در کتاب دیگرمان، «الامام علی بن ابی طالب علیهم السلام» نموده‌ایم.

